

# شهاب



سال چهارم، شماره سوم، شماره پیاپی ۱۳، پاییز ۱۳۷۷

شماره استاندارد بین‌المللی ۴۷۸۳-۱۰۲۹

ISSN:1029-4783

## میراث کتابخانه

۲ سید محمود مرعشی نجفی کتابخانه شخصی آیت‌الله بهاری همدانی

## کلیک و کتاب

۱۰ شیفتگان کتاب  
۲۳ نویسنده‌گی در حوزه  
۲۹ نقد شیخ آقا بزرگ تهرانی بر کشف الحجب  
۳۶ دایرةالمعارف امام حسین (ع)  
علی رفیعی علامرودشتی  
رضا بابایی  
سید حسن فاطمی  
گفتگو با حجّت الاسلام مقدّس نیا

## جهان کتابخانه

۴۰ بزرگترین کتابخانه شخصی جهان در بعلبک  
۴۳ کتابخانه قرویین  
محمد نوری  
میر محمود موسوی

## سفرنامه‌های علمی

۴۶ رهنوشه ازبکستان  
۵۵ دیدار از نمایشگاه بین‌المللی کتاب  
سید محمود مرعشی نجفی  
علی رفیعی علامرودشتی

## بازتاب دیدار

۵۸

## اخبار کتابخانه

۶۱

## نامه‌ها

۶۶

# کتابخانه شخصی آیت‌الله بهاری همدانی (ره)

سید محمود مرعشی نجفی

مطلب دیگر آن‌که در گزارش نخست متأسفانه چند غلط راه یافته است و همچنین بعضی موارد نیاز به توضیح بیشتر دارد که ذیلاً می‌آید:

(الف) ردیف ۲۵، نام رساله نخست، کن فسیکون آمده که صحیح آن کُن فیکون است.

(ب) ردیف ۳۷، رساله دوم مغایرة الاجزاء و القبول آمده، که نام اصلی آن مفارقة الاجزاء و القبول است.

(ج) ردیف ۵۹، کتاب سلاح الحازم لدفع الظالم به عربی است، نه فارسی.

(د) ردیف ۶۰، نام دیگر کتاب روح الجوامع، ودج الجوامع است. و نسخه دیگری غیر از دو نسخه معرفی شده، در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به شماره ۴۷۷۱ موجود است که آن نیز جلد اول کتاب و شامل ۱۳۵ برگ و در قطع رقعی است.

(ه) ردیف ۶۲، کتاب حقیقت اسلام در اصول دین نیز به جز دو نسخه معرفی شده، نسخه اصلی دیگری به خط مؤلف به شماره ۳۳۱۳ در جلد ۹ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) معرفی گردیده است که در ۵۵ برگ و در قطع رقعی است.

(و) ردیف ۱، کتاب المزار شیخ مفید، نسخه خطی دیگری در سده ۱۱ ق کتابت شده و ناقص بوده است و مرحوم بهاری آن را تکمیل و در حاشیه تصحیح کرده و شامل ۱۵۵ برگ در قطع جیبی است.

در صفحه آغاز گزارش قبلی سال مهاجرت آن مرحوم از

## بخش دوم

در شماره پیش، بخشی از گزارش درباره کتابخانه مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر بهاری همدانی (متوفی ۱۳۳۳ ق) را آوردیم. پس از مدتی مجدداً تعدادی از وارثان آن مرحوم بخش پایانی مجموعه آثار علمی ایشان را برای فروش به کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ارائه نمودند. چون بخش اندکی در چند سال قبل و نیز بخش قابل توجه دیگری را نیز در چند ماه گذشته برای کتابخانه خریداری کرده بودم، لذا به منظور عدم پراکندگی این نسخه‌های علمی سودمند آنها را نیز خریداری کردیم. این نسخه‌ها بیشتر نسخه اصلی و به خط مبارک آن مرحوم است، که در این گزارش فهرست آنها را آورده‌ایم. بنابراین، با توجه به سه مرحله خریداری نسخه‌های خطی کتابخانه مرحوم بهاری، احتمالاً تمامی نسخه‌های خطی ایشان، به جز پنج نسخه که در کاظمین به یکی از کتابخانه‌ها اهدا گردیده، به کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) انتقال یافته است.

یادآور می‌شود آن مرحوم معمولاً آثار تألیفی خود را در دو یا سه نسخه کتابت می‌کرد: ۱. مسوده؛ ۲. مییضه؛ ۳. نسخه تکمیلی.

لذا در این گزارش و نیز گزارش قبلی بعضی نسخه‌ها مکرر و تا سه نسخه اصلی وجود دارد و از لحاظ مقابله و تصحیح برای چاپ بسیار سودمند است.

نجف اشرف به زادگاهش بهار همدان، به نقل از بازماندگانش، سال ۱۳۱۶ ق آمده است، لیکن در پشت برگ آغاز مجموعه شماره ۱۵، به خط فرزند ایشان مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدحسین بهاری همدانی، سال ۱۳۱۷ ق آمده است. اینک به معرفی نسخه‌هایی که به تازگی از وارثان آیت‌الله بهاری همدانی خریداری شده می‌پردازیم:

۱. مطلع الشمس فی فضل حمزة و جعفر ذی الجناحین، به عربی، تألیف مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی و به خط مبارک ایشان است. این جلد کاملترین نسخه اصلی این کتاب است که در سال ۱۳۰۹ ق در نجف اشرف کتابت شده است. دو نسخه مسووده اصلی دیگر از این کتاب در مجموعه قبلی وجود دارد که یک نسخه مسووده آن در فصلنامه شهاب، شماره ۱۲، در گزارش کتابخانه بهاری به شماره ۱۷ معرفی شده که در صبح پنجشنبه ۲۹ رجب سال ۱۳۰۵ در نجف اشرف کتابت شده است. آن‌گاه میبضه این نسخه را در سی‌ام رمضان سال ۱۳۰۵ به پایان برده است. سپس چون مطالب بیشتری یافته است، به تدریج جمع‌آوری نموده و مجدداً با تجدیدنظر و اضافات آن را به صورت مجموعه فعلی فراهم نموده است. خط نسخ، عناوین قرمز، قطع رقعی، جلد تیماج مشکئی.

۲. تعلیقة علی الفوائد الملیة فی شرح النفلية، به عربی، تألیف مرحوم بهاری، به خط مؤلف، قطع جیبی، خط نسخ و نستعلیق. در برگ پایانی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا، برادر مؤلف، به خط خود چنین نوشته است: «انتهی ما علقه حجة الاسلام حاجی شیخ محمدباقر بهاری مقیم همدان طاب ثراه، اخی من أبی و امی، جف قلمه الشریف و انا الاحقر محمدرضا بن حاج محمدجعفر طاب ثراهما».

۳. مجموعه سه رساله از آثار مرحوم آیت‌الله شیخ محمدباقر بهاری همدانی، به خط مؤلف، بدین ترتیب: ۱. صلاة الجماعة؛ ۲. کتاب الاجارة؛ ۳. امر مسئله الامر مع العلم بانتفاء شرطه. این نسخه مسووده اصلی است. فرزند مؤلف بر فراز برگ آغاز چنین نوشته است: «لوالدی الماجد الحاج شیخ محمدباقر البهاری الهمدانی تغمده الله بغفرانه، أنا العاصی محمدحسین». خط نسخ، قطع رقعی، جلد تیماج زرشکی.

۴. سلاح الحازم لدفع الظالم، در اعتقادات، به عربی، تألیف

مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی، نسخه میبضه، به خط مؤلف، که آن را در عصر روز جمعه پانزدهم ذی‌حجه سال ۱۳۱۰ در نجف اشرف کتابت کرده است. نسخه مسووده اصلی این کتاب نیز در شماره ۱۲ فصلنامه شهاب در گزارش بخش نخست کتابخانه بهاری به شماره ۶۰ معرفی گردیده است. خط نسخ، عناوین قرمز، ۳۳۵ صفحه، قطع رقعی، جلد تیماج قرمز ضریبی با ترنج و سرترنج.

ضمناً یک نسخه اصلی دیگر به خط مبارک مؤلف به شماره ۴۷۷۱ در جلد ۱۲ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) معرفی شده و شامل ۱۳۵ برگ در قطع رقعی و جلد تیماج قرمز است. در این اثر، مرحوم بهاری، به گفته‌های ابن حجر هیتمی در رساله تطهیر الجنان و اللسان عن الخطور و النفوه بثلث معاویة بن ابی سفیان پاسخ داده است.

۵. مجموعه سه رساله در یک جلد، از آثار مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی، نسخه میبضه اصلی، به خط مؤلف. این رساله‌ها عبارت‌اند از: ۱. الدعوة الحسینیة الی مواهب السنیة، به عربی، خط نسخ، عناوین قرمز، کتابت سال ۱۳۱۱ ق در نجف اشرف، ۷۸ صفحه؛ ۲. رساله عربی، شامل احادیث و روایاتی که اخطب خوارزم در کتاب المناقب خود نیاورده است. خط نسخ، عناوین قرمز، کتابت در ماه صفر سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف، ۱۱ صفحه؛ ۳. ابھی الدرر فی تکملة عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر (ع) من طریقہ العامة، به عربی، نسخه میبضه اصلی، به خط مؤلف در شب هفتم شوال سال ۱۳۰۹ در نجف اشرف. خط نسخ، عناوین قرمز، ۳۱ صفحه. در پشت برگ آغاز این مجموعه، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا بهاری، برادر مؤلف، چنین نوشته است: «فقد وهبه الجناب المصنّف اطال الله بقاءه هذا الكتاب المستطاب لی فی شهر رمضان المبارک من شهور سنة خمسة عشر و ثلثمائة بعد الالف (۱۳۱۵) و انا الاحقر محمدرضا بن محمدجعفر الهادی». قطع رقعی بزرگ، جلد تیماج قرمز مجدول.

۶. مجموعه شامل دو کتاب، بدین ترتیب: ۱. عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر (ع)، به عربی، از ابی بدر یوسف بن یحیی السلمی الشافعی. نسخه نفیسی به خط مبارک مرحوم آیت‌الله

۲۶ ص؛ ۳. رساله ابوالحسن احمد بن محمد بن عبدالله بکری، به عربی، کتابت دهه آخر جمادی الثانی سال ۱۲۹۷، ۳۴ ص؛ ۴. رساله فی معرفة ساعات و اللیل، به عربی، شامل شش فصل و یک خاتمه، مؤلف مجهول، کتابت در ۱۸ ربیع المولود سال ۱۲۹۶، ۲۸ ص. این مجموعه به خط نسخ و بعضی از حواشی به خط نستعلیق نوشته شده است. قطع جیبی، جلد مقوایی، عطف پارچه سفید.

۱۱. رساله عربی در تفسیر آیه شریفه: «وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ» درباره حضرت ولی عصر (عج)، تألیف مرحوم آیت الله بهاری همدانی، نسخه اصلی به خط مؤلف. کتابت سال ۱۳۲۱ ق در همدان، خط نستعلیق، عناوین قرمز، قطع جیبی، ۱۹ برگ، این نسخه مسوده اولی مؤلف است که قلم خوردگی دارد. جلد تیماج قهوه‌ای یک لایی.

۱۲. مجموعه در اصول، به عربی، شامل التسامح فی ادلة السنن؛ مسئله الاجزاء؛ المطلق و المقید؛ المجمل و المبین؛ بعض الکلام فی المشتق؛ تألیف مرحوم آیت الله بهاری همدانی، نسخه اصلی به خط مؤلف، این نسخه مسوده اولی مؤلف است و قلم خوردگی دارد. خط شکسته نستعلیق، ۷۲ برگ، قطع رقعی کوچک، جلد تیماج حنایی ضربی مجداول با ترنج و سرترنج.

۱۳. مجموعه نفیس تألیف مرحوم آیت الله بهاری همدانی، به عربی، نسخه مسوده اولی اصلی به خط مؤلف، بدین ترتیب:

۱. تلخیص چهار رساله از رسائل رجالیه مرحوم حجت الاسلام سید محمدباقر شفتی اصفهانی، شامل احوال ابوبصیر که در شب یازدهم رمضان سال ۱۳۱۳ نوشته است (۲۲ برگ). و احوال اسحاق بن عمار که در دوازده شوال سال ۱۳۱۳ ق نوشته است. (۲۸ برگ). همچنین حسین بن خالد، کتابت در ۲۲ شوال سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف (۱۲ برگ)؛ ۲. رساله تنزیه المشاهد عن دخول الابعاد، به عربی، کتابت عصر روز دهم جمادی الآخر سال ۱۳۱۱ در نجف اشرف، ۱۳ برگ؛ ۳. تلخیص رساله شافیة رجالیه سید محمدباقر حجت الاسلام شفتی اصفهانی درباره ابراهیم بن هاشم قمی، ۲۱ برگ، کتابت روز یازدهم صفر ۱۳۱۳ در نجف اشرف؛ ۴. تلخیص تعدادی دیگر از رسائل رجالیه

حاج شیخ محمدباقر بهاری همدانی که در کربلا از روی نسخه موجود در کتابخانه موقوفه مرحوم سید علی اکبر قزوینی کتابت کرده است. خط نسخ، عناوین قرمز؛ ۲. ابهی الدرر فی تکملة عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر (ع) من طریق العامة، به عربی، از مرحوم آیت الله بهاری همدانی، نسخه مبیضة اصلی دوم، به خط مبارک ایشان، که در شب هفتم شوال سال ۱۳۰۹ در نجف اشرف کتابت کرده است. نسخه مسوده اصلی اولی نیز در همین مجموعه آمده است. ۲۳ برگ، خط نسخ، عناوین قرمز، قطع رقعی، جلد تیماج قرمز.

۷. البیان لحقیقة الایمان، به عربی، از مرحوم آیت الله بهاری همدانی، نسخه مبیضة اصلی دوم، به خط مبارک مؤلف، که در آخر ربیع المولود سال ۱۳۱۰ در نجف اشرف کتابت کرده است. خط نسخ، عناوین قرمز، ۱۴۸ صفحه، قطع رقعی، جلد تیماج قرمز.

۸. التنبیه علی امر الکتب، به عربی، از مرحوم آیت الله بهاری همدانی، نسخه مبیضة اصلی، به خط مؤلف، که در شب نهم رمضان سال ۱۳۰۹ در نجف اشرف کتابت کرده است. نسخه مسوده اولی اصلی این کتاب در شماره ۱۲ فصلنامه شهاب در گزارش نخست کتابخانه بهاری به شماره ۷ معرفی گردیده است. ۴۷ برگ، قطع رقعی، خط نسخ، عناوین قرمز، جلد تیماج قرمز. در این کتاب نسخه‌های چاپ شده در مصر را که تحریف کرده‌اند معرفی می‌نماید و بسیار موضوع تازه‌ای را مطرح می‌کند.

۹. الخلل فی الصلاة یا المخلاة فی الصلاة یا الذهب المسبوك فی خلل الصلاة و الشکوک، به عربی، که متن آن از کتاب شرایع محقق حلی است. تألیف مرحوم آیت الله بهاری همدانی، نسخه اصلی به خط مبارک ایشان، که در سال ۱۳۰۲ ق در نجف اشرف کتابت کرده است. قطع رقعی کوچک، خط شکسته نستعلیق، ۳۷۰ صفحه، عناوین مشکی، جلد تیماج حنایی ضربی مجداول با ترنج و سرترنج.

۱۰. مجموعه چهار رساله کوچک در یک مجلد به خط مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدباقر بهاری همدانی، بدین ترتیب: ۱. الاربعین، به عربی، احتمالاً از مولی محمدتقی مجلسی، ۱۲ ص؛ ۲. مجموعه روایات و احادیث به عربی،

اصلی، به خط مؤلف، که از روی نسخه مسوّدۀ قبلی کتابت کرده است؛ با همان تاریخ کتابتهای قبلی، قطع رقعی، خط نسخ، عناوین قرمز، جلد تیماج قرمز ضریبی مجدول با ترنج و سرترنج.

۱۵. مجموعه شامل سه رساله از تألیفات مرحوم بهاری همدانی، نسخه میّضه اصلی به خط مؤلف، بدین شرح: ۱. إضافة النور فی الامام المستور، به عربی، درباره حضرت ولی عصر (عج). کتابت اوایل شوال سال ۱۳۱۷ در روستای بهار همدان؛ یعنی سال مهاجرت ایشان از نجف اشرف به زادگاه خود. ۷۹ ص، خط نسخ، عناوین مشکئی؛ ۲. قامعة اللجاج و دافعة الحجاج، به عربی، درباره حضرت ولی عصر (عج)، ۳۰ ص. کتابت ۲۸ شوال سال ۱۳۱۳ در روستای بهار همدان؛ زمانی که برای چند روز استراحت از نجف به بهار آمده و آن‌گاه مراجعت کرده است؛ ۳. ایضاح المرام فی امر الامام، به عربی، درباره حضرت ولی عصر (عج). کتابت روز شنبه پانزدهم ذی‌قعدة سال ۱۳۱۳ در روستای بهار همدان، ۷۹ ص. قطع جیبی. مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین بهاری، فرزند مؤلف، در برگ قبل از آغاز مجموعه چنین نوشته است: «باسمه تعالی، از تاریخ تألیف و کتابت این سه کتاب مجلد در این جلد، سه مطلب استفاده می‌شود: ۱. سال مراجعت آیت‌الله بهاری (ره) در سنه ۱۳۱۷ هجری قمری بوده، نه ۱۳۱۸ که بعضیها گفته‌اند؛ ۲. چقدر کوشا بوده در خدمت به شرع مقدس که به محض اتمام جلد اول در اوایل شوال همین سال، شروع می‌فرماید در تألیف جلد دیگر در ۲۸ همان ماه آن را به پایان می‌رساند و فوراً شروع می‌فرماید در تألیف جلد دیگر و در پانزدهم ذی‌قعدة همان سال او را به پایان می‌رساند. مزره العاصی محمدحسین بن محمدباقر عقی عنهما فی لیلۀ ۲۴ شهر رمضان المبارک ۱۴۰۶». جلد تیماج قرمز.

۱۶. روح الجوامع یا ودج الجوامع، در رجال، به عربی، جلد اول، تألیف مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی، نسخه مسوّدۀ اصلی اولی کتاب، به خط مؤلف. متأسفانه تاریخ کتابت ندارد. خط شکسته نستعلیق، عناوین قرمز، قطع رقعی کوچک. یک نسخه میّضه اصلی دیگر در گزارش نخست کتابخانه بهاری به شماره ۶۰ در فصلنامه شهاب شماره ۱۲ معرفی شد. همچنین

مرحوم سید محمدباقر حجت الاسلام شفتی اصفهانی، به عربی، بدین شرح: ۱. اتحاد معاویه المنسوب الی شریح مرّة و الی میسرة اخرى، ۶ برگ؛ ۲. محمد بن الفضیل الراوی عن ابی الصباح الکنانی، ۴ برگ؛ ۳. محمد بن خالد برقی، ۴ برگ؛ ۴. احمد بن محمد بن خالد البرقی، ۲ برگ؛ ۵. محمد بن احمد الراوی عن العمرکی و عنه ابن محبوب، ۲ برگ؛ ۶. محمد بن اسماعیل الراوی عن المفضل و عنه الکلینی، ۷ برگ. کتابت شب ۲۸ ربیع‌المولود سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف؛ ۷. ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی القمی، ۴ برگ. کتابت روز جمعه، هفتم ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف؛ ۸. شهاب بن عبد ربّه الکوئی، ۳ برگ. کتابت دهم ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۳؛ ۹. عبدالحمید بن سالم العطار و ابنه محمد بن عبدالحمید، ۳ برگ. کتابت عصر پنجشنبه سیزدهم ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۳؛ ۱۰. عمر بن یزید، ۵ برگ. کتابت شب چهاردهم جمادی‌الاولی سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف؛ ۱۱. الملقب ماجیلویه و انهم اربعة و احوالهم، که عبات‌اند از: محمد بن علی بن ابی‌القاسم و عمّه محمد بن ابی‌القاسم و ابن عمّه علی بن محمد بن ابی‌القاسم و من احفاد عمّه محمد بن علی بن محمد بن ابی‌القاسم، ۶ برگ. کتابت عصر پنجشنبه ۲۶ جمادی‌الاولی سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف؛ ۱۲. محمد بن سنان الزاهرانی و حسن حاله، ۱۱ برگ. کتابت عصر سه‌شنبه اول جمادی‌الآخر سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف؛ ۱۳. محمد بن عیسی بن عبید الیقطنی، ۱۳ برگ. کتابت دوازدهم جمادی‌الثانی سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف؛ ۱۴. فی عدة الکافی، ۱۶ برگ. کتابت بیستم جمادی‌الآخر سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف؛ ۱۵. سهل بن زیاد، ۶ برگ. کتابت ۲۳ جمادی‌الآخر سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف؛ ۱۶. حماد بن عیسی الجهینی، ۸ برگ. کتابت ۲۷ جمادی‌الآخر سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف؛ ۱۷. أبان بن عثمان الاحمر و اصحاب الاجماع، ۱۱ برگ. کتابت ۲۸ رجب سال ۱۳۱۳ در نجف اشرف.

قطع این مجموعه رقعی کوچک و به خط نسخ مؤلف است. چون نسخه مسوّدۀ اولی مؤلف است، قلم خوردگی بسیار دارد. عناوین قرمز، جلد تیماج قرمز ضریبی مجدول با ترنج و سرترنج.

۱۴. همان مجموعه قبلی با همان خصوصیات، نسخه میّضه

صفحه؛ ۲. مغایرة و یا مفارقة الاجزاء و القبول، به عربی، ۸ صفحه، کتابت شب هیجدهم رمضان سال ۱۳۲۹؛ ۳. تزویج الصغیرة فی المدة القلیلة، به عربی، ۸ صفحه، کتابت صبح شانزدهم رمضان سال ۱۳۲۹؛ ۴. فی المولود من الزّنا، به عربی، ۹ صفحه، کتابت شب بیستم رمضان ۱۳۲۹؛ ۵. دین المقتول، به عربی، ۵ صفحه، کتابت شب ۲۲ رمضان سال ۱۳۲۹؛ ۶. تکلیف الکفّار بالفروع و ملحقة، به عربی، ۳۵ صفحه، کتابت عصر ۲۲ رمضان ۱۳۲۹؛ ۷. ذیل رساله تکلیف الکفّار، به عربی، ۱۰ صفحه، کتابت رمضان سال ۱۳۲۹. قطع جیبی، به خط نستعلیق مؤلّف، عناوین مشکّی، جلد تیماج قهوه‌ای یک لایی مجدول. ۲۰. مجموعه سه رساله در یک مجلد، از تألیفات مرحوم آیت‌الله بهاری، نسخه مبیّضه اصلی به خط مؤلّف، نسخه مسوّده اصلی اولی این مجموعه به شماره ۲۱ در گزارش نخست کتابخانه بهاری در فصلنامه شهاب شماره ۱۲ آمده است: ۱. العلائم لاهتداء الهوائم، به عربی، در احوال حضرت ولی عصر (عج). تألیف اواخر ذی‌قعدة سال ۱۳۱۸ در روستای بهار همدان. این مبیّضه نیز از روی نسخه مسوّده یاد شده در بیستم ذی‌حجه همان سال کتابت شده و در ۲۶ شوال سال ۱۳۱۹ آن را در همدان مقابله و تصحیح کرده است. ۹۴ برگ، خط نسخ مؤلّف، عناوین قرمز؛ ۲. تکملة کتاب العلائم لاهتداء الهوائم، به عربی، نسخه مبیّضه اصلی به خط نسخ مؤلّف، عناوین مشکّی، ۱۲ برگ؛ ۳. رساله به عربی، شامل روایات و احادیث درباره شهر جابرسا و جابلقا. نسخه مبیّضه اصلی به خط مؤلّف که در شب دهم شوال سال ۱۳۲۱ ق کتابت کرده است. ۴۶ برگ، خط نسخ مؤلّف، عناوین مشکّی، قطع جیبی، جلد تیماج مشکّی مجدول فرسوده.

۲۱. حاشیه رسائل، بخش نخست، عربی. تألیف مرحوم آیت‌الله بهاری، مسوّده اصلی اولی به خط ایشان شامل حجّیت ظنّ و ... . بخشی دیگر از این کتاب به شماره ۱۳ در گزارش نخست کتابخانه بهاری در فصلنامه شهاب شماره ۱۲ آمده است. خط شکسته نستعلیق مؤلّف، عناوین مشکّی، قطع رقعی، جلد تیماج حنایی ضربی مجدول با ترنج و سرترنج.

۲۲. بخش دوم حاشیه قوانین الاصول، به عربی، از مرحوم بهاری، نسخه مسوّده اصلی اولی به خط مؤلّف، نسخه مبیّضه

یک نسخه مسوّده اصلی دیگر از جلد اول کتاب به شماره ۲۴۷۷ در جلد ۷ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) آمده است. ۲۹۵ برگ، قطع رقعی کوچک، جلد تیماج قرمز. متأسفانه هر سه نسخه اصلی که معرفی شد، جلد نخست کتاب است و از جلد دوم آن اطلاعی نداریم. شاید موفق به تدوین آن نشده باشد. در این کتاب مرحوم بهاری از چند کتاب رجالی استفاده کرده است، و برای هر یک رمزی قرار داده و بیشتر از جامع الرواة مرحوم اردبیلی استفاده نموده است. در پشت برگ آغاز نسخه معرفی شده در فهرست کتابخانه تلخیص کتاب جامع الرواة نام نهاده شده است. مجلد حاضر نیز از آغاز حرف الف تا پایان حرف ح است. جلد تیماج مشکّی فرسوده.

۱۷. مجموعه سه رساله از تألیفات مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی، نسخه مسوّده اصلی اولی کتاب، به خط مؤلّف، نسخه مبیّضه اصلی این مجموعه نیز در شماره ۱۲ فصلنامه شهاب در گزارش نخست کتابخانه بهاری به شماره ۲۵ آمده است: ۱. رساله درباره آیه شریفه کُنْ فیکون، به عربی، کتابت سال ۱۳۳۱ ق در همدان، ۲۵ برگ؛ ۲. رساله در عدالت، به عربی، ۱۰ برگ؛ ۳. التحصیل فی معنی التفصیل، به عربی، ۴۸ برگ، قطع رقعی کوچک. این نسخه چون مسوّده اصلی اولی مؤلّف است، قلم خوردگی و پراکندگی دارد. خط نستعلیق، عناوین قرمز، جلد مقوایی، عطف و گوشه‌ها تیماج قهوه‌ای سوخته.

۱۸. نثار اللباب فی تقبیل التراب فی استجاب تقبیل العتبة فی المشاهد المشرفة و ابطال توهم المنع منه، به عربی، تألیف مرحوم آیت‌الله بهاری. تألیف این کتاب در عصر روز شنبه سوم ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۱ در نجف اشرف به پایان رسیده و این نسخه نیز در روز پنجشنبه از ماه ربیع‌الثانی همان سال به خط نسخ علی‌اکبر همدانی نجفی کتابت شده است. عناوین قرمز، ۶۵ ص، قطع جیبی، جلد تیماج قرمز مجدول یک لایی.

۱۹. مجموعه هفت رساله از تألیفات مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی، نسخه مبیّضه اصلی کتاب به خط مؤلّف. نسخه مسوّده این مجموعه به شماره ۳۷ در گزارش نخست کتابخانه بهاری در فصلنامه شهاب شماره ۱۲ آمده است: ۱. الجمع بین فاطمیتین، به عربی، کتابت شب سیزدهم رمضان سال ۱۳۲۹ در همدان، ۱۶

کتابخانه بهاری در فصلنامه شهاب شماره ۱۲ آمده است. ۲۱۶ برگ، خط نسخ مؤلف، عناوین قرمز. چون نسخه مسوده اصلی اولی است، قلم خوردگی بسیار دارد. قطع رقی کوچک، جلد تیماج قرمز.

۲۷. مقتضب الاثر فی الاثمة الاثنی عشر، به عربی، تألیف ابو عبدالله احمد بن محمد بن عیاش، نسخه نفیس به خط مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی که از روی نسخه مورخ ۵۷۵ ق به خط محمد بن احمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالجبار بن حسین بن محمد بن احمد بن ابی‌الفتح همدانی از نسخه مورخ ۳۰۴ ق در نجف اشرف کتابت شده است. ۵۲ صفحه، خط نسخ، عناوین قرمز، قطع جیبی، جلد تیماج قرمز یک لای.

۲۸. تعلیقه بر کتاب بیع شیخ انصاری، عربی، تألیف مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی، جلد ۱ و ۲، نسخه اصلی به خط مؤلف، خط شکسته نستعلیق، عناوین قرمز، قطع رقی کوچک، ۲۶۰ برگ، جلد تیماج مشکی فرسوده.

۲۹. تعلیقه بر کتاب منبع الحیاة سید نعمت‌الله جزایری، عربی، تألیف مرحوم آیت‌الله بهاری، نسخه مبیضة اصلی به خط مؤلف. در برگ پایانی نسخه، مرحوم حاج شیخ محمدرضا بهاری، برادر مؤلف، چنین نوشته است: «إلی هنا جف قلمه الشریف طاب ثراه فی سلخ شعبان من سنة ثلث و ثلثین و ثلثمائة بعد الالف من الهجرة». در اواخر همین سال مؤلف رحلت کرده است. ۹۶ برگ، خط نستعلیق، قطع جیبی، جلد تیماج مشکی یک لای.

۳۰. مجموعه سه رساله، بدین ترتیب: ۱. حیاة الارواح، به عربی، در اصول دین، از ملا محمد جعفر استرآبادی، به خط مرحوم بهاری همدانی، ۸۵ صفحه؛ ۲. حواشی بر کتاب حیاة الارواح، به عربی، از مرحوم آیت‌الله بهاری، نسخه مبیضة اصلی به خط مؤلف در رمضان سال ۱۳۳۱، ۱۴۴ صفحه؛ ۳. دعوة الرشد فی مدرک اعمال العباد، به عربی، در پاسخ اشاعره، از مرحوم آیت‌الله بهاری، نسخه مبیضة اصلی به خط مؤلف در روز ۲۸ صفر سال ۱۳۳۱. ۲۴ صفحه، خط نستعلیق، عناوین قرمز، قطع جیبی، جلد تیماج مشکی.

۳۱. رد فرق مسیحیت و حقایق اسلام، به فارسی، تألیف مرحوم آیت‌الله بهاری، نسخه مسوده اصلی به خط مؤلف در

اصلی مؤلف به شماره ۱۷ در گزارش نخست کتابخانه بهاری در فصلنامه شهاب شماره ۱۲ آمده است. خط شکسته نستعلیق، عناوین قرمز. کتابت ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۴، قطع جیبی، جلد تیماج قرمز مجدول.

۲۳. مجموعه دو کتاب در یک جلد، از تألیفات مرحوم بهاری، نسخه مسوده اولی کتاب به خط مؤلف: ۱. النور فی الامام المستور، به عربی، در حالات حضرت ولی عصر (عج). کتابت دوم صفر سال ۱۳۱۶، ۱۳۷ برگ؛ ۲. ذیل کتاب النور فی الامام المستور، به عربی، در حالات حضرت ولی عصر (عج)، از مرحوم بهاری، نسخه مسوده اصلی اول به خط مؤلف، کتابت یازدهم رجب سال ۱۳۲۱ در همدان. ۵۱ برگ. نسخه مبیضة اصلی اولی این کتاب به شماره ۱۱ در گزارش کتابخانه بهاری در فصلنامه شهاب شماره ۱۲ آمده است، خط شکسته نستعلیق، عناوین قرمز، قطع رقی کوچک، جلد تیماج قرمز.

۲۴. العصمة فی دفع الوصمة، به عربی، تألیف مرحوم بهاری، نسخه مسوده اصلی اولی کتاب به خط مؤلف در ماههای آخر حیات مؤلف در ششم صفر سال ۱۳۳۳ در همدان. نسخه مبیضة اصلی که از روی این مسوده به خط مؤلف کتابت شده است، به شماره ۱۰ در گزارش نخست کتابخانه بهاری در فصلنامه شهاب شماره ۱۲ آمده است، خط نستعلیق، عناوین مشکی. بر فراز برگ آغاز، مرحوم شیخ محمدحسین فرزند مؤلف چنین نوشته است: «مؤلفه کاتبه ابی آیه‌الله الحاج شیخ محمدباقر البهاری قدس سرّه و أنا العاصی محمدحسین البهاری عفی عنهما». قطع جیبی، جلد تیماج خنایی مجدول.

۲۵. الیقین باختصاص مولانا امیرالمؤمنین (ع)، به عربی، از ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد طاووس علوی فاطمی حلّی، نسخه نفیس. مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی در سال ۱۳۱۲ ق، زمانی که در نجف اشرف ساکن بوده آن را کتابت کرده است. خط نسخ، عناوین قرمز، قطع جیبی، جلد تیماج قرمز.

۲۶. الدرّة الغریبة والتحفة الحسینیة، جلد اول، عربی، تألیف آیت‌الله بهاری، نسخه مسوده اصلی اولی کتاب به خط مؤلف در روز چهارشنبه سوم ذی‌حجه سال ۱۳۰۱ در نجف اشرف. دو نسخه مبیضة اصلی این کتاب به شماره ۳ و ۲۵ در گزارش نخست

۲۸ ذی‌حجه سال ۱۳۲۳. خط نستعلیق، عناوین قرمز و مشکی، ۳۴۴ صفحه، قطع جیبی، جلد تیماج قرمز مجدول.

۳۲. مجموعه چند رساله از تألیفات مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی، بدین شرح: ۱. وجیزه در حالات عثمان بن عیسی الرواسی العامری الکلابی، عربی، کتابت محرم سال ۱۳۱۲ در نجف اشرف. این رساله را مرحوم حاج شیخ محمدحسین بهاری، فرزند مؤلف، در روز عرفة سال ۱۳۹۲ ق با نسخه اصلی مقابله کرده است. ۱۶ ص؛ ۲. رجال احمد بن ابی‌عبدالله برقی، عربی، ۴۱ ص؛ ۳. رساله در رجال، عربی، ۳۱ ص؛ ۴. تلخیص بخشی از رسائل رجالیه مرحوم حجت‌الاسلام شفتی، عربی، از مرحوم آیت‌الله بهاری در چند فصل: فصل اول در ابی‌بصیر، عربی، ۳۷ ص. کتابت شب یازدهم رمضان سال ۱۳۱۲؛ فصل دوم در اسحاق بن عمار، عربی، کتابت دوازدهم شوال ۱۳۱۳؛ فصل سوم در حسین بن خالد، عربی، ۲۴ ص؛ ۵. بخشی از تلخیص رسائل رجالیه مرحوم حجت‌الاسلام شفتی اصفهانی، عربی، از مرحوم آیت‌الله بهاری، شامل هفده فصل: فصل اول فی اتحاد معاویه المنسوب الی شریح، ۵ ص، کتابت شب دهم ربیع‌المولود سال ۱۳۱۳؛ فصل دوم در محمد بن الفضیل الراوی عن ابی‌الصباح الكنانی، عربی، ۴ ص؛ فصل سوم در محمد بن خالد برقی، ۳ ص؛ فصل چهارم در احمد بن محمد بن خالد برقی، ۳ ص؛ فصل پنجم در محمد بن احمد عن العمرکی، ۳ ص؛ فصل ششم در محمد بن اسماعیل عن الفضل، ۱۲ ص. کتابت شب ۲۲ ربیع‌المولود سال ۱۳۱۳؛ فصل هفتم در احمد بن محمد بن عیسی، ۹ ص؛ فصل هشتم در شهاب بن عبدربه، ۳ ص. کتابت دهم ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۳؛ فصل نهم در عبدالحمید بن سالم العطار و ابنه محمد، ۳ ص. کتابت عصر پنجشنبه سیزدهم ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۳؛ فصل دهم در عمر بن یزید، ۱۰ ص. کتابت ۲۲ شوال ۱۳۱۳؛ ۶. تنزیه المشاهد عن دخول الابعاد، عربی، از مرحوم آیت‌الله بهاری، ۳۲ ص. کتابت عصر دهم جمادی‌الآخر سال ۱۳۱۱؛ ۷. تلخیص رساله شافیه رجالیه حجت‌الاسلام شفتی اصفهانی، از مرحوم آیت‌الله بهاری، شامل حالات ابراهیم بن هاشم قمی و دیگران. این مجموعه از روی مجموعه شماره ۱۳ همین بخش کتابت شده است و در این که خط مؤلف است تردید داریم، لیکن بیشترین

حواشی نسخه به خط مرحوم حجت‌الاسلام شیخ محمدحسین بهاری است که رساله‌های مجموعه را تصحیح و مقابله کرده است. قطع رقعی، خط نسخ، عناوین قرمز.

۳۳. الطلع النضید فی ابطال المنع عن لعن یزید علی طریق العامة، عربی، از مرحوم آیت‌الله بهاری، نسخه در عصر مؤلف در سال ۱۳۱۵ ق به خط شیخ اسدالله بن شیخ محمدرضا خوشنویس دزفولی از روی نسخه اصلی کتابت شده است. تألیف نسخه در روز شنبه نوزدهم محرم سال ۱۳۱۰ بوده است. خط نسخ، عناوین قرمز، جلد تیماج قرمز، قطع رقعی بزرگ. اکثر حواشی این نسخه به خط مؤلف است.

۳۴. سلاح الحازم لدفع الظالم، عربی، در اعتقادات، تألیف مرحوم آیت‌الله بهاری. این نسخه در عصر مؤلف و به دستور ایشان از روی نسخه اصلی به خط مؤلف کتابت شده است. دو نسخه اصلی دیگر این کتاب که مسوده و میبضه اصلی به خط مؤلف است، یکی به شماره ۴ در همین گزارش و دیگری به شماره ۵۹ در گزارش نخست کتابخانه بهاری در فصلنامه شهاب شماره ۱۲ آمده است. کاتب این نسخه اسدالله خوشنویس دزفولی فرزند شیخ محمدرضا است. خط نسخ، عناوین قرمز، قطع رقعی بزرگ، جلد تیماج قرمز، ۳۴۲ ص.

۳۵. مجموعه در فقه، به عربی، شامل افعال الصلاة، صلاة المسافر، الصید، سهو المأموم و مابعده. تألیف مرحوم آیت‌الله بهاری، نسخه مسوده اصلی به خط مؤلف، خط شکسته نستعلیق. این نسخه چون مسوده اولی مؤلف است، قلم خوردگی و پراکندگی دارد. قطع رقعی، جلد مقوایی، عطف و گوشه‌ها تیماج قهوه‌ای فرسوده.

۳۶. البراهین الساباطیه، به عربی، از جواد بن ساباط بن ابراهیم. این نسخه به خط مرحوم آیت‌الله بهاری است که در سال ۱۳۲۶ ق آن را کتابت کرده است. تملک مرحوم آیت‌الله شیخ محمدرضا بهاری، برادر مؤلف، در پشت برگ آغاز نسخه به سال ۱۳۳۳ ق آمده است. خط نستعلیق، عناوین قرمز، قطع جیبی، ۳۲۶ ص، جلد تیماج مشکی.

۳۷. مناهج الطالبین یا تعلیقه بر مختصر ابی‌محمد بن عبدالله بن یوسف بن هاشم انصاری، به عربی، نسخه نفیس به خط مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی. احتمالاً این نسخه از تألیفات



مرحوم آیت‌الله بهاری باشد، زیرا مسوده است و قلم خوردگی بسیار دارد. خط نسخ و نستعلیق، قطع جیبی، عناوین مشکی، جلد تیماج قرمز ضربی مجدول با ترنج و سرترنج، ۶۲ برگ.

۳۸. سبیل الرشاد، به فارسی، از ابراهیم بن احمد بن حسین بن خلیل، ردّ بر فرقه مسیحی پروتستانی، تألیف سال ۱۳۳۱ ق، ۸۳ برگ، خط نستعلیق و نسخ. این نسخه را مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا بهاری همدانی برای خود استنساخ کرده است. این عبارت در برگ پایانی آمده است: «استکبتها فی قریة بهار من حومة الهمدان لنفسی و انا الاحقر محمدرضا بن محمدجعفر طاب ثراهما فی سلخ شعبان ۱۳۵۰». قطع رقعی، جلد تیماج شکلاتی مجدول یک لایی.

۳۹. تحفة الحجاج، در مناسک حج، به فارسی، نسخه چاپ سنگی سال ۱۲۸۲ ق در تبریز، مطابق با فتاوی‌ای مرحوم حاج میرزا حسین حسینی، دارای حواشی خطی بسیار به خط مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی که با مرکب و جوهر قرمز نوشته است. ۱۴۱ ص، قطع رقعی کوچک، جلد تیماج زرشکی فرسوده یک لایی.

۴۰. شهادت قرآنی بر کتب ربّانی، به فارسی، در تفسیر و توضیح آیاتی که در آنها ذکر از کتب یهود و نصارا به میان آمده است. مؤلف مجهول، شامل ۱۳۱ فصل و یک خاتمه، ۱۷۷ ص، خط نستعلیق، عناوین مشکی درشت، قطع رقعی کوچک، بدون جلد.

۴۱. مجموعه بیاضی، شامل سه رساله فارسی در هیئت و نجوم: ۱. رساله معینیّه در هیئت، از خواجه نصیرالدین طوسی، دارای دوایر زیبای نجومی با شنگرف. کتابت دهه دوم ربیع‌الاول سال ۱۰۱۹. خط نستعلیق، عناوین شنگرف؛ ۲. تکملة رساله معینیّه خواجه نصیر طوسی، به فارسی، دارای اشکال

مدور نجومی با شنگرف؛ ۳. رساله در حکمت، به فارسی، مجهول، کتابت سال ۱۱۰۰ ق به خط عبدالرزاق دیلمی. این مجموعه به صورت بیاضی در قطع پالتویی است. برگ آغاز افتاده است. جلد مقوایی، عطف و لبه‌ها تیماج قهوه‌ای فرسوده. ۴۲. ایضاح الخطاء فی تخطئة الاجلة العلماء، به فارسی، درباره مشروطه، از مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی، ۱۵ ص، نسخه اصلی به خط مؤلف، خط نستعلیق، عناوین مشکی، قطع جیبی، بدون جلد.

۴۳. رساله عربی، شامل احادیث و روایات درباره حضرت سیدالشهداء حسین بن علی (ع)، از مرحوم آیت‌الله بهاری همدانی، نسخه اصلی به خط مؤلف. متأسفانه چند برگ از پایان کتاب افتاده است. خط نستعلیق شکسته، عناوین مشکی، قطع رقعی کوچک، ۱۱۶ ص، بدون جلد.

در پایان یادآور می‌شود که پس از ورود و ثبت مجموعه فوق در دفاتر کتابخانه، دو جلد دیگر از آثار مرحوم بهاری - که در کانون قرآن بقیة‌الله الاعظم شهرستان بهار همدان نگهداری می‌شد - به شرح ذیل از سوی آن مرکز به این کتابخانه اهدا گردید تا همه مجموعه در یک جا قرار گیرد:

۱. مستدرک کتاب النور فی الامام المستور، به عربی، از مرحوم آیت‌الله بهاری، در احوال حضرت ولی عصر (عج)، نسخه مییضة اصلی به خط مؤلف، خط نستعلیق، عناوین شنگرف، قطع جیبی، ۱۲۳ ص، کتابت یازدهم رجب سال ۱۳۲۱ در همدان. جلد تیماج قرمز.

۲. مجاهدت، به فارسی، در جواب کتاب اظهار الحق، از مرحوم بهاری، کتابت پانزدهم و بیستم رمضان سال ۱۳۳۰، نسخه مسوده اصلی به خط نستعلیق مؤلف.

وی در زمان پدر خود هارون الرشید، به امارت خراسان گماشته شد و در سال ۱۹۳ ق که هارون به توس رفت، وی را برای فتوحات و سرکوب دشمنان اسلام، به آسیای میانه، از جمله سمرقند گسیل داشت. در همان جا بود که خبر مرگ پدرش را شنید.<sup>۵</sup> پس از مرگ پدرش، برادر وی، محمد امین به خلافت رسید، و برخلاف وصیت پدرش هارون، برادر خود مأمون را از

## شیفتگان کتاب

علی رفیعی علامرودشتی

### بخش پنجم

#### ۵. مأمون عباسی<sup>۱</sup> (۱۷۰-۲۱۸ ق/ ۷۸۶-۸۳۳ م)

ابوالعباس یا ابوجعفر، عبدالله بن هارون الرشید، هفتمین خلیفه مقتدر، سیاستمدار و عالم در میان بزرگان و خلفای بنی عباس است. وی در نیمهٔ ربیع الاول ۱۷۰ / ۱۴ سپتامبر ۷۸۶ دیده به جهان گشود و از همان دوران خردسالی، به فراگیری دانش پرداخت و از افرادی مانند هشیم، عباد بن عواد، یوسف بن عطیه، ابومعاویه ضریر و ... حدیث شنید و علوم متداول آن زمان را فراگرفت و در دانشهایی مانند فقه، ادبیات عرب، تاریخ و ایام الناس مهارت فراوانی یافت، و چون به سن بلوغ رسید، به فلسفه و علوم اوایل گرایش فراوانی پیدا کرد و از راه مطالعه کتب و حضور نزد اساتید فن، به تکمیل معلومات خویش پرداخت. برخی نوشته‌اند که همین علاقه و تمایل شدید وی به فلسفه و علوم اوایل، او را به اعتقاد به خلق قرآن سوق داد و در این باره با دانشمندان، فقیهان و محدثان فرق مختلف اسلامی به بحث و مجادله پرداخت.<sup>۲</sup>

فرزندش فضل، یحیی بن اکثم، جعفر بن ابی عثمان طرابلسی، عبدالله بن طاهر، احمد بن حارث شیعی، دَعْبَل خزاعی شاعر و دیگران از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. در میان بزرگان و خلفای بنی عباس، کسی نبود که در حزم و اراده، بردباری و دانش، رأی و هوشمندی، شجاعت و بزرگی به پای او برسد.<sup>۳</sup>

او چه در زمان حکومت بر خراسان بزرگ و چه در هنگام خلافت بر سرزمین پهناور اسلامی، برای مناظره و مباحث کلامی، فلسفی، فقهی و حدیثی مجالس علمی و فرهنگی فراوانی برقرار می‌کرد و خود نیز در آن مجالس شرکت و نظارت داشت و گاه گاهی به نقل حدیث می‌پرداخت.<sup>۴</sup>

۱. انساب الاشراف، ۶۷/۳، ۸۹، ۱۲۷، ۲۳۳، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۹؛ اخبار الطوال، ص ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۰؛ المجزئ، ص ۴۰، ۶۱؛ عیون الاخبار، ۲۵۳/۲ - ۲۵۵؛ المعارف، ابن قتیبه، ص ۳۷۷، ۳۹۱؛ المعرفة و التاريخ، ۳۳۵/۳؛ التاج فی اخلاق الملوك، جاحظ، ص ۸۸؛ البیان و التبيين، ۱۹۴/۲، ۷۲/۴، ۷۵؛ البرصان و العرجان، جاحظ، ص ۲۷، ۴۸، ۸۶، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۷۴، ۲۰۶، ۲۴۶، ۲۸۲، ۳۰۸؛ تاریخ یعقوبی، ۵۳۸/۲ - ۵۷۴؛ تاریخ طبری، ۴۷۸/۸ به بعد؛ نسب قریش، ص ۷۹، ۱۰۶، ۱۳۱، ۲۵۲، ۲۷۲، ۲۸۰ به بعد؛ اخبار الموفقیات، زبیر بن بكار، ص ۵۱ - ۵۷؛ اخبار القضاة و کعب، ۲۵۵/۱، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۱۵۶/۲، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۴؛ تاریخ بغداد خطیب، ۱۸۱/۱ - ۱۸۹؛ تاریخ بغداد، ابن طیفور، صفحات متعدده؛ البدء و التاريخ، ۱۱۲/۶ - ۱۱۳؛ تاریخ سنی ملوک الارض، ص ۱۶۶ - ۱۶۸؛ التنبيه و الاشراف، ص ۳۰۲ - ۳۰۵؛ مروج الذهب، ۲۴۷/۲ - ۲۴۹؛ الکامل، ۲۸۲/۶ به بعد؛ تاریخ حلب عظیمی، ص ۲۳۸ - ۲۴۹؛ المرصع، ص ۱۹۱، ۳۳۲؛ تاریخ الزمان، ابن عبری، ص ۲۲ - ۲۸؛ الایام فی تاریخ الخلفاء، ص ۷۴، ۷۶، ۷۹ به بعد؛ نهاية الارب، ۲۰۵/۳، ۲۳۷/۲۲ - ۲۴۳؛ تاریخ الاسلام، ذهبی (حوادث و وفیات ۲۱۱ - ۲۲۰ ق)، ص ۲۲۵ - ۲۴۰؛ دول الاسلام، ۱۲۷/۱ - ۳۳۲؛ سير اعلام النبلاء، ۲۷۲/۱۰ - ۲۹۰؛ العبر، ۲۹۵/۱ و صفحات دیگر؛ الوافی بالوفیات، ۶۵۴/۱۷ - ۶۶۶؛ فوات الوفيات، ۲۲۵/۲ - ۲۳۹؛ المختصر فی اخبار البشر، ۳۱/۲ - ۳۱۰؛ خلاصة الذهب المسبوك، ص ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳ به بعد؛ عقد الفريد، ۱۱۹/۵؛ اخبار الدول، ص ۱۵۳ - ۱۵۵؛ المنتظم، ۳/۱ - ۳۸؛ تاریخ الخميس، ۳۳۴/۲؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۳۰۶ - ۳۳۲؛ شذرات الذهب، ۳۹/۲؛ الشهرست، ابن ندیم، ص ۳۰۳ - ۳۰۴؛ عصر المأمون، احمد فرید رفاعی؛ البداية و النهاية، ۲۹۸/۱۰ به بعد؛ وفيات الاعیان، صفحات متعدده؛ صبح الاعشى، ۴۶۶/۱؛ مفتاح السعادة، ۲۴۲/۱؛ تاریخ الحکماء، قفطی، ص ۲۹ - ۳۰؛ خطط، مقریزی، ۳۵۷/۲؛ رسائل البلغاء، کردعلی، ص ۴۷۸ - ۴۸۰؛ لمحات من تاریخ الكتاب و المكتبات، صوفی، ص ۲۰۵؛ تاریخ مدينة دمشق، ۲۷۵/۳۳ - ۳۴۱؛ معجم المؤلفین، ۱۶۱/۶؛ هدية العارفين، ۴۲۹/۱؛ الاعلام، زرکلی، ۲۸۷/۴؛ خزائن الكتب القديمة فی العراق، ص ۱۰۵ به بعد؛ دور الكتب العربية العامة و شبه العامة، ص ۵۵ به بعد؛ سرح العيون، ص ۱۳۰؛ تاریخ آداب اللغة، ۳۱۰/۳ - ۳۱۱؛ دليل خارطة بغداد، مصطفی جواد، ص ۱۳۰؛ درآمدی بر دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان، ص ۶۱ - ۷۰.

۲. تاریخ الاسلام، ذهبی، ص ۲۲۷.

۳. همان.

۴. تاریخ بغداد، ۱۸۶/۱۰.

۵. تاریخ مدينة دمشق، ۲۸۵/۳۳.

ولیعهدی خویش برکنار کرد. مأمون از این جریان خشمگین شد و خود را خلیفه نامید، و با این‌که برادرش محمد امین زنده بود، مردم با مأمون بیعت کردند. این اتفاق در سال ۱۹۵ ق روی داد و پس از مرگ محمد امین، در سال ۱۹۸ ق در بغداد نیز به وسیله طاهر بن حسین با او بیعت کردند و او در مرو به سر می‌برد. مأمون پس از آن امام علی بن موسی الرضا (ع) را به ولایت‌عهدی خود انتخاب کرد و دستور داد مردم و بنی‌عباس لباس سبز بپوشند و لباس سیاه را که علامت و شعار بنی‌عباس بود، از میان برداشت. همین امر باعث نگرانی و قطع رابطه بسیاری از بنی‌عباس و شورش آنان علیه وی گردید و آنان با ابراهیم بن مهدی عباسی، عموی مأمون، بیعت کردند، ولی مأمون حسن بن سهل را به جنگ عمویش فرستاد، و ابراهیم پس از شکست از حسن بن سهل، مورد عفو مأمون قرار گرفت.<sup>۱</sup>

مأمون بیست سال خلافت کرد و در روز پنجشنبه ۱۷ رجب ۲۱۸ / ۱۰ اوت ۸۳۳ در بَدَنَدون یا بَدَنَدون چشم از جهان فرو بست و جنازه وی از آن‌جا به طرسوس منتقل گردید و به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

ابن ندیم چند اثر را به وی نسبت داده است: رساله فی اعلام النبوة، حجج مناقب الخلفاء بعد النبى (ص)، جواب ملک البرغر فیما سئل عنه من امور الاسلام و التوحید.<sup>۳</sup>

ابن ندیم علت شیفتگی مأمون به کتاب و گردآوری مجموعه‌های نفیس فلسفی و علوم اوایل را این‌گونه بیان کرده است: گویا مأمون ارسطو را در خواب می‌بیند و از وی درباره برخی مسائل سؤال می‌کند و ارسطو به وی جواب می‌دهد. مأمون پس از این‌که از خواب بیدار می‌شود، بلافاصله نامه‌ای به پادشاه روم می‌نویسد و از وی می‌خواهد که آثار ارسطو و دیگر کتابهای علوم و فنون و فلسفه را برای وی به بغداد بفرستد. پادشاه روم از این کار امتناع می‌ورزد. این خبر به مأمون می‌رسد. از این‌رو، سپاهیان خود را بسیج می‌کند که به روم حمله کند. وقتی این خبر به پادشاه روم می‌رسد، مشاوران، راهبان و کشیشان را فرا می‌خواند و درباره این مطلب با آنان به مشورت می‌پردازد. آنان به پادشاه روم می‌گویند: بهتر است این کتابها را برای مأمون بفرستی، زیرا از این‌راه هم می‌توانی در دین مسلمانان و عقایدشان خلل وارد کنی و هم آنها را در ایمانشان متزلزل سازی. این پیشنهاد در نظر پادشاه روم پسندیده آمد. از

این‌رو، به مأمون نوشت که حاضر است کتابها را در اختیار وی قرار دهد. مأمون گروهی از شخصیت‌های علمی و دانشمندان، از جمله حجاج بن مطر، ابن بطریق و سلم رئیس بیت‌الحکمة بغداد را به روم اعزام کرد، تا در کتابخانه‌های روم به جست‌وجو پردازند و کتابهای مهم و اساسی علوم اوایل و فلسفه و منطق را شناسایی و گردآوری نمایند و سپس به بغداد انتقال دهند. این گروه پس از یک سال جست‌وجو، کتابهای فراوانی را انتخاب کردند، و به بغداد منتقل ساختند. مأمون بی‌درنگ هیئتی را، که حنین بن اسحاق و ثابت بن قزّه از آن جمله بودند، مأمور ترجمه آن کتابها کرد.<sup>۴</sup>

برخی نوشته‌اند که مأمون حدود صد بار شتر کتاب را از قسطنطنیه به بغداد منتقل کرد، که دارای ذخایر گرانبهایی مانند کتابهای بطلمیوس بود. انتقال این کتابها، براساس پیمان‌نامه صلحی بود که با امپراتور میخائیل سوم بسته شد. یکی از بندهای آن پیمان‌نامه، انتقال بسیاری از کتابهای کتابخانه‌های مهم قسطنطنیه به بغداد بود.<sup>۵</sup>

این مطالب را دیگران نیز با اختلافات جزئی آورده‌اند؛ از جمله قفطی، که در شرح حال ارسطو به نقل این داستان پرداخته است.<sup>۶</sup> ممکن است انتقال کتابهای کتابخانه‌های روم و یونان به بغداد، چندین بار انجام یافته باشد، زیرا مورخان، داستان این انتقال را به گونه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند.<sup>۷</sup>

مأمون از خراسان نیز به مقدار صد بار شتر کتاب نفیس و گرانبها به بغداد منتقل کرد؛ چنان‌که نوشته‌اند از حاکم صقلیه در اندلس نیز خواست که کتابهایی را برای وی بفرستد و او خواسته مأمون را اجابت کرد.<sup>۸</sup>

ممکن است مأمون در طول دوران امارت خود بر خراسان، به گردآوری آثار علمی - فرهنگی ایرانیان پرداخته، سپس آنها را به بغداد منتقل ساخته باشد.

۱. همان، ۲۸۲ - ۲۸۳؛ تاریخ الاسلام، ص ۲۳۲.

۲. تاریخ بغداد، ۱۸۹/۱۰؛ معجم البلدان، ۱/ ۵۳۰ - ۵۳۱.

۳. الفهرست، ص ۱۲۹.

۴. الفهرست، ص ۳۰۳ - ۳۰۴؛ سرح‌العین، ص ۱۳۰؛ مفتاح السعادة، ۱/ ۲۷۰.

۵. لمحات من تاریخ الكتاب و المكتبات، صوفی، ص ۲۰۳.

۶. تاریخ الحکماء، ص ۲۹ - ۳۰.

۷. خزائن الکتب القديمة فی العراق، ص ۱۰۹؛ دور الکتب العربية العامة و شبه

العامة، یوسف العیش، ص ۵۴.

۸. دلیل خارطة بغداد، ص ۱۳۰ - ۱۳۲.

می‌کردند. روزی مأمون در حین مشاهده دفتر ثبت کتابها، کتاب جاویدان خرد را نیافت. از این رو، از کتابداران درباره علت عدم ثبت نام این کتاب در دفتر کتابخانه بیت الحکمه سؤال کرد.<sup>۳</sup>

### ۶. ابوتمام طائی (۱۹۰-۲۳۲ ق / ۸۰۶-۸۴۷ م)

ابوتمام، حبیب بن اوس بن حارث بن قیس طائی شامی، ادیب نامدار شیعی و شاعر بلندآوازه و حماسه سرای نامدار عرب

۱. الفهرست، ص ۲۰۹.
۲. تاریخ بغداد، ۱۵۵/۱۴؛ معجم الادباء، ۱۲/۱۶.
۳. رسائل البلغاء، کردعلی، ص ۴۷۸ - ۴۸۰؛ خزائن الکتب القديمة فی العراق، ص ۱۱۱-۱۱۲.
۴. تاریخ طبری، ۱۹۴/۱؛ الاغانی، ۳۸۳/۱۶ - ۳۹۹؛ الفهرست، ابن ندیم، ص ۱۹۰؛ اخبار ابی تمام صولی؛ تاریخ بغداد، ۲۴۲/۸ - ۲۴۷؛ عیون الاخبار، ابن قتیبه، ۲۳۳/۱، ۲۳۵، ۲۵۳؛ طبقات الشعراء، ابن معتنز، ص ۲۳۵، ۲۵۰، ۲۸۲ - ۲۹۸ به بعد؛ تاریخ بغداد، ابن طیفور، ص ۱۳۶ - ۱۳۷؛ عقد الفرید، ۷۳/۱، ۱۸۳، ۲۳۷، ۲۴۸، ۱۳۱/۶، ۱۷۳؛ نمار القلوب، ص ۱۹، ۵۳، ۹۱، ۹۲ به بعد؛ انساب الاشراف، ۲۰/۱/۴؛ اخبار القضاة وکعب، ۳۰/۱/۳؛ سرح العیون، ص ۳۷۷؛ مروج الذهب، ۴۷۴/۳، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۶؛ الحیوان، جاحظ، ۶۷/۱؛ ۲۴۶/۶؛ معاهد التنصیص، ۱۴/۱ - ۱۶؛ ربیع الابرار، ۵۵/۴، ۶۹، ۱۱۹، ۲۰۰، ۲۵۴، ۳۴۳؛ التدوین فی اخبار قزوین، رافعی، ۴۳۹/۱ - ۴۴۲ (۲۹۳/۲)؛ تاریخ حلب، عظیمی، ص ۲۵۳، ۲۳۵، نزهة الالباء، ص ۱۲۳ - ۱۲۵؛ انوار المحاضرة، ۱۴۲/۲؛ ۲۱۹/۵؛ ۱۴/۶؛ ۹۵؛ ۱۹۱/۷؛ ۲۰۳؛ امالی قالی، ۱۶۴/۱، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۲۹، ۲۷۱؛ ۵۶/۲؛ ۹۴/۳؛ تاریخ مدینة دمشق، ۱۶/۱۲ - ۳۴؛ وفيات الاعیان، ۱۱/۲؛ الانساب، سمعانی، ۱۸۸/۸ - ۱۹۰؛ امالی مرتضی، ۲۸۹/۱، ۲۹۰، ۳۸۷، ۳۸۵، ۴۸۲، ۶۰۹ - ۶۱۳؛ طبقات المعترلة، ص ۱۳۲؛ دول الاسلام، ۱۳۹/۱؛ تاریخ الاسلام (حوادث و وفيات ۲۳۱ - ۲۳۰ ق) ص ۱۲۵ - ۱۲۹؛ سیر اعلام النبلاء، ۶۳/۱۱ - ۶۹؛ العرب، ۴۱۱/۱؛ تهذیب تاریخ دمشق، ۲۱/۴ - ۲۹؛ اللباب، ابن اثیر، ۷۸/۲؛ نهاية الارب، ۷۸/۱، ۱۱۷، ۱۴۲، ۱۴۹؛ ۲۵/۲؛ ۴۸، ۲۵/۲؛ ۴۸؛ ۱۶/۶؛ محاضرات الادباء، ۷۹/۱، ۱۱۱؛ مرآة الجنان، ۱۰۲/۲ - ۱۰۶؛ البداية و النهاية، ۳۰۸/۱۰؛ الوافی بالوفیات، ۲۹۲/۱۱ - ۲۹۹؛ تهذیب التهذیب، ۱۷۷/۲؛ تقرب التهذیب، ۱۴۸/۱؛ النجوم الزاهرة، ۲۶۱/۲؛ حسن المحاضرة، ۵۵۹/۱؛ شذرات الذهب، ۷۲/۲ - ۷۴؛ خزانة الادب، ۱۷۲/۱، ۳۵۶؛ تاریخ الادب العربی، بروکلیمان، ۷۱/۲؛ مقال الطالبین، ص ۳۷۶؛ دائرة المعارف الاسلامية، ۳۲۰/۱؛ الاعلام، زرکلی، ۱۶۵/۲؛ الموازنة بین ابی تمام و البختری؛ مناقب ابن شهر آشوب، ۳۱۲/۱؛ رجال نجاشی، ۳۳۵/۱ - ۳۳۶؛ الموشح، مرزبانی، ص ۳۰۳ - ۳۲۹؛ معالم العلماء، ص ۱۵۲؛ رجال ابن داود، ص ۶۹؛ رجال علامة حلی، ص ۶۱؛ جامع الرواة، ۱۷۷/۱؛ ریاض العلماء، ۱۲۳/۱ - ۱۳۵؛ امل الآمل، ۵۰/۱ - ۵۵؛ فوائد الرضویة، ص ۹۲؛ سفینة البحار، ۱۲۶/۱؛ روضات الجنات، ۷/۳ - ۱۲؛ مجمع الرجال، ۷۸/۲؛ نامه دانشوران، ۳۲۴/۱؛ ریحانة الادب، ۴۵/۷؛ اعیان الشیعة، ۳۱۰/۲ - ۳۱۹/۴؛ ۵۳۹؛ تأسیس الشیعة، ص ۱۹۵ - ۱۹۷؛ معجم رجال الحدیث، ۲۱۷/۴ - ۲۱۹؛ الذریعة، موارد متعدده؛ تاریخ الادب العربی، ۲۵۱/۲ - ۲۶۸؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۴۷۱/۲ - ۴۷۲؛ نتایج المسقال، ۲۵۱/۱؛ معجم المؤلفین، ۱۸۳/۳ - ۱۸۴؛ فهرست مرعشی، ۲۴/۱۲ و مورد دیگر؛ ریاض الجنة، زوزی، ۳۷۵/۱ - ۳۸۲.

درباره شیفتگی و علاقه مأمون به کتاب، جاحظ نیز مطلبی نوشته، که در صورت صحت آن، می‌توان به علاقه مأمون به گردآوری کتاب و مطالعه آنها پی برد. وی نوشته است: مأمون کتابهایی را که من در موضوع امامت نوشته بودم، دید و آنها را مطالعه کرد؛ آن کتابها را به همان صورت که خود دستور داده بود یافت. (گویا جاحظ این کتابها را به دستور خود مأمون نوشته است.) مأمون پیش از این که آنها را مطالعه کند، به یکی از دانشمندان دربارش به نام یزیدی، فرمان داده بود که کتابهای مرا بررسی کند و نظر بدهد. یزیدی پس از مطالعه کتابها نظر خود را بیان کرده و از کتابهای من بسیار تعریف کرده بود. مأمون خود این مطلب را چنین بیان می‌کند: بعضی از افراد که ما آنها را عاقل و هوشمند می‌دانیم و به گفته‌هایشان اعتماد داریم، درباره این کتابها به من خیر دادند و گفتند که از نظر استحکام مطلب و علمی بودن و فراوانی فایده بسیار خوب‌اند. من پیش از این که آنها را مطالعه کنم، خیال می‌کردم که توصیف کتابها از دیدن آنها بهتر است، ولی وقتی آنها را مطالعه کردم، دانستم که مشاهده و دیدن و مطالعه کتابها از توصیفشان به مراتب برتر و بهتر است. این کتابها از جمله کتابهایی است که نیاز به حضور مؤلف آن برای معرفی کردنش ندارد. در این کتابها معانی و حقیقت به صورت کامل استقصا شده و با الفاظی مختصر و آسان مطالب مهمی بیان شده است. اینها کتابهایی است که برای عامه مردم مفید است.<sup>۱</sup>

ابن ندیم سپس اشاره می‌کند که ممکن است جاحظ برای بزرگ نشان دادن خود، این مطالب را به این شکل، با بهترین کلمات، از قول مأمون ساخته باشد، اما در مآخذ و منابع تاریخی، مطالب فراوانی می‌توان یافت که مأمون به دانشمندان دستور می‌داد که کتابهایی در رشته‌های مختلف تهیه و تدوین کنند؛ از جمله وی به یحیی بن زیاد، معروف به فزّاء، دستور داد که درباره اصول نحو، کتابی تألیف نماید، و برای سکونت وی غرفه‌ای در بیت الحکمه معین کرد که شبانه‌روز در آن جا بود و مطالب خود را تقریر می‌نمود و کاتبانی که مأمون برای نوشتن تقریرات او تعیین کرده بود، به کتابت مطالب وی می‌پرداختند و افرادی نیز معین کرده بود که احتیاجات وی به لباس و غذا و آشامیدن را برطرف نمایند.<sup>۲</sup>

مأمون خود به امور ثبت کتابهای بیت الحکمه رسیدگی می‌کرد. کاتبان و کتابداران وی کتابها را در دفاتری ثبت و ضبط

و صاحب دیوان الحماسه است.

وی در قریه جاسم، یکی از روستاهای حوران و یا جولان شام، دیده به جهان گشود. تاریخ تولد وی را به اختلاف سالهای ۱۷۲، ۱۸۸، ۱۹۰ و ۱۹۲ ق نوشته‌اند، که قول ۱۹۰ ق به حقیقت نزدیکتر است. او دیری نیاید که رهسپار دمشق گردید و آنجا پرورش یافت. در همان روزگار جوانی برای کسب معیشت راهی مصر گردید و در آنجا با آب‌فروشی در مسجد جامع عمرو بن العاص به امرار معاش پرداخت و در همان مسجد در حلقه‌های درس ادیبان آن دیار ادبیات عرب را آموخت. در همین دوره بود که حیات شعری وی آغاز گردید.<sup>۱</sup> در فاصله سالهای ۲۱۰ تا ۲۱۴ ق در مصر حوادثی روی داد که ابوتام را ناچار کرد از مصر کوچ کند و به شام بازگردد.<sup>۲</sup>

یک سال بعد، زمانی که مأمون از جنگ با رومیان بازمی‌گشت، توقفی کوتاه در دمشق کرد و ابوتام وی را مدح گفت، اما با بی‌اعتنایی مأمون روبرو شد؛ این بی‌مهری به دلیل تمایلات شدید ابوتام به علویان بود. از این رو، ابوتام به شمال شام و یا به شمال عرق رفت و سپس از آنجا عازم ارمنستان گردید و دیری نیاید که به موصل رفت و بیشتر اوقات زندگی‌اش را در آنجا گذراند.<sup>۳</sup>

در سال ۲۱۸ ق که مأمون درگذشت و برادر وی معتصم خلیفه شد، شهرت ابوتام در همه‌جا پیچید و همگان وی را می‌شناختند و قصاید او در همه جا انتشار یافت. از این رو، معتصم عباسی وی را به سامرا فرا خواند و ابوتام چندین قصیده در ستایش و مدح وی سرود و معتصم به او جایزه فراوان داد و او را بر همه شاعران مقدم داشت.<sup>۴</sup> سپس به بغداد رفت و در آنجا با شخصیت‌های علمی و ادبی، مانند دعبل خزاعی، علی بن جهم، ابوالشیص، ابن ابی‌فَنَن، در مسجد جامع بغداد ملاقات کرد و در مجمع آنان پذیرفته شد.<sup>۵</sup>

ابوتام پس از آن به خراسان رفت و با عبدالله بن طاهر، امیر خراسان، ملاقات کرد و قصایدی در مدح وی گفت، ولی صلّه وی را نپذیرفت. در آنجا با فرماندهان سپاه خلیفه، ابودلف عجلی، حیدر بن کاووس و ابوسعید محمد بن یوسف ثغری ملاقات کرد و آن‌گاه که عبدالله بن طاهر، پس از شکست دادن بابک خرمی در ۲۲۲ ق / ۸۳۷ م او را به اسارت گرفت و به سامرا نزد معتصم عباسی برد و ابوتام نیز به سامرا رفت و سپس

همراه معتصم عباسی، در ۲۲۳ ق به جنگ عموریه رفت و پس از پایان جنگ به سامرا بازگشت و معتصم او را ریاست موصل بخشید و ابوتام نیز به آنجا رفت، اما پس از دو سال (۲۳۱ ق / ۸۴۶ م) در موصل درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد.<sup>۶</sup>

رافعی از رفتن ابوتام به قزوین خبر داده،<sup>۷</sup> ولی بیان نکرده است که در چه زمانی به قزوین رفته؛ پیش از رفتن به خراسان یا پس از آن. همچنین نوشته‌اند که وی در یکی از سفرهای خود به خراسان و یا بازگشت از خراسان به همدان رسید و بر ابوالوفاء ابن سلمه وارد شد و چون سحرگاهان عزم سفر کرد، دید همه‌جا را برف سفید کرده و امکان حرکت نیست. از این رو، ابوالوفاء از وی خواست تا مدتی در همدان و در منزل وی بماند و چون هوا مساعد شد، عزم سفر کند. ابوتام با کمال اشتیاق پذیرفت و در منزل ابوالوفاء باقی ماند و خوشحالی و سرور وی وقتی به نهایت رسید که ابوالوفاء او را به مخزن کتابهای خود راهنمایی کرد و چون چشم ابوتام بر آن کتابخانه نفیس افتاد، بسیار خوشحال شد و عزمش برای ماندن در همدان بیشتر جزم شد و از آن پس هر روز و هر شب به آن کتابخانه می‌رفت و مطالعه می‌کرد و خود را برای نوشتن کتابهایی که بعدها از مشهورترین کتب ادبی عرب گردید، آماده کرد و دیوان الحماسه کبری و صغری، الاختیارات من شعر الشعراء، الفحول و الاختیارات من شعر القبائل را تألیف کرد. این کتابها در خزائن کتب آل سلمه باقی ماند، تا این‌که مردی از اهل دینور، معروف به ابوعواذل به همدان رفت و به آن کتابها، به‌ویژه دیوان الحماسه، دست یافت و آنها را همراه خویش به اصفهان برد و ادیبان اصفهان آثار ابوتام را با جان و دل پذیرفتند و بقیه کتابهای این فن را کنار نهادند و کتابهای ابوتام شهرت یافت.<sup>۸</sup>

ابوتام ماهها در کتابخانه آل سلمه و ابوالوفاء باقی ماند و از

۱. تاریخ بغداد، ۲۴۲/۸؛ تاریخ الاسلام، ص ۱۲۶.

۲. تاریخ الادب العربی، ۲۵۲/۲.

۳. همان؛ وفیات الاعیان، ۱۹/۲، ۱۴.

۴. تاریخ بغداد، ۲۴۲/۸.

۵. تاریخ الاسلام، ص ۱۲۶-۱۲۷.

۶. وفیات الاعیان، ۱۵/۲-۱۶؛ تاریخ الادب العربی، ۲۵۳/۲.

۷. الندوین، ۲۹۳/۲.

۸. مقدمه دیوان الحماسه، از خطیب تبریزی؛ اعیان الشیعه، ۵۱۰/۴-۵۱۱.

(۱۸۲۲ م) انتشار یافته است. همین شرح به نام دیوان ابی تمام، به کوشش عزّام در قاهره (۱۹۵۱-۱۹۵۷ م) نیز انتشار یافته است. شرح همین کتاب با عنوان شرح دیوان الحماسه از مرزوقی به کوشش احمد امین و عبدالسلام محمد هارون در قاهره (۱۳۷۲-۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۱-۱۹۵۳ م) انتشار یافته است. شرح دیگر آن با نام بدر التمام فی شرح دیوان ابی تمام از ملحم اسود در بیروت (۱۹۲۸ م) چاپ شده است. این کتاب با نام دیوان ابی تمام به کوشش محی الدین خیاط در بیروت (۱۸۸۹ م)، و در حدود ۱۳۲۳ ق به کوشش احمد عثمان عبدالمجید منتشر شده است.

۲. الوحشیات، که به الحماسة الصغری شهرت یافته، و به کوشش عبدالعزیز میمنی راجکوتی و زیاداتی و تعلیقات و حواشی محمود محمد شاگرد در قاهره (۱۹۶۳ م) منتشر شده است.

۳. همزیات ابی تمام، به کوشش عبدالسلام محمد هارون در قاهره (۱۹۴۲ م) انتشار یافته است. برخی از آثار وی را فؤاد سزگین معرفی کرده و نشان داده است که نسخه‌های خطی آنها در کجاست.<sup>۳</sup>

مقالات و کتابهایی نیز در مقایسه بین اشعار وی و دیگر شاعران و همچنین شرح مشکلات و جداول آن و یا درباره خود ابوتمام نوشته شده، که عبارت‌اند از:

۱. جداول دیوان ابی تمام، در مجله المشرق، بیروت، ۱۹۰۵ م.

۲. الموازنة بین الطّائین: ابی تمام و البحرّی فی الشعر، از آمدی، قسطنطنیه، ۱۲۸۷ ق، بیروت، ۱۳۳۲ ق، قاهره، ۱۹۳۰ م، و به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره ۱۹۴۴ م و تحریر احمد صقر، قاهره، ۱۹۴۴ م.

۳. اخبار ابی تمام، از صولی، به کوشش خلیل محمود عساکر و محمد عبده عزّام و نظیر الاسلام هندی، قاهره، ۱۹۳۷ م / ۱۳۵۶ ق.

۴. هبة الایام فی مایعلق بابی تمام، تألیف یوسف بدیعی، قاهره، ۱۹۳۴ م.

۵. ابوتمام، تألیف عمر فروخ، بیروت، ۱۹۳۵ م.

تمامی لحظات زندگی خود استفاده کرد و به مطالعه دواوین و آثار شاعران بزرگ عرب پرداخت، تا موفق شد کتب مهمی را تألیف کند. این مطلب نشان می‌دهد که وی چقدر شیفته کتاب و مطالعه بوده است.

قاضی نورالله شوشتری، داستان دیگری از شیفتگی او به کتاب را حکایت کرده، که به این شرح است: یکی از دوستان ابوتمام گفته است که در وقتی که ابوتمام در قزوین بود، نزد او رفتم. چون بر وی وارد شدم، در اطراف او به اندازه‌ای کتاب چیده شده بود، که ابوتمام در میان آنها ناپدید شده بود و کسی را نمی‌دید. مدّتی توقّف کردم تا این که سر برداشت، و چون مرا دید، سلام کرد. من گفتم: ای ابوتمام، زحمت بسیار در مطالعه می‌کشی و صبر و طاقت بسیار در این محنت به کار می‌بری. گفت: به خدا سوگند که مرا به غیر کتب الفتی نیست و لذتی از غیر آن حاصل نمی‌شود و اگر یک ساعت بی مطالعه نشینم، نزدیک است که دیوانه شوم. گفتم: از این کتب که در اطراف تو چیده شده، به کدام عنایت و اهتمام داری؟ گفت: این کتب که در یمین من است هاروت، و آنچه در یسار من است ماروت است و من از ایشان سحر می‌آموزم. پس نگاه کردم که آنچه در یمین او بود شعر مسلم بن صریح غوانی و آنچه در یسار او بود شعر ابی نواس بود.<sup>۱</sup>

ابوتمام اندکی پس از بازگشت به موصل چشم از جهان فرو بست و در همان جا به خاک سپرده شد. ابن خلکان نوشته است که قبر وی در موصل، خارج از باب میدان، بر حاشیه خندقی قرار دارد و من آن قبر را دیده‌ام.<sup>۲</sup> تاریخ وفات وی را به اختلاف ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲ ق نوشته‌اند.

تألیفات ابوتمام عبارت‌اند از:

۱. الحماسه یا دیوان الحماسه، که آن را برای ابوالوفاء ابن سلمه گرد آورد و شامل ده باب است: الحماسه، المراثی، الادب، النسیب، الهجاء، الاضیاف و المدیح، الصفات، السیر و النعاس، الملح، مذمة النساء. این کتاب به همان باب اول خود شهرت یافته است. الحماسة الکبری، نام دیگر این کتاب و شامل ۵۷۰ قطعه است. بر این کتاب ۳۴ شرح نوشته شده است؛ تنها خطیب تبریزی بر آن سه شرح بزرگ و متوسط و مختصر نوشته است. شرح تبریزی با عنوان شرح دیوان اشعار الحماسه در قاهره (۱۲۹۲ ق) منتشر شده است و ترجمه آلمانی آن در بن

۱. مجالس المؤمنین، ۵۴۰/۲-۵۴۲.

۲. وفیات الاعیان، ۱۷/۲.

۳. تاریخ التراث العربی، ۱۲۷/۴/۲-۱۳۱ (۵۵۱-۵۵۸).

۶. ابوتمام؛ دراسة تحليلية و مختارات، تأليف عمر فروخ، ۱۹۶۴ م.
۷. ابوتمام الطائي حياته و شعره، تأليف نجيب بهيتي، قاهره، ۱۹۴۵ م.
۸. ليال خمس مع ابي تمام، تأليف محمد عبده عزّام، قاهره، ۱۹۴۸ م.
۹. عبقرية ابي تمام، تأليف عبدالعزيز سيد الاهل، بيروت، ۱۹۵۳ م.
۱۰. شرح المشكل من ديوان ابي تمام و المتبتي، مبارك بن احمد ارييلي، قاهره، ۱۹۳۵ م.
۱۱. الكلام في شعر البحتری و ابي تمام، تأليف محمد طاهر الجبلاوي، قاهره، ۱۹۴۸ م.
۱۲. دراسة حماسية ابي تمام، تأليف علي نجدی، قاهره، ۱۹۵۵ م.

۱۳. ابوتمام الطائي، تأليف خضر الطائي، بغداد، ۱۹۶۶ م.

۱۴. الرثاء بين ابي تمام و البحتری و المتبتي، تأليف ادبية فارس، اسكندرية، ۱۹۳۲ م.

۱۵. ابوتمام، تأليف جميل سلطان، دمشق، ۱۹۵۰ م.

## ۷. ابن زيات<sup>۱</sup> (۱۷۳-۲۳۳ ق / ۷۸۹-۸۴۹ م)

ابوجعفر محمد بن عبدالملك بن اَبان بن ابي حمزه، معروف به ابن زيات، كاتب، اديب، شاعر و وزير سه تن از خلفای بنی عباس است.

وی در سال ۱۷۳ ق دیده به جهان گشود. زادگاه او به درستی معلوم نیست. علت شهرت وی به ابن زيات آن است که جدّ وی، اَبان، مردی روغن فروش بود. او از اهالی روستایی به نام دستکره از شهر جبّئ در جنوب بغداد است.<sup>۲</sup>

پدر وی، عبدالملك، از اهالی کرخ بغداد بود و گویا محمد در همین کرخ تولد شده باشد. عبدالملك مردی تاجر بود و فرزندش محمد را تشویق می‌کرد که به تجارت بپردازد، ولی محمد چون به ادبیات و کتابت تمایل فراوانی داشت، قبول نکرد و به فراگیری ادبیات و صنعت کتابت روی آورد.<sup>۳</sup>

ابن زيات در آغاز از جمله کتاب دستگاه معتصم عباسی بود و سپس به وزارت رسید. علت انتصاب وی به این مقام را چنین نقل کرده‌اند که روزی نامه‌ای از یکی از کارگزاران معتصم

عباسی به دست وی رسید و در آن کلمه‌ای بود که معنای آن را نه معتصم می‌دانست و نه وزیرش احمد بن عمار؛ معتصم گفت: تا حال خلیفه بی‌سواد و وزیر عامی را چه کسی دیده است؟ سپس گفت هر کدام از کتاب را که موجود است، خبر کنند؛ فقط محمد بن عبدالملك زيات حضور داشت. او را نزد معتصم آوردند و او آن کلمه را معنا کرد. سپس درباره کاربردهای مختلف آن توضیح داد و معتصم به دانش گسترده و فضل وی پی برد و پس از آن وی را وزیر خویش قرار داد و دست او را در اداره مملکت باز گذاشت.<sup>۴</sup>

او پس از معتصم عباسی نیز به وزارت الواصل رسید. نوشته‌اند که الواصل بالله عباسی در زمان خلافت معتصم و وزارت ابن زيات به شدت از ابن زيات ناراحت بود و سوگند خورده بود که وقتی به خلافت رسید از ابن زيات انتقام بگیرد، اما چون معتصم درگذشت و او به خلافت رسید، قرار شد که کتاب برای

۱. تاریخ یعقوبی، ۴۷۸/۲، ۴۸۳، ۴۸۴؛ تاریخ طبری، ۲۰/۹، ۲۲، ۵۳، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۷، ۲۳۱، ۲۳۲؛ التنبیه و الاشراف، ص ۳۰۸، ۳۱۳، ۴۹۳؛ مروج الذهب، ۱۸۰/۲؛ ۴۵۹/۳، ۴۶۰؛ ۵/۴؛ امالی قالی، ۶۹/۲؛ ربيع الابرار، ۱۱۸/۴؛ امالی مرتضی، ۱۹۵/۱، ۵۲۳، ۵۳۵، ۵۳۶؛ الفرج بعد الشدة، ۱۰۲/۱، ۱۰۵، ۱۸۶ به بعد؛ تاریخ بغداد، ۱۴۴/۳-۱۴۶؛ نوار المحاضرة، ۱۷/۱-۱۹؛ العيون و الحدائق، ۳۸۴/۳، ۴۰۵، ۴۰۶؛ طبقات الشعراء، ابن معتر، ص ۲۱۴، ۳۸۹؛ نمار القلوب، ص ۱۹۶، ۲۹۱، ۴۲۶، ۴۲۹، ۶۶۴؛ محاضرات الادباء، ۲۴۳/۱، ۲۷۲، ۶۰۵؛ عيون الاخبار، ۵۱/۱، ۹۵، ۲۷۳؛ ۲۴/۲؛ ۳۱/۳؛ عقد الفريد، ۱۳۰/۲، ۱۳۰، ۱۴۲، ۱۶۴ به بعد؛ تاریخ بغداد، ابن طيفور، ص ۱۰۷؛ تحفة الوزراء، ۴۳، ۱۱۶، ۱۴۲؛ الابناء في تاريخ الخلفاء، ص ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۳-۱۲۰؛ الفخری، ص ۱۴۹، ۲۳۳-۲۳۷؛ البصائر و الذخائر، ۳۲۵/۱؛ ۳۵/۲؛ ۳۶، ۱۹۶/۷؛ خلاصة الذهب المسبوك، ص ۲۲۳؛ الاغانی، ۷۴/۱۹، ۹۵، ۲۱۹، ۲۵۲، ۱۳۹/۲۰، ۱۴۴، ۱۴۵ به بعد؛ معجم الشعراء، ص ۳۶۹؛ وفيات الاعيان، ۹۴/۵-۱۰۱؛ الفهرست، ص ۱۳۶؛ العبير، ۴۱۴/۱؛ دول الاسلام، ۱۴۲/۱؛ تاریخ الاسلام (حوادث و وفيات ۲۳۱-۲۴۰ ق)، ص ۳۳۲-۳۳۵؛ سير اعلام النبلاء، ۱۷۲/۱، ۱۷۳؛ الانساب، سمعانی، ۳۵۶/۶، ۳۵۷، ۱۸۳/۳-۱۸۴؛ الكامل، ابن اثیر، ۳۶/۷-۳۹؛ الوافی بالوفیات، ۳۲/۴-۳۴؛ البداية و النهاية، ۳۴۶/۱۰؛ مرآة الجنان، ۱۰۶/۲؛ المختصر في اخبار البشر، ۳۷/۲؛ آثار الانافه، ۲۲۶/۱؛ التذوین في اخبار فزوين، ۳۸۵/۲؛ النجوم الزاهرة، ۲۷۱/۲-۲۷۲؛ شذرات الذهب، ۷۸/۲-۷۹؛ خزنة الادب، ۲۱۵/۱-۲۱۶؛ عصر المأمون، رفاعی، ۲۷۸/۳-۲۸۲؛ تاریخ الادب العربي، بروكلمان، ۱۲۱/۱؛ تاریخ الادب العربي، فروخ، ۲۶۸/۲-۲۷۱؛ الاعلام، زرکلی، ۲۴۸/۶؛ معجم الشعراء، مرزبانی، ص ۲۶۵؛ المستظم، ابن جوزی، ۱۹۸/۱۱؛ امراء البیان، ۲۷۸/۱۰-۳۰۶؛ هبة الایام، بدیععی، ص ۷۶، ۸۲؛ معجم المؤلفين، ۲۵۴/۱۰؛ فهرس المخطوطات المصورة، ۴۵۲/۱.

۲. وفيات الاعيان، ۹۴/۵.

۳. تاریخ الادب العربي، ۲۶۸/۲.

۴. وفيات الاعيان، ۹۴/۵-۹۵.

به نزد من آمد تا میان او و خلیفه واسطه شوم، اما او شبیه افراد مخنث بود و موهای بسیار بلندی داشت. الواثق به ابن زیات نوشت که جعفر را بخواه و موی او را کوتاه کن و به منزلش بفرست. ابن زیات فرستاد تا جعفر را بیاورند. جعفر متوکل خیال کرد که ابن زیات رضایت الواثق و بخشودگی را برایش گرفته است. از این رو، بهترین لباسش را پوشید و به نزد ابن زیات رفت، ولی وقتی به آن جا رسید، ابن زیات دستور داد موهای او را کوتاه کردند. سپس موهای چیده شده را گرفت و به صورت متوکل کوید.<sup>۴</sup>

متوکل می گوید: هیچ چیز به اندازه این رفتار ابن زیات مرا ناراحت نکرد. پس از این واقعه متوکل همیشه مترصد بود تا موقعیتی به دست آورد و از ابن زیات انتقام بگیرد، تا این که پس از مرگ الواثق و رسیدن به مقام خلافت این موقعیت را به دست آورد. دشمنی و اختلافی که احمد بن ابی داود قاضی با ابن زیات داشت نیز مزید بر علت شد و ابن ابی داود تا می توانست متوکل را ترغیب به برکناری وی از مقام وزارت کرد، تا این که پس از چهل روز که از رسیدن به مقام خلافت وی گذشت، دستور داد ابن زیات را که وزیر بود، دستگیر و اموال وی را مصادره کنند.<sup>۵</sup>

نوشته اند که ابن زیات وقتی در زمان معتصم عباسی به وزارت رسید، دستور داد برای شکنجه کاتبان و افرادی که کار خلاف می کنند، قفسی آهنی شبیه به تنور به صورت قائم بسازند و در دیواره های داخلی آن میخهای تیز فراوانی کار بگذارند. این قفس چنان تنگ و باریک بود که یک نفر به زحمت در آن جای می گرفت. هنگامی که کسی را در آن زندانی می کردند، زیر این قفس آتش روشن می کردند؛ وقتی این قفس گرم و طاقت فرسا می شد، زندانی داخل آن، گرما را تحمل نمی کرد و چون حرکت می کرد، میخهای تعبیه شده در دیواره های آن به تن و بدن و دست و پای زندانی فرو می رفت و به این ترتیب شکنجه ای طاقت فرسا را تحمل می کرد.<sup>۶</sup>

بیعت نامه یا اعلان خلافت وی مطلبی بنویسند، ولی وقتی نسخه ای از آن تهیه کردند مورد قبول واقع نشد و دیگر کاتبان نیز بیعت نامه هایی نوشتند که آنها نیز مورد تأیید قرار نگرفت. سپس ابن زیات متنی زیبا تهیه کرد و مورد قبول الواثق بالله قرار گرفت و همان باعث بخشودگی وی شد و الواثق او را در مقام وزارت ابقا کرد.<sup>۱</sup>

ابن زیات در سمت وزارت باقی بود تا این که الواثق بالله درگذشت و شورای تعیین خلافت دو گروه شدند: گروهی به ریاست ابن زیات خلافت پسر الواثق را پیشنهاد کردند، و گروه دیگر به ریاست احمد بن ابی داود قاضی، متوکل را برگزیدند. آخر الامر متوکل انتخاب شد. مخالفت ابن زیات با انتخاب متوکل، یکی از دلایل دشمنی متوکل با ابن زیات گردید و موجبات هلاکت وی را پدید آورد.<sup>۲</sup>

طبری درباره علت خشم متوکل بر ابن زیات چنین نوشته است: «الواثق بالله عباسی، از برادر خود جعفر متوکل به دلایلی خشمگین شد و عمر بن فرج رُحَی و محمد بن علاء خادم را تعیین کرد تا متوکل را زیر نظر بگیرند و تمام کارهای وی را به او گزارش دهند. متوکل نزد محمد بن عبدالملک ابن زیات رفت تا از او خواهش کند که میان وی و برادرش الواثق میانجیگری کند. وقتی متوکل نزد ابن زیات رفت، او مشغول مطالعه نامه هایی بود که از اطراف رسیده بود. متوکل مدتی روبه روی ابن زیات ایستاد و او به متوکل توجه نکرد. پس از مدتی به متوکل اشاره کرد که بنشینند. چون از کارش فراغت یافت، به صورت تحقیر آمیزی به متوکل رو کرد و پرسید: برای چه آمده ای و چه کار داری؟ متوکل گفت: آمده ام تا واسطه شوی که برادرم الواثق مرا ببخشد. ابن زیات رو به اطرافیان کرد و با تمسخر گفت: این را ببینید! برادرش را خشمگین می سازد، سپس از من می خواهد تا واسطه شوم. پس از آن به متوکل گفت: برو خود را اصلاح کن؛ خلیفه از تو راضی خواهد شد. پس متوکل با ناراحتی از آن جا به نزد احمد بن ابی داود قاضی رفت، ولی او متوکل را به گرمی پذیرفت و میان او و برادرش واسطه شد تا این که الواثق متوکل را بخشید.»<sup>۳</sup>

طبری دلیل دیگری را نیز درباره خشم متوکل بر ابن زیات ذکر کرده است: وقتی متوکل از منزل ابن زیات بیرون رفت، ابن زیات نامه ای به الواثق نوشت و شرح داد که جعفر بن معتصم

۱. همان، ص ۹۹.

۲. همان، ص ۱۰۰.

۳. تاریخ طبری، ۱۵۶/۹ - ۱۵۷.

۴. همان، ص ۱۵۷.

۵. همان، ص ۱۵۷ - ۱۶۰.

۶. وفیات الاعیان، ۱۰۰/۵.



داد.<sup>۸</sup>

به سبب عشق و علاقه‌ای که به کتاب داشت، برای خود کتابخانه‌ای گرانقدر به وجود آورده بود و کسانی چون حنین بن اسحاق، برای او کتابهایی را از زبانهای دیگر به عربی ترجمه می‌کردند. حنین چهار مقاله را برای ابن‌زیات به عربی ترجمه کرد.<sup>۹</sup>

درباره شیفتگی ابن‌زیات به کتاب جاحظ، این حکایت را نقل کرده است: نسخه‌ای از الکتاب سیبویه، به خط کسائی - که فزاء آن را مقابله کرده بود - از ورثه فزاء خریداری کردم و آن را به ابن‌زیات تقدیم کردم. بسیار خوشحال شد و آن را در خزانه ارزشمند کتابهایش قرار داد.<sup>۱۰</sup>

فرزند ابن‌زیات، هارون بن محمد بن عبدالملک، همین داستان را با تفصیل بیشتر چنین نقل می‌کند: جاحظ بر پدرم وارد شد. پدرم به او گفت: برای ما چه هدیه آورده‌ای؟ جاحظ گفت: وقتی می‌خواستم به حضور شما بیایم، مانده بودم که چه هدیه‌ای برای شما بیاورم که درخور شما باشد، چون هر هدیه‌ای را می‌خواستم بیاورم شما داشتید. از این رو، دیدم بهترین هدیه‌ای که در شأن شما باشد، الکتاب سیبویه است، که نسخه آن با خط کسائی و مقابله فزاء است؛ آن را از ورثه فزاء خریداری کردم و اکنون به شما تقدیم می‌دارم. ابن‌زیات گفت: به خدا قسم، بهتر از این هدیه که برایم آورده‌ای چیزی وجود ندارد و هیچ چیز را بهتر از آن دوست ندارم.<sup>۱۱</sup>

دیوان شعر او به کوشش جمیل سعید در قاهره (۱۹۴۹ م) منتشر شده است.

۱. تاریخ بغداد، ۱۴۵/۳ - ۱۴۶؛ تاریخ الاسلام، ص ۳۳۴ - ۳۳۵.

۲. تاریخ طبری، ۱۵۸/۹.

۳. همان، ص ۲۰، ۱۰۷ - ۱۱۰.

۴. عقد الفرید، ۲۱۳/۳.

۵. وفیات الاعیان، ۹۷/۵ - ۹۸.

۶. تاریخ بغداد، ۱۴۴/۳.

۷. همان.

۸. معجم الادباء، ۱۰۶/۱۶؛ الفهرست، ص ۲۱۰.

۹. الفهرست، ص ۳۴۹.

۱۰. کتابخانه‌های عمومی و نیمه‌عمومی عربی در قرون وسطی، یوسف العیش، ترجمه

اسدالله علوی، ص ۲۸۸.

۱۱. معجم الادباء، ۱۲۲/۱۶ - ۱۲۳.

وقتی متوکل دستور داد او را دستگیر کردند، وی را در همان قفس آهنی که خودش ساخته بود، زندانی کردند و مدت چهل روز در آن قفس ماند تا این که هلاک شد. سپس جنازه‌اش را جلوی منزل خودش دفن کردند. گفته‌اند که قبر وی را عمیق نکردند، و مدتی پس از دفن، جنازه وی خوراک سگان و حیوانات شد. مورخان نوشته‌اند که وی هنگامی که در آن قفس به سر می‌برد، بر اثر شدت شکنجه‌ای که می‌دید، با ناله و فریاد می‌گفت: به من رحم کنید! اما به او جواب می‌دادند: در طبیعت رحمتی وجود ندارد؛ این سخنی بود که خود او به زندانیانش می‌گفت.<sup>۱</sup>

برخی هم نوشته‌اند که وی از میان همان قفس برای متوکل چند بیت فرستاد و از او طلب بخشش کرد، و چون آن نامه را به دست متوکل دادند، متوکل دستور داد او را آزاد کنند. وقتی به قفس او سر زدند، دیدند مرده است.<sup>۲</sup>

ابن‌زیات از سال ۲۲۰ ق در زمان معتصم به وزارت رسید و سیزده سال وزیر بود. همه بناهای جانب شرقی و غربی بغداد به دستور ابن‌زیات ساخته شد. هنگامی که افشین، سردار شورشی ایرانی را دستگیر و به نزد معتصم آوردند، ابن‌زیات مأمور مناظره با وی شد.<sup>۳</sup>

ابن‌عبد ربّه نوشته است که وی با افراد پست و فرومایه و کودن مصاحبت داشت و از افراد هوشمند و دانشور کناره می‌گرفت.<sup>۴</sup> این سخن درست نیست، زیرا شخصیت‌های بزرگ و ادیبان ناموری چون جاحظ، ابوتمام طائی، بحتری و دعبل خزاعی با وی مصاحبت داشتند و کسانی مانند ابوتمام، بحتری و صولی او را در قصایدی مدح کرده‌اند.<sup>۵</sup>

دعبل بن علی در کتاب طبقات الشعراء از او یاد کرده و اشعار و مرثیه‌ای را که ابن‌زیات در سوگ ابوتمام طائی سروده است آورده و از وی به نیکی یاد کرده است.<sup>۶</sup>

ابوعثمان مازنی نحوی برای وی احترام فراوانی قائل بود و او را ادیب و دانشمند می‌دانست. از این رو، اگر اصحاب وی در مسئله‌ای با هم اختلاف پیدا می‌کردند، مازنی به آنان می‌گفت: نزد این جوان کاتب (ابن‌زیات) بروید تا مشکل شما و اختلاف شما را حل کند.<sup>۷</sup>

جاحظ کتاب الحیوان خود را برای ابن‌زیات و به نام وی تألیف کرد و به او هدیه کرد و ابن‌زیات پنج‌هزار دینار به او

یحیی کاتب و دیگران از وی دانش آموخته، حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.<sup>۷</sup>

خطیب بغدادی او را ستوده و نوشته است وی خوش محضر، سخاوتمند، دانشمند و دارای اشعاری خوب و قوی بود.<sup>۸</sup> ابن اعرابی نیز او را به دانشمندی، راستگویی و قدرت حافظه، ستایش کرده است.<sup>۹</sup> بسیاری از محدثان، فقیهان، و مورخان، مهارت و چیرگی اسحاق را در علوم مختلف ستوده‌اند و کسی مانند علی بن محمد مدائنی محدث که بیش از ۲۵۵ اثر علمی در سیره، تاریخ، انساب و علوم اسلامی داشته، یار و همشین وی بوده و بیشتر اوقات خود را در منزل اسحاق می‌گذرانیده و حتی در منزل او، در سال ۲۲۵ ق چشم از جهان فرو بسته است.<sup>۱۰</sup>

۱. تاریخ بغداد، ابن طیفور، ص ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۶۸ به بعد؛ الکامل، میرز، ۱/۳۹۰-۳۹۱؛ طبقات الشعراء، ابن معتز، ص ۱۲۶، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۵۹، ۳۶۱؛ تاریخ طبری، ۶۵۰/۷؛ ۱۹/۸، ۸۸، ۸۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۱۲۲/۹-۱۲۴؛ نثار القلوب، ثعالبی، ص ۱۲۴، ۱۵۳، ۳۱۳، ۳۶۰، ۴۷۳؛ البرصان والمرجان، جاحظ، ص ۲۹۴؛ الاغانی، ۲۴۸/۵-۴۳۵؛ الفهرست، ابن ندیم، ص ۱۵۷-۱۵۹؛ تاریخ بغداد، ۳۳۸/۶-۳۴۲؛ المنتظم، ۲۲۶/۱۱-۲۲۷؛ تاریخ مدینه دمشق، ۱۴۲/۸-۱۶۵؛ سبط اللاکی، ص ۱۳۷، ۲۰۹، ۵۰۹؛ نزعة الالباء، ص ۲۲۷؛ معجم الادیاء، ۵/۶-۵۸؛ انباه الزواة، ۲۱۵/۱؛ وفيات الاعیان، ۲۰۲/۱-۲۰۵؛ تهذیب تاریخ دمشق، ۴۱۴/۲ به بعد؛ البخلاء، خطیب بغدادی، ص ۵۸-۵۹؛ الانساب، سمعانی، ۵۳/۱۱ (۴۰۷/۵-۴۰۸)؛ ربیع الابرار، ۱۲۷/۴، ۲۷۷، ۳۴۱، ۴۴۵؛ المحاسن و المساوی، بیهقی، ص ۳۲۵-۴۳۶، ۴۴۷؛ الاذکیاء، ابن جوزی، ص ۱۱۶؛ انوار المحاضرة، ۲۷/۷، ۱۳۵؛ امالی قالی، ۳۱/۱، ۵۵، ۷۱ به بعد؛ امالی مرضی، ۱۵/۱، ۳۶۰، ۳۶۲-۵۰۶، ۵۰۸، ۵۹۶، ۶۰۵؛ نور التیس، ص ۳۱۶؛ مرآة الجنان، ۱۱۴/۲-۱۱۶؛ البدایة و النهایة، ۳۱۴/۱۰-۳۱۵؛ نهایة الارب، ۱۰۱/۱؛ المختصر فی اخبار البشر، ۳۸/۲؛ الوافی بالوفیات، ۳۸۸/۸-۳۹۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۱۸/۱۱-۱۲۱؛ العرب، ۴۲۰/۱؛ تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۲۳۱-۲۴۰ ق)، ص ۹۲-۹۷؛ لسان المیزان، ۳۵۰/۱؛ النجوم الزاهرة، ۲۶۰/۲، ۲۸۰، ۲۸۱؛ الوزراء و الکتاب، ص ۱۹۸؛ الکامل فی التاريخ، ۵۳/۷؛ عقد الفرید، ۲۶۶/۱؛ ۲۱۶/۴، ۲۲۵؛ ۳۲/۶ به بعد؛ الفخری، ص ۲۷۶-۲۷۹؛ نزعة الظرفاء، ص ۳۲-۳۳؛ التذكرة الحمدونیة، ۱۹۷/۲، ۲۷۵؛ المجلس الصالح، ۲۲۸/۲-۲۳۰؛ الهنوات النادرة، ص ۱۷، ۳۲؛ خاص الخاص، ص ۷۶، ۱۰۹؛ الجامع الکبیر، ابن اثیر، ص ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰.

۲. الانساب، سمعانی، ۴۰۷/۵.

۳. همان.

۴. تاریخ مدینه دمشق، ۱۴۲/۸، ۱۴۷.

۵. الفهرست، ص ۱۲۹.

۶. معجم الادیاء، ۱۲/۶-۱۷.

۷. تاریخ مدینه دمشق، ۱۴۲/۸.

۸. تاریخ بغداد، ۳۳۹/۶.

۹. تاریخ الاسلام، ذهبی، ص ۹۴.

۱۰. الفهرست، ص ۱۱۳.

۸. اسحاق موصلی<sup>۱</sup> (۱۵۰ یا ۱۵۵-۲۳۵ ق / ۷۶۷ یا ۷۷۲-۸۴۹ م)

ابومحمد اسحاق بن ابراهیم بن ماهان (میمون) بن بهمن بن نسک ارجانی موصلی تمیمی، معروف به ندیم، ادیب، شاعر، مورخ، لغت‌شناس و موسیقیدان پرآوازه و ایرانی‌الاصل است. علت اشتهار وی از آن جهت است که پدر وی، ابراهیم، هنگامی که برای آموزش موسیقی به کوفه رفت، در آنجا با شماری از جوانان دوست شد و سپس به دلایلی از کوفه به موصل رفت و پس از بازگشت، دوستانش گفتند: آفرین بر جوان موصلی! و از آن پس به این لقب شهرت یافت.<sup>۲</sup>

جد وی، ماهان، از ارجان کوچ کرد و به کوفه آمد؛ در حالی که همسرش، ابراهیم را حامله بود و در قبیله بنی عبدالله بن دارم در سال ۱۲۵ ق متولد شد و او نیز موسیقیدان بزرگی بود و در بغداد می‌زیست. به احتمال قوی اسحاق فرزند وی در بغداد دیده به جهان گشوده و نشو و نما یافته است.<sup>۳</sup>

اسحاق دانشهای متداول آن روزگار را در بغداد فراگرفت. او حدیث و فقه را از مالک بن انس، سفیان بن عینه، هشیم بن بشیر و ابومعاویه ضریر و قرائت قرآن را از کسائی و ادبیات عرب را از ابوسعید اصمعی و ابوعبیده معمر بن مثنی و موسیقی و آواز را از منصور زلزل و عاتکه دختر شهده آموخت.<sup>۴</sup> او قطعاً از پدر خویش نیز که موسیقیدان بزرگی بوده، این فن را کسب کرده است. ابن ندیم اشاره کرده است که اسحاق موسیقی را از ابراهیم بن مهدی بن منصور عباسی نیز فراگرفته است،<sup>۵</sup> که بسیار بعید به نظر می‌رسد، زیرا یاقوت حموی اشاره می‌کند که ابراهیم بن مهدی عباسی با اسحاق دشمن بود و در مجلس هارون الرشید به اسحاق ایراد گرفت و به او توهین کرد. سپس هارون به ابراهیم هشدار داد که چون تو در این فن به اسحاق نمی‌رسی و او از تو آگاهتر است، به او کاری نداشته باش و درکار او دخالت نکن. این داستان را یاقوت به تفصیل نقل کرده و تصریح کرده است که اسحاق برتر از ابراهیم بن مهدی عباسی بوده است.<sup>۶</sup>

فرزندش حماد، استادش ابوسعید اصمعی، زبیر بن بکر، ابوعیناء محمد بن قاسم بن خلّاد، میمون بن هارون کاتب، علی بن یحیی منجم، ابوخلد یزید بن محمد مهلبی، حسین بن

این فن بی‌نظیر هستی؛ در حالی که در علوم دیگر افرادی هستند که نظیر تو هستند. اسحاق خندید و از مجلس بیرون رفت. پس از رفتن اسحاق، یحیی به عطوی گفت: تو به خوبی توانستی اسحاق را قانع کنی، اما به او ظلم کردی، زیرا هیچ‌کدام از اینان که در علوم مختلف برتر از اسحاق شمردی، از او برتر نیستند، بلکه وی از همه آنان داناتر است.<sup>۴</sup>

او دوست داشت با ادیبان، فقیهان و محدثان همنشین باشد. از این رو، از مأمون خواهش کرد که اجازه دهد وی با ادیبان، شاعران و راویان شعر در مجلس مأمون شرکت کند، نه با آوازه‌خوانان و موسیقیدانان، و مأمون به او اجازه داد. پس از مدتی بار دیگر خواهش کرد که اجازه دهد با فقیهان به مجلس وی وارد شود؛ این بار هم مأمون اجازه داد.<sup>۵</sup>

یاقوت نیز ضمن تأیید این مطالب، او را بسیار ستوده و نوشته است که اگر خواسته باشم او را توصیف کنم، از ایجاز نویسی، که هدف اصلی کتاب است، خارج می‌شوم و هر کس که در اخبار و تاریخ جست‌وجو کند و آثار گذشتگان را بررسی نماید، موقعیت علمی و گستره دانش وی را به خوبی درمی‌یابد و برایش روشن می‌شود که چیرگی وی در موسیقی کوچکترین دانشی است که وی در آن شهرت یافته است و اتفاقاً در همین فن است که بی‌نظیر و از همه کاملتر و داناتر است. او امام و پیشوای این فن به شمار می‌رود؛ در حالی که سخت کراهِت داشت که او را به این فن و صنعت و هنر نسبت دهند.<sup>۶</sup>

اسحاق در دستگاه چند تن از خلفای بنی‌عباس، ندیم بود و اجرای موسیقی دربار آنان را به عهده داشت. ابتدا در دستگاه هارون الرشید، سپس در دربار مأمون و پس از آن در نزد معتصم عباسی و همچنین الواثق بالله عباسی سمت مغنی را به عهده داشت و از ندیمان این چند خلیفه بود و از آنان جوایز بسیاری گرفت. خود او می‌گوید: در میان خلفای بنی‌عباس که من در دربار آنان به اجرای موسیقی پرداختم و با آنان مجالست داشتم، بیشتر از همه، الواثق به من عنایت داشت و عطا و کرمش به من

ابن ندیم در کتاب خود بارها از او مطالبی نقل و روایت کرده است.<sup>۱</sup> دیگران نیز در کتابهای خویش مطالب و روایات فراوانی نقل کرده‌اند. در رشته موسیقی نیز موسیقیدانان پس از وی بسیار از او استفاده و مطالب زیادی نقل کرده‌اند.<sup>۲</sup>

نوشته‌اند که اسحاق موصلی در فن موسیقی و آوازخوانی شهره و بی‌نظیر بود، اما دوست نداشت که او را مغنی بخوانند، و می‌گفت: اگر با تازیانه بر سر من بزنند، بیشتر دوست دارم تا این که به من مغنی بگویند. مأمون می‌گفت: اگر اسحاق در میان مردم و بر سر زبانها شهره به موسیقی و غنا نبود، او را به قضاوت دارالخلافه منصوب می‌کردم.<sup>۳</sup> داستان این نارضایتی اسحاق و کراهتش از انتساب وی به فن غنا و موسیقی را دیگران نیز اشاره کرده‌اند؛ از جمله نوشته‌اند: روزی اسحاق موصلی به مجلس یحیی بن اکثم وارد شد و در آن مجلس با متکلمان، فقیهان، شاعران و لغت‌شناسان مناظره کرد و همه را محکوم نمود و برتری خود را در این علوم و فنون به اثبات رساند. سپس به یحیی بن اکثم قاضی گفت: آیا در مناظرات من نقص و تقصیری دیدی؟ یحیی گفت: نه. اسحاق گفت: ای کاش مرا نیز چون آنان به یکی از این علوم منتسب می‌داشتند؛ چرا چنین نیست و مرا به موسیقی منتسب می‌کنند؟ یحیی بن اکثم به یکی از دانشمندان به نام عطوی که اهل جدل و کلام بود، روی نمود و گفت: تو به اسحاق جواب بده. عطوی روی به اسحاق کرد و پرسید: ای ابو محمد! اگر پیرسند که داناترین مردم به شعر و لغت کیست، آیا می‌گویند اسحاق موصلی، یا اصمعی و ابو عبیده؟ اسحاق گفت: بی‌شک می‌گویند اصمعی و ابو عبیده. باز پرسید اگر بگویند داناترین مردم در علم نحو کیست، آیا می‌گویند اسحاق، یا می‌گویند خلیل و سیبویه؟ اسحاق پاسخ داد: خلیل و سیبویه. سپس پرسید که اگر بگویند داناترین مردم در علم انساب کیست، آیا می‌گویند اسحاق، یا گفته می‌شود ابن کلبی، اسحاق پاسخ داد: می‌گویند ابن کلبی و بدین ترتیب دانشمندی را که در علوم مختلف شهره‌اند نام برد، تا رسید به این جا که اگر بگویند ماهرترین و چیره‌دست‌ترین کس به صنعت و فن موسیقی و آواز کیست، آیا جایز است که بگویند فلان و فلان از اسحاق موصلی داناتر و مهارتشان بیشتر است؟ اسحاق گفت: هرگز! پس عطوی گفت: به همین دلیل است تو را به فن موسیقی نسبت می‌دهند، زیرا در

۱. همان، ص ۴۵، ۴۵، ۱۰۸.

۲. الاغانی، ۲۴۸/۵ - ۴۳۵.

۳. تاریخ الاسلام، ص ۹۴.

۴. معجم الادباء، ۹/۶ - ۱۱.

۵. همان.

۶. همان، ۶ - ۷.

بیشتر از همه بود. وی در اواخر عمر، نابینا شد،<sup>۱</sup> و در ۸۵ سالگی در سال ۲۳۵ ق چشم از جهان فرو بست.<sup>۲</sup>

اسحاق موصلی آثار و تألیفات فراوانی در رشته موسیقی و فنون دیگر، از جمله لغت دارد، که بسیاری از آنها در نوع خود بی نظیرند. یاقوت حموی اسامی کتابهای وی را به این شرح آورده است: *أغانیه ألتی غتی فیها، اخبار عزة المیلاء، أغانی معبد، اخبار حماد عجرد، اخبار حنین الحیری، اخبار ذی الزئمة، اخبار طویس، اخبار المغنین المکین، اخبار سعید بن مسیح، اخبار دلال، اخبار محمد بن عائشة، اخبار الأبنجر، اخبار ابن صاحب الوضوء، الاختیار من الأغانی للوائق، اللّحظ و الاشارات، الشّراب، که در آن از عباس بن مَعْن و ابن جصاص و حماد بن میسره روایت کرده است، جواهر الکلام، الرقص و الزّفن، التعم و الايقاع، اخبار الهدلیّین، الرسالة الی علی بن هشام، قیاب الحجاز، النوادر المتخیره، الاخبار و النوادر، اخبار حسان، اخبار الاحوص، اخبار جمیل، اخبار کثیر، اخبار نصیب، اخبار عقیل بن علفة، اخبار ابن هرمة، الأغانی الکبیر.*<sup>۳</sup>

ابن ندیم درباره الأغانی الکبیر گفته است که خود اسحاق آن را دو کتاب دانسته: یکی که خودش تصنیف کرده بود و دیگری که برای او تصنیف کرده بودند. به گفته فرزندش، شخصی به نام سندی بن علی که وراق اسحاق بوده، دومی را تنظیم کرده و به نام اسحاق منتشر نموده است. برخی از دیگر آثار نیز که درباره آوازه خوانان است و به اسحاق نسبت داده اند، از ساخته های همین وراق است.<sup>۴</sup>

به گفته فواد سرگین، از کتاب الاغانی اسحاق موصلی حدود هفتاد بیت به ما رسیده است.<sup>۵</sup> و محمد. ا. عزیزی منتخبی از اشعار وی را از منابع مختلف گردآوری کرده و به نام دیوان اسحاق موصلی در بغداد (۱۹۷۰ م) منتشر نموده است.<sup>۶</sup>

کتاب دیگری که در این باره منتشر شده، اسحاق الموصلی، دیوان و دراسة و تحقیق نام دارد که ماجد بن احمد سامرایبی بغدادی آن را چاپ کرده است.<sup>۷</sup>

کتابهای النوادر المتخیره و الاخبار و النوادر که گویا این دو کتاب، یک کتاب باشند و نسخه ای از جلد آخر آن در یکی از کتابخانه های حلب در قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی وجود داشته است.<sup>۸</sup>

از دیگر آثار وی اکنون اطلاعی در دست نیست، ولی به صورت پراکنده، ابوالفرج اصفهانی، از برخی کتابهای وی

استفاده و مطالبی نقل کرده است.<sup>۹</sup>

اسحاق علاوه بر این که خود آثار فراوانی تألیف کرده بود، چون شیفته کتاب بود، آثار دیگران را نیز گرد آورده بود. ابوالعباس ثعلب گوید: اسحاق موصلی در منزل خود هزار جزء از لغات عرب را فراهم کرده بود که خود همه آنها را استماع کرده بود. سپس گوید: در منزل هیچ یک از دانشمندان، درباره لغت، کتبی بیشتر از آنچه در منزل اسحاق بود، ندیدم. پس از اسحاق، در منزل ابن اعرابی نیز کتب فراوانی در لغت دیدم.<sup>۱۰</sup> دیگران نیز به این موضوع اشاره کرده اند و نوشته اند که اسحاق موصلی از بزرگترین موسیقیدانان و لغت شناسان جهان اسلام بود که دارای هزار جزوه لغت شناسی بوده است و آنها را از طریق شیوخ خود استماع کرده بود.<sup>۱۱</sup> ظاهراً برخلاف آنچه گفته اند، این جزوه ها دستنوشته های خود وی بوده است.

درباره شیفتگی وی به کتاب، داستانی از اصمعی نقل شده است که نشان می دهد اسحاق به دلیل همین شیفتگی در بیشتر سفرهایی که می رفته، این آثار و کتابها را با خویش می برده است. اصمعی گوید: با هارون الرشید، خلیفه عباسی، به سفر رفتیم. اسحاق موصلی نیز همراه هارون بود. من از او پرسیدم که آیا چیزی از کتابهایت را همراه خود آورده ای؟ گفت: مقدار اندکی از آنها را آورده ام. پرسیدم چقدر؟ گفت: هیچده صندوق. من تعجب کردم و گفتم اگر هیچده صندوق مقدار اندکی از کتابهای توست، پس تعداد زیاد کتابهایت چقدر است؟ گفت: چندین برابر.<sup>۱۲</sup>

ابن عساکر و ذهبی هر دو این داستان را از خود اسحاق نقل کرده اند و نوشته اند: اسحاق گفته است: هنگامی که همراه

۱. معجم الادباء، ۱۲/۶ - ۲۷.

۲. الفهرست، ص ۱۵۷.

۳. معجم الادباء، ۵۵/۶ - ۵۶.

۴. الفهرست، ص ۱۵۸.

۵. تاریخ التراث العربی، ۳۲۱/۲/۲.

۶. همان، ۱۶۱/۴/۲.

۷. الاعلام، زرکلی، ۲۹۲/۱.

۸. تاریخ التراث العربی، ۱۴۱/۱/۲.

۹. الاغانی، ابوالفرج اصفهانی، فهرست.

۱۰. وفیات الاعیان، ۲۰۴/۱.

۱۱. کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی عرب در قرون وسطی، ص ۲۹۵.

۱۲. معجم الادباء، ۸/۶.

و ستوده است.<sup>۱۰</sup> ابن ندیم از او با عناوین نسب‌شناس، کریم، بخشنده و قاضی بغداد نام برده و نوشته است که وی سمت قضای قسمت شرقی بغداد را در زمان متوکل عباسی به عهده داشت.<sup>۱۱</sup>

خطیب بغدادی او را مردی صالح، متدین، دانا و آشنا به تاریخ و ایام الناس دانسته و اضافه کرده است که او دارای تاریخی نیکو بوده است.<sup>۱۲</sup>

نوشته‌اند که اسحاق بن ابراهیم مُصعبی، والی بغداد، به دستور مأمون، خلیفه عباسی، گروهی از عالمان، محدثان، فقیهان و قضات بغداد را در مجلسی گرد آورد، که از آن جمله می‌توان بشر بن ولید کندی، علی بن ابی مقاتل، احمد بن حنبل، قتیبه، علی بن جعد<sup>۴</sup>، فضل بن غانم، یحیی بن عبدالرحمان ریاشی و ابوحسان زیاد را نام برد. سپس نامه‌ای را که مأمون درباره خلق قرآن نوشته بود، دو بار برای آنان قرائت کرد و پس از آن از تک‌تک آنان پرسید که نظرشان درباره خلق قرآن و نامه مأمون چیست؟ برخی با مغالطه و بعضی با صراحت جواب می‌دادند، تا این‌که اسحاق بن ابراهیم، از ابوحسان زیاد پرسید که نظر تو در این باره چیست؟ وی جواب داد: قرآن کلام خداست و خدا خالق همه چیز است و مأمون امیر مؤمنان و امام

هارون الرشید به سوی رقه می‌رفتیم، اصمعی به من گفت: چقدر از کتابهایت را با خود آورده‌ای؟ گفتم: شانزده صندوق؛ تو چند صندوق از کتابهایت را همراه آورده‌ای؟ گفت: من تنها یک صندوق آورده‌ام.<sup>۱</sup>

برخی از مورخان نیز از کتابخانه مهم وی که حاوی کتابهای بسیار نادر و نفیس بوده خبر داده‌اند و از این کتابخانه به عنوان یکی از کتابخانه‌های مهم شخصی صدر اسلام نام برده‌اند.<sup>۲</sup>

## ۹. ابوحسان زیادی<sup>۳</sup> (۱۵۶-۲۴۳ ق / ۷۷۳-۸۵۷ م)

ابوحسان حسن بن عثمان بن حماد بن حسان بن عبدالرحمان بن یزید زیادی بغدادی، مورخ، محدث، ادیب، اخباری، نسب‌شناس و قاضی قسمت شرقی بغداد و مدینه المنصور است. علت اشتها وی به زیاد، برخلاف گمان بعضی که او را از فرزندان زیاد بن ابیه دانسته‌اند، این بود که نیای وی، ام‌ولدی را - که کنیز زیاد بن ابیه بود - به همسری برگزید.<sup>۴</sup>

تاریخ تولد وی را برخی ۱۶۰ ق نوشته‌اند<sup>۵</sup>، اما بیشتر مورخان سال ۱۵۶ ق را صحیح شمرده‌اند. گویا او در بغداد چشم به جهان گشوده و در همان‌جا نشو و نما یافته است، و برای فراگیری دانش به دمشق رفته و در آن‌جا از ولید بن مسلم، شعیب بن اسحاق، عمر بن عبدالواحد، عمر بن سعید، ولید بن محمد موقری، معروف بن عبدالله بن خیاط، هارون بن عمر دمشقی، محمد بن اسحاق بن بلال بن ابی‌الدرداء، سعید بن عینه، شعیب بن صفوان، ابن عینه، معتمر بن سلیمان، جریر بن عبدالحمید، حماد بن زید، وکیع بن جراح و ابو داود طیالسی، حدیث شنیده و روایت کرده است.<sup>۶</sup>

خطیب بغدادی اسامی تعدادی دیگر از اساتید وی را به این شرح معرفی کرده است: ابراهیم بن سعید، اسماعیل بن جعفر، هُشیم بن بشیر، اسماعیل بن علی، عباد بن عوام، یحیی بن زکریا بن ابی‌زائده، سعید بن زکریا مدائنی و محمد بن عمر واقدی<sup>۷</sup>، که گویا در بغداد از آنان حدیث شنیده است.

کسانی چون ابوالعباس کدیمی، اسحاق بن حسن حربی، احمد بن حسین صوفی، محمد بن محمد باغندی، سلیمان داوود بن کثیر طوسی<sup>۸</sup> و ابوبکر بن ابی‌الدنیا و جمعی دیگر از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.<sup>۹</sup>

ذهبی او را با عناوین علامه، حافظ و مورخ عصر نام برده

۱. تاریخ مدینه دمشق، ۱۴۷/۸-۱۴۸؛ تاریخ الاسلام، ص ۹۴.

۲. خزائن الکتب العربية فی الخلفین، ۷۱۴/۲.

۳. الحج والتعديل، ۲۵۳؛ تاریخ طبری، ۲۰۸/۹ به بعد؛ تاریخ بغداد، ۳۵۶/۷-۳۶۱؛ الاکمال، ابن ماکولا، ۲۱۲/۴-۲۱۳؛ الانساب، سمعانی، ۳۵۹/۶-۳۶۰؛ تهذیب تاریخ دمشق، ۱۹۱/۴ به بعد؛ الفهرست، ابن ندیم، ص ۱۲۳؛

اللباب، ابن اثیر، ۵۱۵/۱؛ الکامل، ابن اثیر، ۴۲۳/۶-۴۲۷؛ ۸۲/۷؛ معجم الادبای، ۱۸/۹-۲۴؛ العبر، ذهبی، ۴۳۷/۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۹۶/۱۱-۴۹۸؛

عیون التواریخ، کتبی، ۱۵۷/۶ (خطی)؛ مرآة الجنان، یافعی، ۱۳۴/۲-۱۳۵؛ الجواهر المضية، ۱۹۱/۱؛ البداية و النهاية، ۳۴۴/۱۰؛ الوافی بالوفیات، ۹۸/۱۲-۹۹؛

شذرات الذهب، ۱۰۰/۲؛ تاریخ التراث العربی، فؤاد سزگین، ۱۴۴/۲/۱ (۳۱۶/۱)؛ معجم المؤلفین، ۲۴۴/۳؛ خزانة الکتب القديمة فی العراق، ص ۱۹۷.

۴. سیر اعلام النبلاء، ۴۹۶/۱۱؛ الوافی بالوفیات، ۹۹/۱۲.

۵. سیر اعلام النبلاء، ۴۹۶/۱۱.

۶. معجم الادبای، ۱۹/۹.

۷. تاریخ بغداد، ۳۵۶/۷.

۸. همان.

۹. معجم الادبای، ۱۹/۹.

۱۰. سیر اعلام النبلاء، ۴۹۶/۱۱.

۱۱. الفهرست، ص ۱۲۳.

۱۲. تاریخ بغداد، ۳۵۸/۷.

به شصت سال می‌شود.<sup>۶</sup> ابن‌ماکولا نوشته است که زیادی تاریخی را براساس حوادث سالها نوشته است، با عنوان تاریخ علی‌السنین.<sup>۷</sup>

به احتمال زیاد، نام کتاب نباید به این صورت باشد، بلکه وی تاریخ خود را براساس حوادث اتفاق افتاده، به ترتیب سال، تنظیم کرده است؛ چنان‌که خطیب نیز از این تاریخ نام برده است.<sup>۸</sup> و سپس آن را تعریف و توصیف کرده و آن را تاریخی نیکو به‌شمار آورده است و این تاریخ یکی از مصادر مهم احمد بن ابی‌طاهر طیفور در نوشتن کتاب بغداد بوده است.<sup>۹</sup>

اثر دیگر او طبقات الشعراء است که گویا نسخه‌ای از آن در ضمن مجموعه‌ای در یکی از کتابخانه‌های حلب، در قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی وجود داشته است.<sup>۱۰</sup>

او دارای کتابخانه‌ای نفیس بوده و بسیاری از مورخان از این کتابخانه نام برده‌اند و آن را به خوبی و نفاست و داشتن کتابهای نادر و ارزشمند توصیف کرده‌اند و به کتابدوستی و شیفتگی وی اشاره کرده‌اند. همچنین گفته‌اند علاوه بر این‌که خود وی کتاب می‌نوشت، دیگران نیز برای او کتاب می‌نوشته‌اند و احتمالاً وراقانی و نساخانی داشته که آثار دیگران را برای او استنساخ می‌کرده‌اند و بر غنای کتابخانه او می‌افزوده‌اند. ابن‌ندیم نخستین کسی است که از کتابخانه وی نام برده، و آن را به نفاست و بزرگی ستوده است.<sup>۱۱</sup> یاقوت و صفدی نیز این کتابخانه را توصیف کرده‌اند.<sup>۱۲</sup>

ماست و خداوند امور ما را در دست مأمون قرار داده است، و اگر امر کند می‌پذیریم و ما را از هر چیزی که بازدارد، گردن می‌نهمیم. اسحاق بار دیگر پرسید: آیا قرآن مخلوق است؟ ابوحنسان دوباره همان جواب را تکرار کرد. اسحاق گفت: این سخن امیرالمؤمنین مأمون است؟! ابوحنسان پاسخ داد که ممکن است چنین باشد، ولی وی مردم را به اعتقاد به این سخن امر نکرده است. و اگر تو بگویی که امیرالمؤمنین مرا امر کرده است که بگویم قرآن مخلوق است، من در جواب می‌گویم که او هرگز مرا به این مطلب امر نکرده است. اسحاق گفت: به من امر نکرده است که به تو چیزی بگویم. ابوحنسان گفت: من از امیرالمؤمنین مأمون اطاعت می‌کنم و فرمانبردار دستورهای او هستم.<sup>۱</sup> و بدین‌سان از جواب صریح خودداری کرد.

اسحاق حربی، شاگرد وی، می‌گوید: از ابوحنسان شنیدم که می‌گفت: خداوند را در عالم رؤیا دیدم که به‌سان نوری بزرگ و درخشان بود، و من نمی‌توانم آن را توصیف کنم. در میان آن نور مردی را دیدم که خیال می‌کنم پیامبر اسلام (ص) بود و مردی از امت خویش را در پیشگاه خداوند شفاعت می‌کرد. شنیدم کسی می‌گفت: آیا تو را کفایت نمی‌کند آنچه را برای تو نازل کردم در سوره رعد، آیه ۶: «وَأَنْ رَبِّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلٰی ظُلْمِهِمْ»، و ناگهان بیدار شدم.<sup>۲</sup>

او در سال ۲۴۱ ق به قضاوت منصوب شد و در دوره قضاوت او بود که متوکل وی را مأمور کرد تا عیسی بن جعفر بن محمد بن عاصم و یا احمد بن محمد بن عاصم را جلب کند، و پس از محاکمه وی، او را در ملأعام هزار تازیانه بزند، زیرا جاسوسان متوکل خیر داده بودند که این شخص ابوبکر و عمر را دشنام داده است و منکر این اتهام هم نشده و توبه نکرده است. ابوحنسان زیادی دستور داد وی را حاضر ساخته و پس از این‌که او را هزار تازیانه زدند، رهایش کردند تا مُرد. سپس جنازه وی را به دجله افکندند.<sup>۳</sup>

وی در ماه رجب سال ۲۴۲ یا ۲۴۳ چشم از جهان فرو بست؛ در حالی که هنوز مقام قضاوت مدینه المنصور یا شرق بغداد را به عهده داشت.<sup>۴</sup>

عروة بن الزبیر، طبقات الشعراء، الالباء و الامهات از تألیفات اوست.<sup>۵</sup> سلیمان طوسی یکی دیگر از شاگردان وی نقل کرده که از ابوحنسان شنیدم که می‌گفت: من تاریخی را نوشته‌ام که مربوط

۱. معجم الادباء، ۲۱/۹-۲۴؛ الوافی بالوفیات، ۹۹/۱۲.
۲. تاریخ بغداد، ۳۵۷/۷-۳۵۸؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۹۷/۱۱.
۳. تاریخ بغداد، ۳۵۷/۷.
۴. همان، ۳۶۰-۳۶۱.
۵. معجم الادباء، ۱۸/۹-۱۹.
۶. سیر اعلام النبلاء، ۴۹۷/۱۱.
۷. الاکمال، ۲۱۳/۴.
۸. تاریخ بغداد، ۳۵۷/۷.
۹. تاریخ التراث العربی، ۱۴۴/۲/۱.
۱۰. همان، ۱۵۱/۱/۲.
۱۱. الفهرست، ص ۱۲۳.
۱۲. معجم الادباء، ۱۸/۹؛ الوافی بالوفیات، ۹۸/۱۲.

لنگ‌لنگان و افتان و خیزان - اشارات و کنایاتی داریم که پُر فایده‌اند؛ اگر از عهده این قلم برآیند.

نخست اینکه، نویسندگی در عداد امور فرهنگی و در شمار برنامه‌های انسان‌های فرهیخته است. این، مهم است؛ زیرا اگر دانستیم و اقرار دادیم که نوشتن، فعالیتی فرهنگی است، باید به همه لوازم آن پایبند باشیم، و سلامت و ضمانت آن را عهده‌دار. دیگر آنکه، به عقیده راقم سطور، ضرورت ذوقمندی و ذائقه نیکو داشتن در امر نویسندگی، چون روح برای کالبد است؛ یعنی نوشته عاری از ذوق، و تألیف و تصنیف بی ذوق و سلیقه، مرده‌ای را ماند که اگر بی دست و پا و سر و گردن نیست، جنبشی هم اما ندارد، و به گورکن، سپردن را بیشتر زبید تا به دست ناشر. منطقه ذوق و جغرافیای فرهنگ با چنین نوشته‌هایی - که با هزار تأسف، شمار آنها اندک هم نیست - چنین سخنی دارد:

تبه شدی و مُردنی،

به گورکن سپردنی.<sup>۱</sup>

انتخاب این دو خصیصه مهم و اساسی در امر نویسندگی، برای بازگویی در این نوشتار، از سر تفنن و زیاده‌گویی و خدای ناکرده «عرض هنر پیش یار»<sup>۲</sup> نبوده است. انگیزه نگارنده در انتخاب این دو عضو برای معاینه و احیاناً معالجه، بیشتر به وضعیت نویسندگی در حوزه باز می‌گردد. زیرا حداقل، این نوشتار، خود باید به آنچه می‌گوید، پایبندی نشان دهد و ذوقمندان، آنچه را که باید و شاید گوید و نویسد؛ که اگر جز این باشد، این نیز تبه شده است و مردنی، و به گورکن سپردنی.

### ۱. فرهنگ نویسندگی

حتم داریم که نویسندگی از مقوله صنعت، تجارت، معماری، تکنولوژی، سخت‌افزاری، سیاست، ملکداری و هنرهای دستی

\* هیچ‌گونه تصرف ویرایشی در مقاله استاد بابایی صورت نگرفته است.

۱. از مهدی اخوان ثالث.

۲. اگر چه عرض هنر، پیش یار بی ادبی است

زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی است

(حافظ)

## نویسندگی در حوزه\*

رضا بابایی

### بخش دوم

نویسندگی، برای بعضی حرفه است؛ برخی آن را تفنناً به کار می‌گیرند و برای بسیاری از عالمان و صاحب‌نظران، وسیله‌ای کارآمد و ابزاری بی‌جان‌شین است. در میان حوزویان، نویسندگی - بیشتر - در شمار ابزارهای پیام‌رسانی می‌نشیند و به مناسبت نوع و شکل پیام‌رسانی در حوزه، قلم، وظایف بسیاری را باید به دوش کشد؛ وظایفی که در میدانهای دیگر، صدا، تصویر، تجسم، موسیقی، معاینه، میتینگ و ... برعهده دارند. پس می‌توان گفت: قلم بر روی کاغذ چرخاندن، عاشقانه‌ترین سماع عالمان دین در خانقاه عقلانیت و بازار حکمت و دانش و تبلیغ است. اما صاحب این قلم که خود نزدیک به دو دهه، ریزه‌خوار حوزه صادق (ع) و خوان باقر (ع) است، چند و چونی را در کار نویسندگی اندیشیده است که آویختن آنها را برگردن بیان، چندان نازیبا و نابرازانده نمی‌بیند؛ هرچند عرض خود بردن و زحمت دیگران داشتن را، نیز سخت نگران است.

نویسندگی، اگر به انسان مانند شود، سر و پا و دست و گردن و امعا و احشایی دارد که بی‌هریک از آنها ناقص الخلقه و ناکارا و ناپایاست. در این نوبت، به دو جزء رئیسی و دو عضو از نوع گردن - نه از قبیل دست و پا که بی آنها هم می‌توان در مسیر زندگی خرامید و به میوه‌های آن دست یازید؛ هر چند

تفرّج کردن است؛ نه کارزاری که گریختنی است. خود را نه در مصاف، که در صفا و صمیمیت می‌پندارد، و نمی‌نویسد مگر برای آنکه راهی بگشاید، دستی بگیرد، سری را به سامان رساند و دلی را بنوازد. طبیعت فرهنگ و هنر، دوستی و مداراست، نه جنگ و دعوا.

از آن مهمتر اینکه نویسنده فرهیخته، در نوشته‌های خود این دعوی را نشان نمی‌دهد - نمی‌نمایاند؛ نه اینکه باور ندارد - که حق محض و حقانیت مطلق است؛ بلکه بر سیل مجادله، برهان می‌آورد و در مماشات، مشی می‌کند. اشتلم کردن و قلدرمآبانه سخن گفتن، برازنده قلم‌هایی است که عقده محرومیت از حقیقت، گلوی آنها را می‌فشارد، و بیم آن دارند که در مسیر مماشات، رنگ بازند و آب به جوی دشمن ریزند. از یاد نبرده‌ایم که ما همه در مصاف با اندیشه‌های رنگارنگیم، ولی از این باور هم نمی‌توان دست کشید که اندیشه‌های رنگین را فقط با بهانه‌های شیرین می‌توان از پای درآورد. ممکن است چنین نباشد، اما نویسنده مذهبی به سائقه ایمان و تعهدش، باید به خود و قلم نازک‌کارش علی‌الدوام تلقین کند که مخاطبان و خوانندگان وی، همه شوریده‌سر و گریزپای‌اند، و نوشته‌های او، همان یاران و حریفان وی‌اند که او آنان را برای بازگرداندن صنم‌گریزپای خود روانه کرده است؛

بروید ای حریفان بکشید یار ما را  
به من آورید آخر صنم‌گریزپا را  
به ترانه‌های شیرین، به ترانه‌های رنگین  
بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را<sup>۱</sup>

این ضرورت از آنجاشی می‌شود که سخن مخالف و یا احیاناً معاند، چون انگین به کام و ذائقه مردمان، گاه خوش می‌آید. همین شیرینی‌های به ظاهر نه چندان جدی است که گروه گروه از جوانان و خوانندگان معمولی را به خود می‌کشد و چون در کام آنان فرو می‌ریزد، سم مهلک را می‌ماند که درون‌ها را

۱. در زلف چون کمندش ای دل مپیچ کانجا

سرها بریده بینی، بی جرم و بی جنایت  
(حافظ)

۲. مولانا جلال‌الدین رومی بلخی، دیوان شمس، تصحیح فروزانفر،  
ج ۱، ص ۱۰۵.

و مانند آنها نیست؛ اگرچه با هر یک از این گروه، تعاملی ظریف و ناگزیر دارد. مثلاً رابطه نویسندگی با سیاست و نظریه پردازی در مباحث علمی و عقلی، رابطه مشروع شانه و زلف است. این دو (شانه و زلف) گرچه به کار هم می‌آیند و هر یک برای دیگری است، اما از دو جنس و دو آفرینش‌اند، و از همه مهمتر اینکه سازنده شانه، نتواند دست صنعت به گیسو برد و شأن آفریننده زلف را با دندان‌های شانه چه کار؟ اما زلف سخن را نیاز به شانه چنان است که بی آن، آشفته‌زار مزرعه تاریکی است، و سرهای بریده خوانندگان، در آن بی جرم و جنایت، آونگان است.<sup>۱</sup>

کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب

تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

نمی‌توان با حافظ هم عقیده نبود، که از رخ اندیشه نقاب گشودن، پس از شانه قلم بر سر زلف سخن کشیدن است. جای حیرت و شگفتی است که شش قرن پیش از این، آنگاه که نوشتن و قلم و نشر و کتاب و رساله نمی‌توانست اهمیت امروزی را داشته باشد، حافظ پرده‌برداری از جمال دلربای اندیشه را به سرانگشت قلم، ممکن و مبارک دانسته است. و جای تأسف و تحسّر است که خَلف مردان اندیشه‌های دینی او، هنوز، کمتر از وی به چنین ضرورتی، اقرار می‌دهند، و گردن می‌گذارند.

اگر نویسندگی و اهل قلم و کاغذ بودن، کاری است فرهنگی، لوازم و بایسته‌های کار فرهنگی را نیز باید دارا باشد. در یک فعالیت فرهنگی، با هر سمت و سو، و به هر رنگ و بو، باید مؤلفه‌های زیر را تن داد و دست تسلیم بالا برد.

یک نگاه فرهنگی: به مقولات علمی، کاربردی و هر موضوع دیگری که مدار و محور نوشتار است، باید فرهنگ‌مآبانه نگریست. فرهنگی دیدن و فرهیخته بودن در حین بحث و نظر، قلم را نرم‌نرمک می‌چرخاند و تند و تیز دلها را می‌شکافد. نویسنده، باید همیشه این تصور را در خود زنده نگاه دارد که یک فرهنگی، بیش و پیش از همه فرهنگ‌پرور و فرهنگ‌دوست است. این تصورات مبارک، وی را به تصدیقات مبارک‌تری نیز رهنمون می‌شوند. مثلاً بنای اولیه خود را بر مدارا و مهربانی می‌گذارد؛ الا ما خَرَجَ بالدلیل. رنگ و بوی نوشته‌هایش، فضای باغچه‌ای را در نظر می‌آورد که



نخست رحمة للعالمین است، یاد آور می‌شود که نرمخویی او با مؤمنان، پرتوی از رحمت الهی است؛ یعنی رحمت الهی است که تو را با مردم چنین نرم و مهربان کرده است، و اگر نبود چنین اطراف خود را از مردم خالی می‌دید.

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا  
الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ  
لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ  
عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ<sup>۱</sup>

پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن. و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

دو) زبان فرهنگی و لحن عالمانه و بیان تر و تازه در عرضه مطالب: یک آفریده فرهنگی، نخست از نگاه فرهنگی به قضایا می‌تراود و پس از آن به زبان فرهنگی، زمانه را درمی‌نوردد. زبان فرهنگی، مانند نگاه فرهنگی، مهربان و دوستانه است. از سر حقیقت‌جویی و شفقت‌گری، می‌چرخد. دست و دل فرهنگ‌دوستان فرهنگ‌نگار، به کاری جز نرم‌دلی و شیرین‌زبانی نمی‌رود. زبان فرهنگی، خشک و بی‌روح نیست. در او پروراندن مباحث، در دامان لطایف و ظرایف بسیار، صورت می‌بندد. زبان و قلم فرهنگی، خود را به ناسزا و ناروانی آلاید و حریم آن، سرشار از کلمات پاکیزه و باطراوت است. حرمت نهادن به هر فکر و اندیشه‌ای، پیشانی

می‌سوزاند و بیرون را تهدید به تسخیر می‌کند. آنگاه باید چون مولانا ناامیدانه بر سر دوستان خود فریاد کشید و نهیب زد و گفت:

چند گویم من تو را کین انگبین  
زهر قتال است از آن دوری گزین<sup>۱</sup>

این خصیصه فرهنگی، نمایی روشن از فرمان ایزد بی‌همتا است که فرمود:

أدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ  
وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ  
ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ<sup>۲</sup>

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای. در حقیقت، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده، داناتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است.

نگاه فرهنگی داشتن، یک معنای دیگر نیز دارد و آن التزام به لوازم کارهای علمی است؛ از قبیل شعار ندادن و موضوع را با اهمیت شمردن و مخالف را هوشمند پنداشتن و مباحث را سرسری نگرفتن. اساساً در مقوله فرهنگ، نیش و کنایه، اگر اساس نوشتار شود و مهار قلم را به دست گیرد، بی‌فرهنگی است؛ خصوصاً اگر به شیوه‌عاری از هنر و زیرکی صورت گیرد. خانواده فرهنگی که نویسندگان از اعضای بالغ آنند، نوشته خود را به قتلگاه تبدیل نمی‌کند، و اگر چنین کند، تیغ‌هایش همه پنبه‌ای است؛ یعنی به اصطلاح سر را با پنبه می‌برند، نه با شیشه شکسته نوشابه! این درس ملیح، از این آیه فصیح، آموختنی است:

إِذْ هَبْتَ أَنْتَ وَأَخْرُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنبِيأ فِي ذِكْرِي  
إِذْ هَبْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ أَنَّهُ طَغَى فَقُولَا قَوْلًا لَيْتِنَا لَعَلَّهُ  
يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى<sup>۳</sup>

تو و برادرت معجزه‌های مرا [برای مردم] ببرید و در یاد کردن من سستی مکنید. به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته است و با او به نرمی سخن گویند، شاید که بپذیرد یا بترسد.

خداوند در جایی دیگر از قرآن نیز پیامبر خود را که از

۱. مثنوی معنوی، چاپ رضوانی (کلاله خاور) ص ۳۵۵، س ۳۱.

۲. نحل/ ۱۵. ترجمه از آقای فولادوند.

۳. طه/ ۴۵-۴۲. ترجمه از آقای فولادوند.

۴. آل‌عمران/ ۱۵۸. ترجمه از آقای فولادوند. آیاتی که همین مضمون یا شبیه آن را در خود پرورانده باشند، در قرآن بسیار یافت می‌شوند؛ از جمله: توبه/ ۱۲۸؛ فتح/ ۲۹؛ قلم/ ۴.

در جوامع روایی نیز از پیامبر (ص) نقل شده است که فرموده‌اند: ان الله أمرني بمداواة الناس كما أمرني باقامة الفرائض؛ خداوند مرا به مدارا با مردم امر فرموده است، همان‌گونه که به اقامة فرائض فرمان داده است.

نهج البلاغه، باغستانی حرّم از این دست لطایف است. سیاسی‌ترین موضوعات عصر آن امیر ایمان و بیان، در شیواترین و ادیبانه‌ترین قوالب سخن، بیان شده است. اینک دو سطر از سومین خطبه نهج البلاغه که به خطبه ششقیه نامبردار است، تبرکاً و تبرّجاً، به شاهی آورده می‌شود.

أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فَلَانٌ وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي  
مِنْهَا مَحَلُّ الْقَطْبِ مِنَ الرَّحَى. يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ  
وَلَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ؛

هان! به خدا سوگند جامه خلافت را درپوشید و می‌دانست خلافت جز مرا نشاید، که آسیاسنگ تنها گردد استوانه به گردش درآید. کوه بلند را مانم که سیلاب از ستیغ من ریزان است، و مرغ از پریدن به قلّه‌ام گریزان.<sup>۱</sup>

تشبیه خلافت به جامه غصبی و خودداری از ذکر نام غاصب و تشبیه خود به قطب آسیاب و قلّه کوه و ... نه از بایسته‌های سیاست که از شایسته‌های سخن ادیبانه گفتن است.

خواننده نهج البلاغه، در عین آنکه خود را غرق در حکمت و اندرز می‌بیند، کام و ذائقه‌اش همیشه شیرین و یانمکین است. کمتر عبارت بلند و یا کوتاهی را می‌توان در سخن امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) نشان داد که در آن ملاحظت و یا حلاوتی نباشد، و هرچه موضوع مهمتر می‌شود، نهج البلاغه بر نمک و شیرینی خود می‌افزاید. این یک دانه از آن خرمن انبوه است:

إِذَا أَمَلَقْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ؛<sup>۲</sup>

چون تنگدست شدید، به صدقه دادن با خدا سودا کنید.

همه می‌دانند که برای تجارت، باید سرمایه خود را به کار انداخت؛ اما اگر تجارت با خدا، باید از همان سرمایه اندک خود نیز گذشت. و چون این، کاری است غیر معمول، نتیجه آن نیز از نوع حاصل تجارت‌های معمولی نیست.

در زبان فرهنگی، همه حرمت دارند، حتی آنان که جانب

این زبان است و فرهنگی نوشتن، بر نمی‌تابد که از نخست خط و نشان کشد. در این‌گونه نوشته‌ها، خواننده شأن داوری را پیدا می‌کند که جز به مدارک و اسناد نمی‌نگرد، و تحت تأثیر جوسازی‌های ارباب‌کننده قرار نمی‌گیرد. کسی که فرهنگی می‌نویسد، یعنی در رگ‌های قلم او خون فرهنگ در جریان است، برای خواننده خود چنان شأن و احترامی قائل است که او را بی‌نیاز از چرخاندن چوب بیم و تهدید و تحمیق می‌داند.

به شیرین‌زبانی توان بُرد گوی  
که پیوسته تلخی بَرَد تندروی  
تو شیرین‌زبانی ز سعدی بگیر  
تُرُش‌روی را گو به تلخی بمیر!

این زبان هم مانند هر زبان دیگری، برای خود بلوغ و نارسایی و پختگی و خامی دارد. بلوغ و پختگی آن، هنگامی است که نویسنده، فراتر از موضوع نوشتار خود، معلومات و دانستی‌هایی را در خود گرد آورده باشد. مطلب و موضوعی که در یک نوشتار پخته و بالغ می‌پرورد، آرایه‌های بسیار باید به خود بسته باشد. از شعر و نکته‌سنجی‌های ادیبانه بگیرد تا اطلاعات تاریخی و لطایف حکمی. نوشتن، طریقه ویژه خود را دارد و یک نوشته فرهنگی پسند، باید که آکنده از نکات بدیع و دلکش باشد. سخن، هر قدر که محققانه و عالمانه باشد، باز بی‌نیاز از آراستن‌های صوری و لفظی و معنایی نیست. در زبان فرهنگی، حتی اگر سخن از مرگ و معاد باشد، باز فضای مقال، شاداب و خندان است. حوصله و ذائقه مردم روزگار ما می‌طلبد که هر غذایی را چاشنی و نمکی باشد. بی‌ادویه و مخلقات سفره، مقوی‌ترین غذاها، خوش نمی‌گوارد. این قلم هیچ منع شرعی و یا اجتناب عرفی نمی‌بیند که نویسنده‌ای در پروراندن جدی‌ترین مطالب دینی، سخن خود را به شوخ‌طبعی‌های عالمانه بیاراید و به تعبیر پیشینیان ما هرگاه و هر جا از مطایبه غفلت نکند. حلاوت و زیبایی قرآن، آنجاکه به کافران مژده دوزخ می‌دهد، دیدنی و بلکه بلعیدنی است. تعبیرهایی مانند و بَشْرُهُمْ بِعَذَابِ عَلِيمٍ (آنان را به عذاب سخت، مژده ده) جز آنکه پاره‌ای توجیه‌های تفسیری دارد و چندی استظهارهای علمی را فریاد می‌آورد، نوعی مطایبت و سخن از سر لطافت و ظرافت گفتن نیز هست.

۱. سعدی، بوستان.

۲. ترجمه از استاد سید جعفر شهیدی.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۸. ترجمه استاد شهیدی.

حرمت دیگران را نگاه نمی‌دارند. در زبان فرهنگی، قلم آسوده می‌چرخد و آلوده به ناسزاگویی‌های غیرتمندانه! نمی‌گردد. غیرت دینی و حمیت فرهنگی، سرمایه‌های خجسته فکر فرهنگی است، اما این بدان معنا نیست که رگ‌ها را متورم کرد و چشم‌ها را گرد و خشمناک. به قول سعدی:

دلایل قوی باید و معنوی

نه رگ‌های گردن به حجت قوی

خلاصه آن که معنا و محتوا، همه کار نیست، بلکه هزار نکته باید تا سخنی مقبول طبع مردم صاحب‌نظر افتد.

بس نکته غیر حُسن بیاید که تا کسی

مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود

زبان فرهنگی، همه‌سونگر، متنوع، باطراوت و به هر ذائقه‌ای شیرین است. در اثبات و به کرسی نشاندن ایده یا فرضیه‌ای، به همه آنچه نزد خواننده اعتبار و مقبولیت دارد، چنگ می‌زند. از همه جذابیت‌های نوشتاری سود می‌برد و دست‌کم بخش عمده‌ای از آنها را به کار می‌گیرد. صمیمیت و تواضع که از نگاه فرهنگی می‌تراوید، در قلم فرهنگی، نمودهای لفظی و معنایی می‌یابد. در چنین نوشتارهایی، نویسنده خود را امدار و خادم خواننده می‌داند و می‌کوشد که او را مهربانانه با خود همراه کند. مثلاً اگر نویسنده‌ای خواست، جسمانیت معاد را برای خواننده خود، ثابت کند، آیا پی‌درپی آوردن براهین عقلی و نقلی کافی است. این رویه، ممکن است آگاهی‌بخش باشد، اما آیا تأثیرگذار نیز هست؟ شما به عنوان یک خواننده معمولی یا حرفه‌ای کدام یک از دو عبارت زیر را می‌پسندید و کدامین با دل شما، ارتباط صمیمی و تأثیرگذار برقرار می‌کند؟

الف) معاد جسمانی، در دین اسلام آنچنان اهمیت و جایگاهی دارد که انکار آن مساوی و مساوق با کفر است.

ب) اگر معاد جسمانی را نتوانیم در باور خود بگنجانیم، باور ما از بخش عمده‌ای از معارف اسلامی، محروم و تهی خواهد شد.

گزاره ب، صراحت و تیزی جمله الف را ندارد، اما به دلایلی چند فضیلت‌های آن بیش از جمله الف است:

اولاً جمله ب سخن را به نتوانستن می‌کشاند، نه نخواستن. و این خود القای این نکته روان‌شناختی است که همه

می‌خواهیم، ولی شاید نتوانیم اثبات و یا باور کنیم. نویسنده با چنین القایی به خواننده حق داده است که در این موضوع به مشکل برخوردده است. زیرا بحث معاد جسمانی، از مباحثی است که به راحتی نمی‌توان از اثبات عقلی - نه نقلی - آن آسود. این‌گونه سخن گفتن به خواننده اطمینان می‌دهد که نویسنده مشکل او را دریافته است و به اصطلاح درد او را می‌داند. بدیهی است که چنین خواننده‌ای از چنان نویسنده‌ای اثرپذیرتر است. زیرا حس همدردی بر نویسنده و خواننده سایه انداخته است.

ثانیاً آغاز جمله با «اگر» شائبه اتهام و تکفیر را جای خود می‌نشانند. زیرا همه چیز معلق و آویخته شده است. حال آنکه عبارت الف، به صراحت سخن از انکار و قهر اکفر به میان می‌آورد.

ثالثاً تکفیر و اعلام کفر دیگران، مؤنه بسیار دارد و با توجه به سوابق و لواحق تکفیر، این طریقه اسلام‌گستری، چندان خوشایند و ضروری و تنها راه نیست. گذشته از همه اینها، در یک بحث علمی شاید نیاز چندانی به یادآوری احکام شداد و غلاظت فقهی نباشد؛ مگر در جای خود.<sup>۱</sup> بنابراین عبارت ب توانسته است با ذکر همان حکم شرعی، سخنی از تکفیر و انکار به میان نیاورد و از این دو لبه تیز اعتقادات دینی، پرهیز کند. اما اگر به دقت بنگریم، محرومیت و تهی شدن از بخش عمده‌ای از معارف دینی، معنایی جز کفر و الحاد و انکار ندارد.

رابعاً تعبیر محرومیت ما و تهی شدن ما، آنچنان نرم و ظریف است که تیزی‌های بحث را صیقل داده، دلسوزانه خواننده را به چنین اعتقاد سرنوشت‌سازی دعوت می‌کند.

به هر روی زبان فرهنگی، در مقام تبلیغ عالمانه، مهربانانه و مشفقانه دین است، و این همان زبانی است که اینک برداری بلند و گوش‌هایی شنوا دارد.

سه) شاکله فرهنگی: از دیگر لوازم یک کار فرهنگی توجه به شاکله و شمایل مناسب برای آن است. شاکله فرهنگی، یعنی هیأت ظاهری و عناصر رونمای اثر. در اینجا فرهنگی، مقابل

۱. نگارنده می‌داند که عقیده به معاد جسمانی از اهم اعتقادات اسلامی است و مانند هر مسلمان دیگری بدان سخت پایبند و معتقد است. لیکن سخن در نحوه بیان اهمیت این اصل دینی و زمینه‌سازی برای اعلام حکم فقهی آن است.

ناهنجاری خزیده باشد، باور نتوانند کرد که نویسنده‌ای چنین خوش ذوق و باسلیقه، سخنی ناروا و نامقبول گوید. هرچند این معادله، فراگیر و صدق کلی ندارد، اما با عادات و باورهای ناخود آگاه مردم، چه می‌توان کرد؟  
درست است که:

صورتِ زیبا نمی‌آید به کار

سیرت زیبا اگر داری بیار<sup>۳</sup>

اما این نیز حقیقتی است که:

آن را که دل از عشق پر آتش باشد

هر قصه که گوید همه دلکش باشد<sup>۴</sup>

حال که بی‌سیرتانی زیباروی، چنین فرصت و اقبالی دارند، چرا نیک‌سیرتان، خویش را نیارایند؟ و چشم و ابروی معنا را به مشاطه‌حُسن، زیور ندهند؟

در طلیعه نوشتار حاضر، گفتیم که نویسندگی کاری است فرهنگی اولاً، و نیاز به ذوق و ذائقه‌پروری دارد ثانیاً، اینک به همین مقدار دست و پا شکسته، خود را از توضیح فرهنگی بودن امر نویسندگی فراغت می‌دهیم و امید می‌بریم که در نوبت آینده، آثار بی‌بدیل ذوق و ذوقمندی را در نوشتن بررسییم. و این چند بیت زیبا را از مخزن الاسرار نظامی به حُسنِ مطلعی، بنویسید:

خطُ هر اندیشه که پیوسته‌اند

بر پر مرغانِ سخن بسته‌اند

پرده‌ رازی که سخن‌پروری است

سایه‌ای از پرده پیغمبری است

بی‌سخن آوازه‌ عالم نبود

این همه گفتند و سخن کم نبود

نکته نگه‌دار، بسین چون بُود

نکته که سنجیده و موزون بُود

صدرنشین تر ز سخن، نیست کس

دولت این مُلک، سخن راست بس<sup>۵</sup>

کهنگی و سنت‌گرایی افراطی می‌ایستد. استفاده از همه ابزارهای نوین و امروزی در نوشتار، شرط توفیق‌مندی نویسنده است. ابزارهای نوین فرهنگی، علائم و نشانه‌های سجاوندی را تا عناوین فصول و بخشهای نوشته را شامل می‌شود. نام اثر، نام فصل، طریقه آغاز، رعایت ایجاز و پرهیز از اطناب، استفاده از نشانه‌ها، قطع و وصل‌های فنی، التزام به شیوه صحیح و جدید در املا فارسی، کلمات نو و خوش‌نوا و اگر در توان نویسنده بود، آهنگین نوشتن، همه از لوازم و شکل‌دهنده کار خوب فرهنگی است. شاید بتوان بلند و قاطع گفت که موسیقی در عبارات، بیش از نیمی از اثرگذاری آنها را تضمین می‌کند. بنگرید به این دو پیشکش‌نامه:

الف) تقدیم به منتظران واقعی حضرت ولی عصر (عج) که عمر خود را به انتظار گذرانند.

ب) پیشکش به آنان که با آرزو زیستند، و از درس انتظار، یک جمعه غیبت نکردند.<sup>۱</sup>

حداقل امتیاز دومین بر اولی، آهنگ و موسیقی آن است؛ گو اینکه در عبارت ب، به طرزی ادیبانه و بدیع و ایهام‌دار، کلمات انتظار، جمعه و غیبت و آرزو، کنار هم نشسته‌اند.

در شا کله نوشته‌های مؤثر، استفاده از کلمات نو - اما نسبتاً متداول - و پرهیز از الفاظ مندرس - هر چند متداول - شرط راه است. اینها، و صد نکته باریک‌تر از آنها، نمای نوشته را آنچنان براق و آراسته می‌کنند که هر چشمی را به دیدار خود می‌خواند و هر دلی را به دلدادگی، شوقناک می‌سازد.

شکل و شمایل یک نوشته، باید صورت زیبایی را فریاد خواننده بیاورد که سیرت زیبا را نیز در پس آینه صورت دارد. اقبال و رغبت انسان‌ها به زیبایی و ملاحظت، محدود به برخی از جلوه‌های آن دو نمی‌شود. بلکه هر جا که میان اجزای یک ترکیب، موزونی و توازن و زیبایی افتد، دل می‌رُاید و سودن سرها را به آستان خود اجازت می‌فرماید.

چو در لفظ است، گویندش فصاحت

چو در شخص است، گویندش ملاحظت<sup>۲</sup>

از این جهت، نوشتار خوش ترکیب و خوش تراش، مانند صورت زیبا، در دل‌ها کشش و رغبت می‌افزاید. مردم، همان‌گونه که باور نمی‌کنند در زیر این صورت موزون، سیرت

۱. نگارنده، کتاب نده‌های دلنگی خود را با همین پیشکش نامه آغازیده است.

۲. شیخ محمود شبستری، گلشن راز.

۳. سعدی، بوستان.

۴. مولانا، مثنوی.

۵. نظامی، مخزن الاسرار، در فضیلت سخن.

# نقد شیخ آقا بزرگ تهرانی بر کشف الحجب والاستار

به اهتمام سید حسن فاطمی

آنچه گذشت، نمونه‌ای از تجلیهای شیخ آقا بزرگ از سید اعجاز حسین (۱۲۴۰ - ۱۲۸۶ ق) و خاندان اوست. سید اعجاز حسین آثار ارزنده متعددی از خود به جای گذارد که هر کدام از ارزش علمی بالایی برخوردارند؛ از جمله کشف الحجب و الاستار عن احوال الکتب و الاسفار،<sup>۲</sup> شذور العقیان، القول السدید، شرح حال میرزا محمد دهلوی، استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام، مناظره با مولوی محمدجان لاهوری.

در میان آثار سید اعجاز حسین، کشف الحجب از شهرت و جایگاه خاصی برخوردار است و منبع تحقیق آثار فراوانی چون الذریعه است. وی در این کتاب فهرست آثار شیعه را گرد آورده و آنها را می‌شناساند. اما او موفق به ثبت تعداد کمی از تألیفات شیعه شد. از این رو، هنگامی که برای چاپ کشف الحجب عازم نجف بود، مرحوم میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ ق) او را از این کار بازداشت، تا بیگانگان آثار شیعه را منحصر به این تعداد نپندارند، لذا سید اعجاز حسین نسخه‌ای را که به خط خود نگاشته بود و برای چاپ به نجف اشرف برده بود به میرزا حسین نوری اهدا کرد، اما در سال

سید اعجاز حسین (برادر میرحامد حسین) فرزند سید محمدقلی از بزرگان علمای شیعه به‌شمار می‌رود. این خانواده بزرگوار از جمله خانواده‌هایی است که مشمول رحمت الهی شده است و خداوند نعمتهایش را بر بزرگان این خاندان ارزانی داشته و آنچه را که شایسته‌اش بوده‌اند بر آنان نازل کرده و همواره الهام و توفیق خداوند آنان را همراهی کرده است. آنان نیز قدردان نعمتهای الهی بودند؛ آن را تباه نساختند، بلکه زندگانی خود را با آنها استحکام بخشیدند. بانهایت تلاش، عمر خود را در دفاع از کیان دین صرف نمودند و در راه استحکام پایه‌های مذهب جعفری سعی بلیغ کردند. خدمات آنان به شرع شریف و فداکاری آنها برای اعلائی کلمه حق بیش از آن است که به‌شمارش آید. از این رو، آنان بر همه شیعیانی که به دین و مذهب و امامان و راه و روش استوار و مستقیم آنان، اهتمام می‌ورزند، حق دارند. خداوند به او و پدر و برادرانش (سید حامد حسین و سید سراج‌الدین حسین) بهترین جزای نیکوکاران را عنایت فرماید و یاد آنان را در میان گذشتگان بلند گرداند. او رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان است.<sup>۱</sup>

۱. الکرام البررة، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۱۴۸.

۲. روی جلد کتاب، کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار چاپ شده است. در الکرام البررة، ج ۱، ص ۱۴۹ «عن وجه الکتب» نوشته شده و در اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۶۷ کشف الحجب عن اسماء المؤلفات و الکتب معرفی شده است. اما خود نویسنده در مقدمه، کتاب خود را این‌گونه می‌نامد: کشف الحجب و الاستار عن احوال الکتب و الاسفار.

۱۳۳۳ ق با اشراف بعضی نوادگان سید اعجاز حسین در هند به چاپ رسید.<sup>۱</sup>

با این که کشف الحجب با دقت زیاد نگارش یافته است، باز لغزشهایی را در آن می‌بینیم. شیوه شیخ آقا بزرگ در الذریعه این است که اشکالات منابع تحقیق الذریعه، از جمله کشف الحجب را به مناسبت یادآور می‌شود.

از آن جا که احتمال دارد این لغزشها به کتابهای دیگر راه پیدا کرده باشد، برای برطرف شدن این اشکالات در تصحیح مجدد یا تذکر آنها در پانوش، مناسب دیدیم ایرادات شیخ آقا بزرگ بر این کتاب را در یک جاگرد آوریم.

بنای نگارنده بر این بوده است که اشکالات مطرح شده توسط شیخ آقا بزرگ را مورد دقت و بررسی قرار دهد. از این رو، تمام مطالب نقل شده در الذریعه با کشف الحجب تطبیق شد و در بسیاری موارد به منابع دیگر نیز مراجعه شد. ایرادات مطرح شده در الذریعه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) بخشی از اشکالات به کشف الحجب وارد است و قابل توجیه نیستند؛

ب) پاره‌ای ایرادات به استنساخ کشف الحجب یا چاپ آن بازمی‌گردد و ربطی به سید اعجاز حسین ندارد؛

ج) بخشی از اشکالات اساساً وارد نیست؛ مثلاً سید اعجاز حسین کتابی را به واسطه نسخه‌ای صحیح معرفی کرده است، اما شیخ آقا بزرگ با اعتماد به نسخه‌ای مغلوپ به کشف الحجب اشکال کرده است.

یادآوری می‌شود تمام ارجاعات به کشف الحجب، مربوط به نسخه چاپ شده توسط کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در سال ۱۴۰۹ ق است.

۱. در صفحه ۳۷، کتاب ازیاد ذهن النبیه فی شرح اسانید من لایحضره الفقیه تألیف عبدالله بن صالح سماهیجی (م ۱۱۳۵ ق) شناسانده شده است. نویسنده در اجازه‌ای که برای شیخ ناصر جارودی نگاشته است از این کتاب به ارشاد ذهن النبیه نام برده است.<sup>۲</sup>

۲. در صفحه ۳۷، ارجوزه فی تاریخ الملوک و الخلفاء به تاج‌الدین حسن بن دربی نسبت داده شده است؛ در حالی که از

حسن بن دربی تألیفی به نظم یا نثر شناخته نشده است. ظاهراً صاحب کشف الحجب این مطلب را از امل الآمل نقل کرده است؛ اگرچه از مأخذ آن نام نبرده است. در امل الآمل (ج ۲، ص ۶۵) پس از حسن بن دربی، حسن بن راشد معرفی شده است. گویا از نسخه‌ای که در اختیار سید اعجاز حسین بوده «حسن بن راشد» افتاده است، و ایشان ارجوزه فی تاریخ الملوک و الخلفاء را تألیف حسن بن دربی پنداشته است.<sup>۳</sup>

۳. در صفحه ۱۸۲، حاشیه الهیات شفا به فرزند ابراهیم بن صدرالدین محمد شیرازی (م ۱۰۷۰ ق) نسبت داده شده است؛ در حالی که این کتاب از خود ابراهیم بن محمد است، نه فرزند او.<sup>۴</sup>

چنان که شیخ آقا بزرگ در ضمن معرفی کتاب مذکور می‌گوید، پدر ابراهیم بن محمد (ملاصدرا) نیز حاشیه بر کتاب شفا دارد و نام پدر ملاصدرا نیز ابراهیم است. مؤلف کشف الحجب نویسنده کتاب را صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی معرفی می‌کند و مراد او ملاصدراست، اما شیخ آقا بزرگ تصور کرده است که مراد سید اعجاز حسین، نوه ملاصدراست. حتی تاریخ فوت نویسنده، سال هزار و چهل و اندی نوشته شده است.

۴. در صفحه ۲۹۴، کتاب سید محمد عباس موسوی روح القرآن معرفی شده است؛ حال آن که نام صحیح کتاب، روائح القرآن است.<sup>۵</sup> عنوان کامل کتاب چنین است: روائح القرآن فی فضائل ائمة الرحمن. بنابراین، روائح القرآن با وزن عنوان کتاب تناسب دارد.

۵. سید اعجاز حسین استظهار کرده است که کتاب الفصول المختارة من العیون و المحاسن و کتاب المجالس المحفوظة یکی است؛ در حالی که دو کتاب‌اند؛ اگرچه از جهت محتوا اشتراکاتی با یکدیگر دارند.<sup>۶</sup>

۱. الکرام البرره، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲. الذریعه، ج ۱، ص ۴۳۸.

۳. همان، ص ۴۶۴.

۴. همان، ج ۶، ص ۱۴۱.

۵. همان، ج ۱۱، ص ۲۵۵، ۲۶۵.

۶. همان، ج ۱۶، ص ۱۹، ۲۴۶، ۳۶۵.

منتجب‌الدین که از علمای قرن ششم است، ضمن معرفی او می‌گوید: «شیخ زین‌الدین را دیده‌ام».<sup>۴</sup>

۱۰. در صفحه ۵۸، آمده است که برخی کتاب الزام النواصب بامامة علی بن ابی‌طالب را به سید بن طاووس نسبت می‌دهند. شیخ سلیمان ماحوزی (م ۱۱۲۱ ق) در فهرست آل‌بویه و علماء البحرين، مؤلف این اثر را مفلح بن حسن بن راشد صیمیری معرفی می‌کند.<sup>۵</sup>

در مقدمه الزام النواصب آمده است:

«اعلم انی رجل من اهل الكتاب؛ سألت الله الهداية الى الصواب، فهدانى الله لدين الاسلام الذى اوجبه على جميع الانام...»

عبارات فوق و عبارتهای مشابه آن، که تا پایان کتاب چند بار تکرار می‌شوند، ظهور در این دارند که نویسنده در ابتدا مسلمان نبوده است. بنابراین، مسلم است که چنین کتابی از سید بن طاووس نیست. با توجه به دراختیار نبودن شرح حال شیخ مفلح بن حسن، نسبت چنین کتابی به او تقویت می‌شود؛ اگرچه آثار فقهی او مانند کشف الالتباس و دیگر آثار او، پذیرش غیرمسلمان بودن شیخ مفلح را دشوار می‌کند.

احتمال این که نویسنده خود را به جای غیرمسلمان قرار داده و از زبان او مطالب را می‌نگارد مردود است، زیرا محتوای کتاب در موضوع حقانیت اصل اسلام نیست، بلکه نویسنده با استفاده از منابع اهل سنت، امامت حضرت امیرالمؤمنین (ع) و حقانیت شیعه را ثابت می‌کند.

۱۱. در صفحه ۷۰، انوار الهدی فی تحقیق البداء به سلیمان بن عبدالله ماحوزی (م ۱۱۲۱ ق) نسبت داده شده است. سلیمان ماحوزی در اجازه‌ای به محمد رفیع بیرمی در تاریخ ۱۱۱۱ آن را اعلام الهدی فی مسألة البداء معرفی کرده است.<sup>۶</sup>

همچنین شیخ سلیمان در فهرست آل‌بویه و علماء البحرين

العیون و المحاسن و المجالس المحفوظة از آثار شیخ مفید است و الفصول المختارة تألیف سید مرتضی است که در مقدمه تصریح می‌کند که مطالب را از آن دو کتاب انتخاب کرده است.

سید اعجاز حسین هنگام معرفی سه کتاب مذکور، الفصول المختارة و المجالس المحفوظة را یکی ندانسته است، بلکه در صفحه‌های ۴۸۶ و ۴۰۱ و ۳۸۹ تصریح می‌کند که الفصول المختارة از این دو کتاب انتخاب شده است. همچنین الفصول المختارة را الفصول المنتخبة معرفی می‌کند.

۶. در صفحه ۴۵۴، فضل العرب تألیف علی بن حسین مهلبی دانسته شده؛ حال آن‌که سید محمد اشرف در فضائل السادات نویسنده آن را علی بن هلال مهلبی معرفی کرده است.<sup>۱</sup>

۷. در صفحه ۹۲، تاج الموالید الدینیة للخرزانه المعینیة به مرحوم طبرسی (م ۵۴۸ ق) صاحب مجمع البیان نسبت داده شده است. شیخ منتجب‌الدین در فهرست خود (صفحه ۹۷) از آن به تاج الموالید یاد می‌کند و احمد بن سلیمان در عقد اللثال مطالبی را از آن نقل می‌کند که نشان می‌دهد موضوع تاج الموالید تاریخ است. وجه نامیدن کتاب به تاج الموالید الدینیة للخرزانه را ندانستیم. شاید وجه آن، مقایسه کتاب با الآداب الدینیة للخرزانه المعینیة اثر دیگر طبرسی باشد.<sup>۲</sup>

در کشف الحجب ذیل معرفی کتاب یاد شده، تاریخ فوت مرحوم طبرسی سال ۵۳۳ و در ذیل غنیة العابد و منیة الزاهد (ص ۳۹۵) سال ۶۳۳ ضبط شده است. با توجه به این‌که تألیف مجمع البیان در سال ۵۳۶ به پایان رسیده است، تاریخ ۵۳۳ اشتباه است و اشتباه بودن تاریخ دوم نیز روشن است.

۸. در صفحه ۴۷، کتاب الاصباح تألیف قطب‌الدین کیدری (یا کندی) به‌عنوان شرح نهج‌البلاغه معرفی شده، لیکن سید بحرالعلوم در الفوائد الرجالیة تصریح می‌کند که موضوع الاصباح فقه است. نام شرح کندی بر نهج‌البلاغه، حدائق الحقایق است.<sup>۳</sup>

۹. در صفحه ۵۱، تاریخ فوت زین‌الدین علی بن عبدالجلیل بیاضی سال ۸۷۷ ضبط شده است؛ در حالی‌که شیخ

۱. همان، ص ۲۷۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۰۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۱۸؛ ج ۶، ص ۲۸۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۲۴.

۵. همان، ص ۲۹۰.

۶. همان، ص ۲۴۲، ۴۴۸.

۱۸. در صفحه ۵۸۲، از جمله آثار جمال‌الدین حسن بن یوسف حلّی (م ۷۲۶) نظام البراهین فی اصول‌الدین شمرده شده است. ظاهراً نظم البراهین درست است.<sup>۷</sup>
۱۹. در صفحه ۵۹۰، نوادر یقین و بصیرة العارفين تألیف محمّد بن احمد اسکافی معرفی شده است. عنوان درست کتاب - چنان‌که در رجال نجاشی آمده - نور یقین است.<sup>۸</sup>
۲۰. در صفحه ۵۹۶، نهج الرشاد لمن اراد السداد تألیف شیخ جعفر بغدادی معرفی شده است، لیکن منهج الرشاد تألیف شیخ جعفر کاشف الغطاء درست است.<sup>۹</sup>
۲۱. در صفحه ۶۰۴، هدایة العالمین فی اصول‌الدین به میرزا عزیزالله بن ملا محمّد تقی مجلسی نسبت داده شده است. ظاهراً این کتاب، همان کتاب هدایة العالمین تألیف عزیزالله بن محمّد تقی بن عزیزالله بن محمّد تقی مجلسی است.<sup>۱۰</sup>
- شیخ آقا بزرگ ذیل هدایة العالمین نویسنده را میرزا عزیزالله بن محمّد تقی الماسی بن کاظم بن عزیزالله بن محمّد تقی مجلسی معرفی می‌کند.
۲۲. در صفحه ۲۵۸، نویسنده رساله فی حقیقة الایمان و الاسلام و الکفر معرفی نشده است. این کتاب از جمله آثار شهید ثانی است که در سال ۱۳۰۵ ق به نام حقایق الایمان همراه کشف الفوائد چاپ شده است. شهید در پایان رساله، به نام و نسب خود تصریح می‌کند.<sup>۱۱</sup>
۲۳. در صفحه ۸۵، البشارة - به نقل از حسن بن سلیمان بن خالد در مختصر البصائر - به سید رضی‌الدین علی موسی ... بن طاووس (م ۶۶۴ ق) نسبت داده شده است؛ حال آن‌که به جز مختصر البصائر جای دیگر کتابی به نام البشارة به سید بن طاووس

۱. همان، ج ۱۲، ص ۲۳۱.
۲. همان، ج ۱۳، ص ۵.
۳. همان، ج ۲۲، ص ۱۸.
۴. همان، ص ۳۴۹.
۵. همان، ج ۲۳، ص ۲۲۱.
۶. همان، ج ۲۴، ص ۱۲۳.
۷. همان، ص ۱۹۱.
۸. همان، ص ۳۵۰.
۹. همان، ص ۴۱۷.
۱۰. همان، ص ۱۸۳.
۱۱. همان، ج ۲، ص ۵۱۴؛ ج ۷، ص ۳۰.

- (ص ۷۸) از اعلام الهدی فی مسألة البداء نام می‌برد.
۱۲. در صفحه ۳۱۲، آمده است که میرزا محمّد بن محمّد علی کتاب سم الفار را به امر استادش سلطان‌العلما نگاشته است؛ در حالی‌که در ورثة الانبیاء از جمله آثار سلطان‌العلما معرفی شده است. شاید نویسنده کتاب، سلطان‌العلما باشد و او برای تقیه به نام شاگردش نوشته است. چنان‌که کتاب الضربة الحیدریة را به نام شاگرد دیگرش سید حمید‌الدین نگاشته است.<sup>۱</sup>
۱۳. در صفحه ۳۱۵، الشاف الکاف من کتاب الکشاف تألیف مرحوم طبرسی معرفی شده است، لیکن از منابع دیگر استفاده می‌شود که نام درست کتاب، الکاف الشاف است.<sup>۲</sup>
- یادآوری می‌شود که در نسخه چاپی کشف الحجب کلمة «الکاف» وجود ندارد. همچنین از نظر ادبی، دلیلی برای حذف یاء از پایان «الکاف» و «الشاف» وجود ندارد. دکتر حسین کریمان در طبرسی و مجمع‌البیان (ج ۱، ص ۲۷۷) این کتاب را الکافی الشافی معرفی می‌کند.
۱۴. در صفحه ۵۴۴، المقتصر تألیف ابن فهد حلّی (م ۸۴۱ ق) شرح ارشاد الاذهان معرفی شده است؛ حال آن‌که المقتصر، چنان‌که در مقدمه آمده، خلاصه المذهب البارع تألیف ابن فهد حلّی است. و المذهب البارع شرح المختصر النافع است. بنابراین، ابن فهد دو شرح بر المختصر النافع نگاشته است: ۱. المذهب البارع، که شرح مبسوط آن است؛ ۲. المقتصر، که شرح مختصر آن است.<sup>۳</sup>
۱۵. در صفحه ۵۵۷، مناهج المنهج تألیف قطب‌الدین کیدری معرفی شده است. ظاهراً مباهج المهج فی مناهج الحجج صحیح است. چنان‌که در روضات این‌گونه ذکر شده است. عنوان دوم با موضوع کتاب مناسب است، زیرا کتاب در موضوع سیره معصومان و فضایل و معجزات آنان است.<sup>۴</sup>
۱۶. در صفحه ۵۷۰، از کتاب علی بن ابی‌سهیل به موازین العدل یاد می‌کند، اما نجاشی آن را مصابیح موازین العدل معرفی می‌کند.<sup>۵</sup>
۱۷. در صفحه ۹۶، نویسنده تبصرة العوام جمال‌الدین مرتضی محمّد بن حسن بن حسین رازی معرفی شده است، اما حسین بن حسن درست است.<sup>۶</sup>



نسبت داده نشده است.

در این جا دو احتمال مطرح است:

الف) سید بن طاووس کتابی به نام البشارات بقضاء الحاجات دارد و در مختصر البصائر به البشارة تصحیف شده است؛

ب) در واقع نویسنده البشارة سید مجدالدین پسر برادر سید بن طاووس است. با توجه به این که او نیز ابن طاووس است و هرگاه مطلق به کار می‌رود بر سید رضی‌الدین علی بن طاووس حمل می‌شود، نویسنده البشارة سید بن طاووس پنداشته شده است.<sup>۱</sup>

۲۴. در صفحه ۹۳، از مسار الشیعة تألیف شیخ مفید به تاریخ الشیعة عن الائمة المهدیة نام برده شده است.<sup>۲</sup>

۲۵. در صفحه ۹۸، از کتاب التحریر تألیف احمد بن محمد بن فهد حلّی (م ۸۴۱ ق) نام برده شده است. نام صحیح کتاب المحرّر است. چنان که خزیت فن، میرزا عبدالله افندی و شیخ حرّ عاملی در امل الآمل به المحرّر تصریح کرده‌اند. در نسخه‌ای خطی که کتابت آن به سال ۹۶۸ باز می‌گردد، آمده است: «سمّیته بالمحرّر فی الفتوی».<sup>۳</sup>

نسخه‌ای خطی به شماره ۵۶۰۱ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نگهداری می‌شود که المحرّر فی الفتاوی نام دارد. این کتاب تألیف ابن فهد حلّی است و در قرن نهم کتابت شده و احتمالاً در عصر مؤلف استنساخ شده است.

۲۶. در صفحه ۱۶۵، جوامع الکلام تألیف محمد بن شرف‌الدین معروف به سید میرزا جزایری معرفی شده است، لیکن سید نعمت‌الله جزایری، که شاگرد مؤلف بوده است، در پایان جلد نخست، آن را جوامع الکلم نامیده است. روشن است که او به نام کتاب استاد خود آگاهتر است. چنان که صاحب روضات و علامه نوری در خاتمه مستدرک این گونه از آن نام برده‌اند.<sup>۴</sup>

۲۷. در صفحه ۴۷۶، کتز المنطق تألیف محقق حلّی (م ۶۷۶ ق) معرفی شده است. صاحب روضات به نقل از رجال ابن داود آن را الکهنه فی المنطق معرفی می‌کند. شیخ محمد سماوی از نسخه‌ای صحیح از رجال ابن داود آن را اللهنه به لام نقل کرده است. «لهنه» به معنای ناشتایی است.<sup>۵</sup>

۲۸. در صفحه ۴۹۲، محامل الاعجاز تألیف شیخ سلیمان بن

عبدالله بحرانی (م ۱۱۲۱ ق) معرفی شده است. عبدالله سماهیجی شاگرد شیخ سلیمان در اجازه‌اش، و محدّث بحرانی در لؤلؤه آن را مخائل الاعجاز معرفی کرده‌اند.<sup>۶</sup>

۲۹. در صفحه‌های ۱۴۷ و ۴۹۴ و ۵۹۰، تاریخ فوت ابوعلی محمد بن احمد اسکافی، شیخ مشایخ نجاشی، سال ۳۸۱ ضبط شده است. چنان که در فوائد بحر العلوم آمده است، این تاریخ اشتباه است.<sup>۷</sup>

۳۰. در صفحه‌های ۱۰ و ۵۲۳، تاریخ فوت میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی اشتباهاً سال هزار و دویست و چهل و اندی نوشته شده است؛ در حالی که تاریخ صحیح فوت او ۱۲۱۶ است.<sup>۸</sup>

۳۱. در صفحه ۴۰۶، الفوائد المدینة تألیف مولی محمد طاهر قمی معرفی شده است. شاید الفوائد الدینیة صحیح‌تر باشد.<sup>۹</sup>

۳۲. در صفحه ۲۷۹، نویسنده رساله فی القضاء و القدر معرفی نشده است. نویسنده کتاب، کمال‌الدین عبدالرزاق بن جمال‌الدین کاشانی (م ۷۳۰ یا ۷۳۵ ق) است.<sup>۱۰</sup>

۳۳. در صفحه ۳۹۰، کتاب عیون المناقب تألیف حسین بن احمد بن بکر تمار معرفی شده است. اما ابن شهر آشوب در معالم العلماء از آن به عیون مناقب اهل‌البیت نام می‌برد. ظاهراً نویسنده از قدماست. شاید نام او حسین بن محمد نحوی تمار از مشایخ شیخ مفید باشد.<sup>۱۱</sup> در نسخه چاپی کشف الحجب، عیون مناقب اهل‌البیت ذکر شده است.

۳۴. در صفحه ۴۰۴، کتاب الفوائد الحسینیة تألیف سید حسین

۱. همان، ج ۳، ص ۱۱۴.

۲. همان، ص ۲۶۰.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۱۴۸؛ ج ۳، ص ۳۷۷.

۴. همان، ج ۵، ص ۲۵۲-۲۵۳.

۵. همان، ج ۱۸، ص ۱۶۸.

۶. همان، ج ۲۰، ص ۱۳۷.

۷. همان، ص ۳۹۷؛ ج ۱۶، ص ۱۷۳.

۸. همان، ج ۲۱، ص ۸۱.

۹. همان، ص ۳۵۸.

۱۰. همان، ج ۱۷، ص ۱۴۸.

۱۱. همان، ج ۱۵، ص ۳۸۵.

در روضات سال ۹۸۸ نوشته شده است. تاریخ دوم با ماده تاریخ فوت او تطبیق می‌کند:

فقها را چه ملاذی بجز آن قدوه نبود  
بهر تاریخ نوشتند ملاذ الفقهاء

۴۱. در صفحه ۲۰۹، نام کتاب سید محمدباقر داماد الخلعة المحمدية الباقرية نوشته شده؛ در حالی که «الخلعية» درست است.<sup>۸</sup> «الخلعية» با وزن عنوان کتاب بیشتر تناسب دارد.

۴۲. در صفحه ۱۰، اجازه میرزا محمد مهدی بن ابی القاسم به سید دلدار علی شناسانده شده است که این گونه آغاز می‌شود: «الحمد لله الذي شرع لنا»، اما آغاز این اجازه این گونه است: «الحمد لله الذي نور قلوبنا»<sup>۹</sup>

آنچه در کشف الحجب نقل شده، آغاز اجازه سید مهدی شهید به سید دلدار علی است.

۴۳. در صفحه ۲۳۲، رساله فی احیاء الاموات به سید محمد سعید طباطبایی (م ۱۰۹۲ ق) نسبت داده شده است. کتاب در موضوع احیای زمینهای موات است. بنابراین - چنان که در جامع الرواة تصریح شده - رساله فی احیاء الاموات درست است. نام اصلی کتاب چنین است: روض الجنان فی حیاة الابدان.<sup>۱۰</sup>

۴۴. در صفحه ۲۳۳، تاریخ فوت محمدتقی بن عبدالوهاب استرآبادی سال ۱۱۱۰ ثبت شده است. شیخ حرّ عاملی که در سال ۱۱۰۴ وفات یافته و کتاب امل الآمل را در سال ۱۰۹۷ به پایان رسانده است، سال فوت او را ۱۰۵۸ ضبط کرده است.<sup>۱۱</sup>

۴۵. در صفحه ۳۳، آداب الخواص تألیف ابوالقاسم حسین بن علی (م ۴۱۸ ق) معرفی شده است؛ حال آن که نام درست

بن دلدار علی نصیرآبادی (م ۱۲۷۳ ق) معرفی شده است. اما نام کتاب الافادات الحسينية است.<sup>۱</sup>

۳۵. در صفحه ۴۰۴، کتاب الفوائد الطريفة فی شرح الصحيفة به علامه محمدباقر مجلسی نسبت داده شده است. ظاهراً نویسنده این شرح محمدتقی مجلسی، پدر علامه مجلسی است و نام شرح علامه مجلسی الفرائد الطريفة فی شرح الصحيفة است.<sup>۲</sup>

۳۶. در صفحه ۵۲۹، سید اعجاز حسین احتمال می‌دهد نویسنده المطالب المظفر به شیخ نورالدین علی بن عبدالعالی باشد. چنین احتمالی بی‌جاست. نویسنده کتاب محمد بن ابی طالب استرآبادی است.<sup>۳</sup>

۳۷. در صفحه ۳۵۷ آمده است که مولی محمدتقی استرآبادی (م ۱۰۱۰ ق) کتاب نصوص فارابی را به نام شرح النصوص شرح کرده است. اخبار الحكماء (ص ۲۸۴) تمام آثار فارابی را نام برده است. در میان آنها نامی از نصوص یا فصوص به میان نیامده است.<sup>۴</sup>

در کشف الحجب تاریخ فوت استرآبادی سال ۱۱۱۰ ذکر شده است. اما در الذریعه، گویا بر اثر اشتباه چاپی، سال ۱۰۱۰ ضبط شده است.

۳۸. در صفحه ۴۰۳ الفلاح فی الاصول تألیف احمد بن حسین بن احمد خزاعی معرفی شده است؛ در حالی که شیخ منتجب‌الدین آن را المفتاح فی الاصول معرفی کرده است.<sup>۵</sup>

۳۹. در صفحه ۱۷۶، حاشیه شرایع الاسلام به علی بن محمد بن حسن بن زین‌الدین (شهید ثانی) نسبت داده شده است و چند سطر از آغاز آن آمده است. با توجه به چند سطر آغاز این اثر، سه نسخه خطی از آن وجود دارد که تاریخ کتابت آنها به سالهای ۹۴۹ و ۹۶۳ و ۱۰۶۵ باز می‌گردد؛ در حالی که شیخ علی بن محمد در سال ۱۱۰۴ وفات یافته است. بنابراین، نسبت این کتاب به شهید ثانی درست نیست و نویسنده این کتاب محقق کرکی (م ۹۴۰ ق) است.<sup>۶</sup>

۴۰. در صفحه ۲۰۸، تاریخ فوت مولی فتح‌الله بن شکرالله کاشانی، نویسنده خلاصه المنهج سال ۹۹۷ ثبت شده است، اما

۱. همان، ج ۱۶، ص ۳۳۲.

۲. همان، ص ۱۳۸، ۳۴۷.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۱۷۴.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۱۰۷.

۵. همان، ج ۱۶، ص ۳۰۳.

۶. همان، ج ۶، ص ۱۰۷.

۷. همان، ج ۷، ص ۲۳۴.

۸. همان، ص ۲۴۱.

۹. همان، ج ۱، ص ۳۵۳.

۱۰. همان، ص ۳۰۷، ج ۱۱، ص ۲۷۵.

۱۱. همان، ج ۱، ص ۳۷۳.

کتاب - چنان‌که نویسنده در فهرست آثارش می‌گوید - ادب الخواص است.<sup>۱</sup>

۴۶. در صفحه ۱۱، اجازه ابن ابی‌جمهور به ربیع بن جمعه عبری در سال ۹۱۲ ذکر شده است. درخور توجه است که ابن ابی‌جمهور این اجازه را به سید شرف‌الدین محمود بن علاء‌الدین داده است و تاریخ اجازه ثبت نشده است. شاگرد ابن ابی‌جمهور، شیخ ربیع بن جمعه، در تاریخ ۹۱۲ در ذیل آن مطالبی را نگاشته است. بنابراین، به متن کشف‌الحجب دو اشکال وارد است: الف) اجازه به سید شرف‌الدین است، نه ربیع بن جمعه؛ ب) تاریخ اجازه معلوم نیست.<sup>۲</sup>

۴۷. در صفحه ۳۸، در حرف الف، الارشاد اثر ابوسعید اسماعیل بن علی بن حسین سمان معرفی شده است. نام درست کتاب الرشد است. چنان‌که در فهرست شیخ منتجب‌الدین، بحار الانوار و امل‌الآمل این‌گونه ضبط شده است.<sup>۳</sup>

۴۸. در صفحه ۴۴، استقصاء النظر فی القضاء و القدر تألیف علامه حلّی (م ۷۲۶ ق) معرفی شده است؛ اما علامه حلّی در خلاصه الاقوال از کتاب خود این‌گونه نام می‌برد: استقصاء البحث و النظر فی مسائل القضاء و القدر.<sup>۴</sup>

در متن تحقیق شده خلاصه الاقوال (ص ۱۱۳) توسط نشر الفقه، در معرفی علامه حلّی استقصاء النظر فی القضاء و القدر نگاشته شده است.

۴۹. در صفحه ۴۶، الاشراف تألیف عبدالعزیز بن ابی‌کامل طرابلسی شناسانده شده است. شاید سید اعجاز حسین این عنوان را از رساله اسامی مشایخ الشیعة گرفته است، اما صاحب ریاض تصریح می‌کند در استنساخ آن رساله اشتباه شده است و عنوان درست، الاشراف است.<sup>۵</sup>

۵۰. در صفحه ۲۶۹، پس از معرفی رساله فی صلاة الجمعة تألیف شهید ثانی (م ۹۶۶ ق) انکار برخی از علما مبنی بر این‌که این کتاب از شهید ثانی باشد نقل شده است. دلیل انکار برخی علما این است که پایان تألیف کتاب سال ۹۷۲ است؛ در حالی‌که شهید ثانی در سال ۹۶۶ به شهادت رسیده است، اما این کتاب به خط شهید در کتابخانه خوانساری موجود است. بنابراین، وجهی برای انکار آن نیست. ظاهراً ناسخ اشتباهاً «ستین» را به «سبعین»

تغییر داده است. در پایان نسخه مصحح، پایان تألیف سال ۹۶۲ نوشته شده است.<sup>۶</sup> سید اعجاز حسین نیز پایان تألیف را ۹۶۲ ضبط کرده است.

۵۱. در صفحه ۴۰۰، محفل فردوس تألیف سید علاء‌الملک بن قاضی نورالله شوشتری، که فارسی است، به صورت الفردوس نام برده شده است.<sup>۷</sup>

۱. همان، ص ۱۸، ۳۸۷.  
 ۲. همان، ص ۲۴۲.  
 ۳. همان، ص ۵۰۹.  
 ۴. همان، ج ۲، ص ۳۲.  
 ۵. همان، ص ۱۰۳.  
 ۶. همان، ج ۱۵، ص ۷۱.  
 ۷. همان، ج ۱۶، ص ۱۶۴.

## دایرةالمعارف امام حسین (ع)

در گفتگو با حجّت الاسلام سیّد محمد مقدّس نیا

سیمای حق‌گرا و ستم‌ستیز حسینی در اخلاق و اندیشه مردم ما نقش بسته است؛ آرزوی زیارت مرقد منور حسینی از ارزشمندترین آرمانهای ایشان بوده و تربت شهدای کربلا بهترین سجده گاه و داروی شفابخش آنان به‌شمار می‌رود.

۲. انقلاب اسلامی ایران نیز ریشه در فرهنگ عاشورا دارد و در تاریخ مبارزات این سرزمین، چه قبل از پیروزی انقلاب و چه پس از پیروزی، همواره امام حسین (ع) و یاران وفادارش، عالیتین و پرجاذبه‌ترین اسوه‌های مقاومت، مبارزه، ایثار و شهادت‌طلبی بوده‌اند.

۳. رسالت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بیش از دیگر نهادها با رسالت امام حسین (ع) سنخیت و مشابهت دارد، چراکه سپاه، برآمده از قیام امام حسین (ع) است؛ همواره رو به سوی کربلا و دل در گرو عاشورا دارد. پاسداری از دین و جانبازی و شهادت در راه آن را از امام حسین (ع) آموخته و به‌همین خاطر، سوم شعبان روز پاسدار نامیده شده است.

۴. درباره امام حسین (ع) و نهضت مقدّس آن حضرت تاکنون تحقیقات و تألیفات فراوانی صورت

گرفته و کتابهای مخدوش و معتبر بسیار نوشته شده است. با همه تلاشی که علمای متعهد شیعه در جهت پیشگیری از گسترش تحریفات، خرافات و اسطوره‌سازیهادرگرداگرد این نام و قیام از خود نشان داده‌اند، مع‌الاسف هنوز برای عامه مردم، سره از

□ دایرةالمعارف امام حسین (ع) با چه انگیزه‌ای تأسیس شد و اساساً چگونه سپاه پاسداران به فکر تدوین چنین دایرةالمعارفی افتاد؟

● در پاسخ به این سؤال باید به چند نکته به‌طور گذرا اشاره کنم:



۱. ایران اسلامی تنها کشور شیعه و سرآمد کشورهای ارادتمند به امام حسین (ع) است و علاقه و ارتباط ویژه‌ای با نهضت مقدّس حسینی دارد. در طول اعصار و قرون متمادی، فرهنگ کربلا و عاشورا با روح و جان مردم ایران آمیخته است؛

و زیرشاخه‌هایی تقسیم می‌شوند؛ مثلاً در گروه فرهنگ روی شاخه‌هایی همچون تعزیه‌ها، شعرها، آثار هنری و پدید آورندگان آنها، فرهنگ عامه، آداب و رسوم عزاداری، آداب زیارت، فیلمها و نمایشها، ابزارهای عزاداری و ادبیات عاشورا مطالعه می‌شود. در گروه جغرافیا دربارهٔ محورهای از قبیل کشورها، شهرها، منازل (مکانهایی که امام حسین (ع) در مسیر کربلا در آنجا اقامت گزیده و نیز مکانهایی که اسرای کربلا در مسیر شام در آنجا توقف داشتند)، آستانه‌ها، مزارها، مساجد، تکیه‌ها، حسینیه‌ها، مکانهای عزاداری، نواحی و مناطقی که به گونه‌ای با امام حسین (ع) و عاشورا ارتباط یافته‌اند تحقیق می‌گردد.

□ آیا دایرةالمعارف از شیوه نگارش واحدی

پیروی می‌کند؟

● به منظور ایجاد وحدت رویه در تدوین مقالات دایرةالمعارف، آیین نگارش واحدی به نام شیوه‌نامهٔ دایرةالمعارف امام حسین (ع) به قلم آقای سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا) - سرویراستار دایرةالمعارف - تدوین شده و به تصویب هیئت علمی رسیده است. این کتاب یک بار چاپ و منتشر شده است و دوباره نیز در ضمن درآمدی بر دایرةالمعارف امام حسین (ع) منتشر خواهد شد. کلیهٔ مقالات باید منطبق بر این شیوه‌نامه نگاشته شوند تا از انسجام و هماهنگی لازم برخوردار باشند.

□ لطفاً دربارهٔ محتوای درآمدی بر دایرةالمعارف امام

حسین (ع) توضیح دهید.

● به منظور آگاهی جامعهٔ فرهنگ دوست و پژوهشگران داخل و خارج کشور و جلب همکاری آنان در تدوین مقالات، در نظر است به زودی این کتاب را چاپ و منتشر کنیم. این کتاب در بردارندهٔ مقدمه، شیوه‌نامه، فهرست مدخلهای مصوب و نمونهٔ مقالات خواهد بود.

□ نویسندگان دایرةالمعارف چه کسانی هستند؟

● دایرةالمعارف در رقم و در جوار حوزهٔ علمیه تهیه می‌شود و طبیعی است که ثقل کار بر دوش پژوهشگران آگاه و زبدهٔ حوزه است. قدمهایی هم که تا کنون برداشته شده، با مساعدت این عزیزان و سروران بوده است، لیکن در عین حال کلیه

ناسره چندان قابل تفکیک نیست. از این رو، این ضرورت احساس شد که سپاه پاسداران با فراهم ساختن یک دایرةالمعارف اختصاصی دربارهٔ امام حسین (ع) و عاشورا به منزلهٔ اثری جامع، مرجع، مستند و علمی، بخشی از دین خود را به ساحت مقدس آن حضرت ادا کند.

از اوایل سال ۱۳۷۴ سردار سرتیپ محمد باقر ذوالقدر، قائم مقام محترم فرماندهی کل سپاه پاسداران (ریاست وقت ستاد مشترک سپاه) و جناب حجّت الاسلام والمسلمین حسینی شاهرودی، مسئول مرکز تحقیقات اسلامی حوزه نمایندگی ولی فقیه، انجام این مهم را عهده‌دار شدند و مطالعات مقدماتی برای تدوین دایرةالمعارف اختصاصی امام حسین (ع) آغاز شد.

□ این دایرةالمعارف چند مدخل دارد و نحوهٔ تنظیم

آنها چگونه است؟

● سه هزار مدخل برای دایرةالمعارف امام حسین (ع) پیش‌بینی شده، که حدود نود درصد آن مدخلهای اصلی‌اند و در ذیل خود مقاله خواهند داشت و ده درصد ارجاعی‌اند. این مدخلهای با تلاش پیگیر اعضای هیئت علمی دایرةالمعارف امام حسین (ع) تهیه و پیشنهاد شده و با رعایت ضوابط و معیارهای از پیش تعیین شده به تصویب رسیده‌اند. البته مقالات پایه‌ای و بلند دایرةالمعارف یک یا چند زیر مدخل نیز خواهند داشت. به منظور سهولت دستیابی استفاده کنندگان به اطلاعات، مدخلهای دایرةالمعارف به صورت الفبایی تنظیم شده است.

□ موضوعات مربوط به امام حسین (ع) و عاشورا بسیار متنوع است؛ این تنوع و گوناگونی را در تهیهٔ مدخلهای و تدوین مقالات چگونه سامان می‌دهید؟

● به تناسب تنوع موضوعات و مطالب، شش گروه علمی در دایرةالمعارف فعالیت دارند، که عبارت‌اند از: تاریخ، جغرافیا، رجال، فرهنگ، کتابشناسی، مفاهیم. هر یک از این گروهها با استفاده از پژوهشگران متخصص، کار مدخل‌یابی، جمع‌آوری اطلاعات علمی، تدوین مقالات، بررسی علمی و محتوایی مقالات و انجام اصلاحات را برعهده دارند. هر یک از محورهای ششگانه‌ای که نام بردم نیز به شاخه‌ها

اسلامی سپاه با بیش از ۴۵۰۰۰ جلد کتاب در اختیار پژوهشگران تحقیقات عاشورا و دایرةالمعارف امام حسین (ع) است. حدود هزار جلد از این کتابها، درباره امام حسین (ع) و عاشورا است. مضافاً این که واحد اطلاع رسانی مرکز نیز با نرم افزارهای غنی و متنوع علوم و منابع اسلامی در کوتاهترین زمان ممکن، اطلاعات لازم را به پژوهشگران عرضه می کند. ضمناً با کتابخانه های مهمی از قبیل کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، کتابخانه تخصصی تاریخ و کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) نیز هماهنگی لازم صورت گرفته و زمینه تبادل اطلاعات وجود دارد.

□ گویا کار مدیریت تحقیقات عاشورا گسترده تر از دایرةالمعارف نویسی است. لطفاً در این باره هم توضیح دهید.

● البتّه محوری ترین کار ما همین دایرةالمعارف است، ولی در کنار دایرةالمعارف دست اندرکار تهیه مجموعه کتبی هستیم که زندگانی امام حسین (ع) و نهضت عاشورا را به صورت موضوعی نیز مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار می دهد، یا پژوهشگران را در جهت دستیابی به منابع و مآخذ اصیل درباره این موضوع یاری می بخشد. برخی از این آثار عبارت اند از:

#### ۱. الركب الحسيني من المدينة الى المدينة

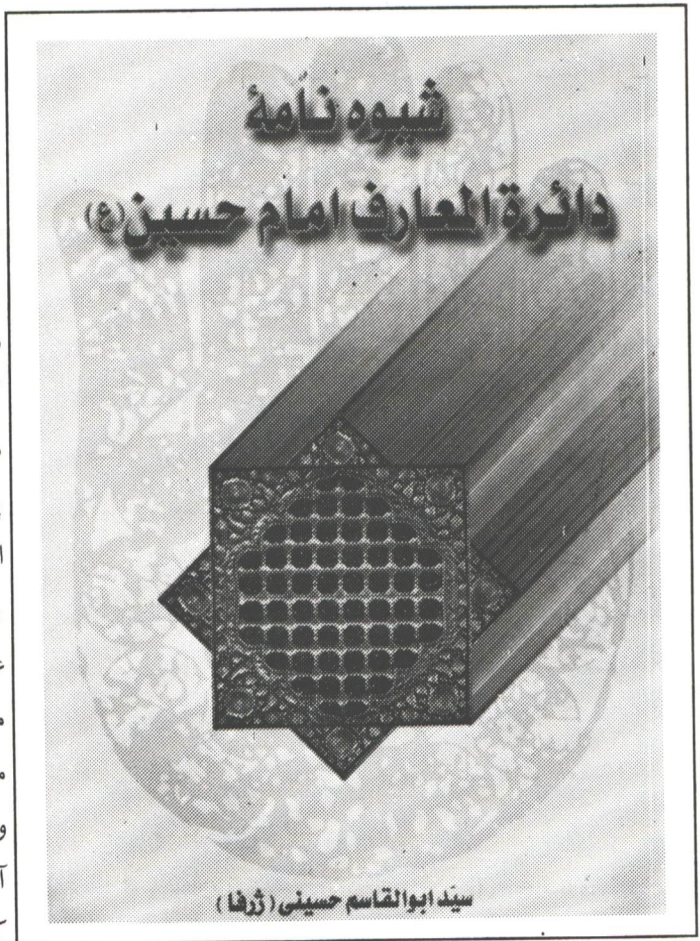
عنوان اثری است که به زبان عربی در شش بخش تنظیم می شود. در این اثر رویدادهای تاریخی مرتبط با نهضت مقدّس حسینی، از شروع نهضت و حرکت امام از مدینه، ورود و اقامت حضرت در مکه، اتفاقات بین راه مکه به سوی کوفه، آنچه در کربلا گذشت، جریان حرکت کاروان اسرا به سوی کوفه و شام و آنچه در این دو شهر واقع شد، تا ماجرای بازگشت کاروان به مدینه به تفصیل و به طور مستند بررسی و تحلیل می شود. تا کنون حدود هشتاد درصد کار تدوین این اثر انجام شده و ان شاء الله اوایل سال ۷۸ منتشر خواهد شد. ترجمه این اثر به زبان فارسی نیز در دستور کار قرار دارد.

#### ۲. مآخذشناسی امام حسین (ع) و عاشورا

محققانی که قصد پژوهش درباره امام حسین (ع) و نهضت کربلا دارند، در نخستین گام باید بدانند که تا کنون چه پژوهشهایی در این باره صورت گرفته، این پژوهشها در چه

اندیشمندان عزیز، در داخل یا خارج کشور، می توانند ضمن مکاتبه یا تماس تلفنی با دفتر دایرةالمعارف، تدوین یک یا چند مقاله را عهده دار شوند. بدیهی است این مقالات در صورت انطباق با شیوه نامه و تصویب در هیئت علمی به نام خودشان در دایرةالمعارف به چاپ خواهد رسید.

□ در نگارش مقالات دایرةالمعارف از چه منابعی استفاده می کنید و آیا پژوهشگران شما به قدر کافی به منابع دسترس دارند؟



● بیش از نود درصد از اطلاعات این طرح از رهگذر تحقیق کتابخانه ای به دست می آید. با این حال، معدودی از مسائل هست که نیازمند تحقیق میدانی است و مبتنی بر دیده ها و شنیده هاست؛ مثلاً برای دانستن موقعیت کنونی سرزمین کربلا یا وضعیت فعلی آستانه حضرت ابوالفضل (ع) یا رأس الحسین باید آنها را از نزدیک مشاهده کرد؛ مگر آن که در کتابهای معتبر و مطمئن، اطلاعات روزآمدی درباره آنها ارائه شده باشد. برای انجام تحقیق کتابخانه ای نیز کتابخانه مرکز تحقیقات

در اردیبهشت سال جاری به مناسبت یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران چاپ و منتشر شد.

#### ۵. پیامدهای عاشورا

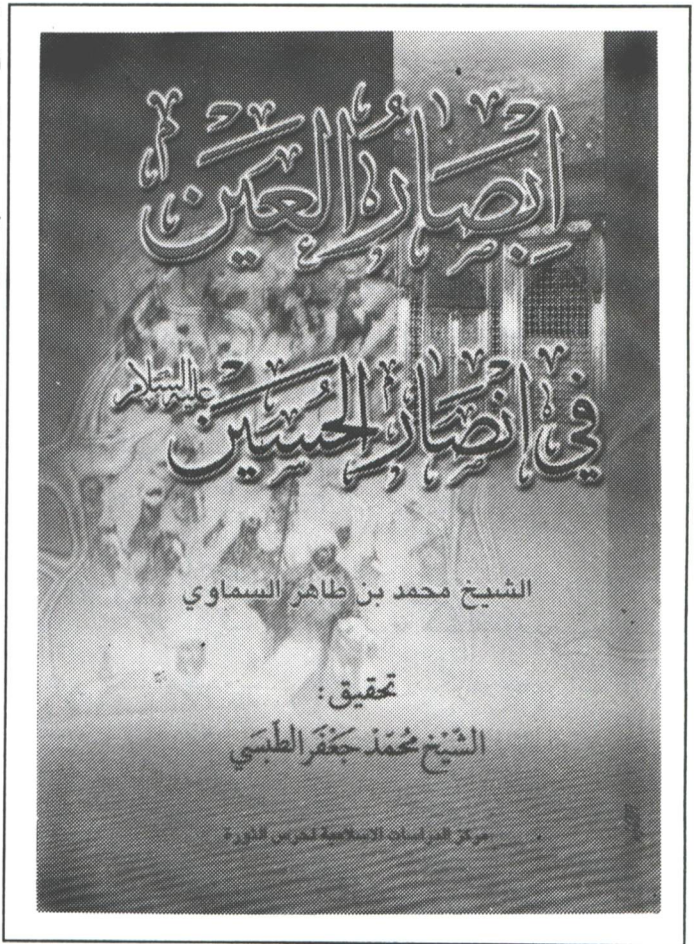
نهضت مقدس حسینی یکی از مهمترین وقایع حیات بشری است که بازتابهای گسترده‌ای در تاریخ از خود برجای نهاد. این بازتابها به صورت قیامها، انقلابها و دیگر حوادث مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نه تنها شیعیان و مسلمانان، بلکه پیروان دیگر ادیان و مکاتب را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. مجموعه آثار در کتابی تحت عنوان پیامدهای عاشورا بررسی شده است و در آتی‌های نه‌چندان دور تقدیم علاقه‌مندان خواهد شد. □ شنیدیم که بخشی به نام احیای آثار هم در تشکیلات شما وجود دارد. در این بخش چه فعالیت‌هایی انجام می‌شود؟

● در میان آثار قدما و متأخران تألیفات ارزشمندی درباره امام حسین (ع) و عاشورا یافت می‌شود که بر اثر مرور زمان مورد بی‌مهری قرار گرفته و به فراموشی سپرده شده‌اند. اقداماتی از قبیل تصحیح، ترجمه، تجدید چاپ، جمع‌آوری و ... می‌تواند غبار انزوارا از چهره این آثار ارزشمند پاک کند و آنها را بار دیگر به نسل تشنه معارف حسینی عرضه نماید. بخش احیای آثار متکفل این وظیفه است و تحقیق کتاب اِصْطَارُ الْعَيْنِ فِي انْصَارِ الْحُسَيْنِ (ع)، ترجمه کتاب عبرات المصطفین، و جمع‌آوری و چاپ مجموعه‌ای از مقالات برگزیده حسینی و عاشورایی تحت عنوان عاشوراشناسی بخشی از فعالیت‌های آن است.

□ آیا برای تهیه نرم‌افزار هم کاری انجام شده است؟

● با توجه به گسترش روزافزون و نقش کاربردی تحقیقات رایانه‌ای در مجامع علمی و تحقیقاتی، مدیریت تحقیقات عاشورا بر آن است تا مجموع دستاوردهای پژوهشی خود و آثار ارزشمند دیگران در زمینه کربلا و عاشورا را در قالب برنامه‌های نرم‌افزاری تهیه و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد. □ از شرکت شما در این گفتگو سپاسگزاریم.

زمانی و به وسیله چه کسانی انجام شده و به چه زبانی تدوین گردیده است. مأخذشناسی امام حسین (ع) عنوان سه جلد کتاب به اسامی کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)، کتابنامه امام حسین (ع) و مقاله‌نامه امام حسین (ع) است که پژوهشگران را در رسیدن به این هدف مهم یاری می‌بخشد. کار تدوین کتابشناسی به پایان رسیده و در آن صد اثر مهم و اختصاصی توصیف شده‌اند. کتابنامه و مقاله‌نامه نیز در دست تهیه است.



#### ۳. زمینه‌های قیام

مجموعه علل و عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و شخصیتی که زمینه را برای برپایی قیام حضرت فراهم ساختند، در این اثر بررسی خواهد شد. هشتاد درصد کار تدوین این کتاب نیز انجام شده و پس از پایان کار در دو جلد منتشر خواهد شد.

#### ۴. پیامهای عاشورا

کتابی است که در آن مجموعه پیامهای سازنده، تحرک‌بخش و شورآفرین قیام کربلا با استناد به متون و منابع متقن و قابل اعتماد تاریخی و روایی استخراج و عرضه شده است. این کتاب

# بزرگترین کتابخانه شخصی جهان در بعلبک

محمد نوری

## کتابخانه‌های بعلبک

شهر بعلبک از توابع استان بقاع در لبنان از شهرهای قدیمی و دارای پیشینه فرهنگی است. آثار باستانی فراوانی از قبل از اسلام در زمان سیطره رومیان و نیز دوره اسلامی در گوشه گوشه این شهر به چشم می‌خورد. کتابخانه‌های مهمی در این شهر وجود داشته است؛ مانند کتابخانه‌های قسطا بن لوقا، اباطرة الرومان، الامجد بهرام شاه الایوبی.

اکثر ساکنان بعلبک شیعه هستند. وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم نسبت به شهرهای دیگر در سطح پایینی قرار دارد. علی‌رغم پیشنهادهای مختلف برای انتقال این کتابخانه به شهرهای دیگر، عبده مرتضی، ترجیح داده است که در کنار مردم شهرش بماند.

## مؤسس کتابخانه

این کتابخانه با کوشش عبده مرتضی الحسینی متولد ۱۹۱۸ م در بعلبک فراهم آمده است. وی در سال ۱۹۳۷ م از مدرسه هنرهای زیبا دیپلم گرفت و مشغول تدریس در برخی مدرسه‌های لبنان گردید. در سال ۱۹۵۳ م از دانشگاه القدیس یوسف، دانشکده ادبیات شرقی، فارغ‌التحصیل شد. در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی شرکت داشته و بارها به زندان رفته است. ایشان شیعی مذهب و دارای گرایشهای ناسیونالیستی

در سالهای اخیر گزارشها و اخبار مختلفی در مجله‌ها و روزنامه‌های جهان درباره گنجینه نفیسی از کتابها و مطبوعات در بعلبک منتشر شده است. با دیدن برخی از این گزارشها در پاره‌ای از جراید عربی، همواره آرزوی دیدن آن مجموعه را داشتم، تا این که مهر ماه امسال به بعلبک مسافرت کردم. با پرس و جوی فراوان، شب هنگام به کتابخانه - که متصل به خانه شخصی عبده مرتضی الحسینی بود - رسیدم. با این که دیروقت بود، وی تنها مشغول مطالعه بود. تا نیمه‌های شب با ایشان گفت‌وگو داشتم. به دلیل این که وی پیرمردی هشتاد ساله بود، از خود شرم داشتم بیش از این مزاحم او شوم، ولی او همچنان مشتاق گفت‌وگو بود. به هر حال، کتابخانه را ترک کردم و صبح روز بعد به سراغ وی رفتم و به گشت‌وگذار در کتابها و مطبوعات پرداختم. عظمت آن کتابخانه مرا واداشت تا گزارشی برای ایرانیان بنویسم.

گفتمی است که اکثر مطبوعات معتبر جهان گزارشهایی از این کتابخانه منتشر کرده‌اند و چندین برنامه تلویزیونی و رادیویی توسط خبرگزاریهایی همچون B.B.C پخش شده است.



و چپی است.

از کودکی علاقه وافر به کتاب داشت و از هفت سالگی با جمع‌آوری هسته زردآلو از زیر درختان و فروش آنها به خرید کتاب می‌پرداخت.<sup>۱</sup> در ایام جوانی با فروش زمینهایی که به ارث به او رسیده بود به توسعه کتابخانه‌اش پرداخت و با صرفه‌جویی در حقوق معلمی‌اش، مجله و کتاب می‌خرید.

### ویژگیهای کتابخانه

عبده مرتضی‌الحسینی در ۱۹۹۸/۸/۲ م اطلاعیه‌ای با عنوان «انقذوا مکتبة عبده مرتضی‌الحسینی» منتشر کرد و از همه فرهنگ‌دوستان جهان استمداد نمود. در این اطلاعیه کتابخانه خودش را مهمتر از قلعه بعلبک دانسته است؛ با این‌که قلعه بعلبک با قدمت تاریخی و عظمت معماری‌اش از آثار باستانی درجه اول جهان است.

این کتابخانه دوهزار عنوان مجله دارد که اکثر آنها عربی است. عبده مرتضی از اوایل نوجوانی به گردآوری مجلات و جراید پرداخته است.<sup>۲</sup> از این رو بایگانی وی غیر از کمیت دارای قدمت و کیفیت فوق‌العاده است.

این کتابخانه دارای موضوعات مختلف و متنوعی است، لذا می‌توان گفت که کتابخانه‌ای تخصصی است. حدود هفتاد درصد کتابها عربی است، ولی کتابهای فرانسوی و انگلیسی و به‌ندرت فارسی نیز گردآوری شده است.

دهها عنوان دائرةالمعارف عمومی و تخصصی به زبانهای عربی، انگلیسی و فرانسوی، به‌ویژه دائرةالمعارف دوهزار جلدی مادا اعراف، زینت‌بخش این کتابخانه است. همچنین مجموعه‌ای از اکثر کتابها و مقالات درباره تاریخ و فرهنگ فلسطین فراهم آمده است.

مجموعه‌های اهدایی، مانند منشورات معهد الاستشراق الالمانی فی بیروت و مطبوعات الجامعة اللبنانية بر نفاست این کتابخانه افزوده است.

از آن‌جا که عبده مرتضی شخصیتی فرهنگی است

و متفکران جهان عرب را می‌شناخته، از ابتدا به گردآوری آثار ادبا، فلاسفه، مورخان، موسیقیدانان و هنرمندان عرب پرداخته است. از این رو، کتابخانه‌اش کارنامه‌ای از تاریخ اندیشه‌های متفکران عرب در یک قرن اخیر است.

نویسندگان، ناشران، دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی و آموزشی کتابهای زیادی به این کتابخانه هدیه داده‌اند.<sup>۳</sup> برخی از نویسندگان برای حفظ و سالم ماندن کتابهایشان آنها را به آن‌جا آورده‌اند، چون عبده مرتضی در حراست و حفاظت از کتاب معروف است.

این کتابخانه فقط کتابهای چاپی دارد و کتابهای خطی را گردآوری نکرده است، چون معتقد است هزینه فراوانی برای خرید و نگهداری می‌طلبد و استفاده کمتری دارد. فقط چند نسخه خطی قرآن کریم و چهار رساله به زبان عربی و یک رساله به فرانسه خطی‌اند.

بنابر گزارش مجله النداء حجم این کتابخانه یک میلیون و صد و پنجاه هزار عنوان کتاب و مجله و روزنامه است،<sup>۴</sup> ولی السفير کتابها را سیصد هزار تخمین زده است.<sup>۵</sup>

به دلیل ضیق مکان و عدم طبقه‌بندی منظم، احصای دقیق میسر نمی‌شود، لذا آمارهای مختلف از این کتابخانه ارائه شده است. به نظر می‌رسد بین هفتصد هزار تا یک میلیون عنوان، رقم واقعی باشد. خود عبده مرتضی نیز چنین حدسی دارد. مجله Lorient Le gour (۴ آوریل ۱۹۹۵) نیز همین رقم را گزارش کرده است.

در سال ۱۹۹۴ م سهی ابوشقرا در مجله النداء ضمن گزارشی نوشت: کتابخانه عبده مرتضی ششصد هزار دلار ارزش دارد.

۱. روزنامه الانوار (۱۲ ایلول ۱۹۹۴ م) درباره وی می‌نویسد: «الیاذة بعلبکیة من میلیون و نصف الملیون کتاب و مطبوعه و دوریة نظمها عبده مرتضی الحسینی ببذور المشمش و مسامین النجارین و عرق الجبن».

۲. مکتبه عبده مرتضی الحسینی، حسین محمد صلح، ص ۶. پایان‌نامه در الجامعة اللبنانية، دانشکده الآداب.

۳. همان، ص ۱۲.

۴. النداء، ش ۹۴، ۱۹۹۴ م، ص ۷.

۵. السفير، ۱۸/۱۱/۱۹۸۰ م، ص ۹.

شده‌اند. این کتابخانه در دو محل مستقر است: یکی در منزل مسکونی عبده مرتضی؛ دیگری در یک خانه استیجاری در شهر بعلبک.

وضعیت مجلات و روزنامه‌ها بدتر است؛ به طوری که بسیاری از آنها در حال از بین رفتن‌اند. در خانه ایشان به روی ارباب رجوع باز است، ولی سالن مطالعه مناسب و سرویس‌دهی مطلوبی ندارد. افراد زیادی از مناطق مختلف لبنان و خارج از لبنان برای استفاده از این کتابخانه به آنجا می‌آیند.

عبده مرتضی در سالهای اخیر برای معالجه و درمان شخصی‌اش و برای مرتفع ساختن برخی مشکلات ساختمانی کتابخانه ناچار شد که برخی از مجموعه‌های نفیس، مانند مجموعه لاهوت مسیحی و نسخه‌های خطی قرآن را بفروشد.

از سال ۱۹۷۲م تا کنون، دولت و مجلس لبنان قولهای فراوانی برای برطرف کردن مشکلات این کتابخانه داده‌اند، ولی هنوز گام مثبت و عملی برداشته نشده است. در سال ۱۹۹۱م گروهی به نام جمعیت دوستداران کتابخانه عبده مرتضی الحسینی در بعلبک به وجود آمده است و در صدد تأسیس کتابخانه‌ای عمومی بر مبنای کتابخانه عبده مرتضی هستند.

عبده مرتضی چندین کتابخانه مهم را خریداری کرده است، که برخی از آنها عبارت‌اند از: کتابخانه دکتر رئیف ابواللمع، کتابخانه جرجی نقولا باز، کتابخانه الاب لويس، کتابخانه محمد خیرالجمال، نیمی از کتابخانه دکتر فیلیپ حتّی، کتابخانه یوسف صفری، کتابخانه دیر غزیر.

وی از شرایط بحرانی لبنان در جنگ با اسرائیل و مشکلات داخلی استفاده کرده و بسیاری از کتابها را به قیمت ارزان خریداری نموده است. خود وی می‌گفت کتابهای زیادی را کیلویی خریده‌ام.

گفتنی است که این کتابخانه با پانزده هزار مؤسسه و مرکز نشر کتاب و همچنین نویسندگان مهم جهان به طور منظم ارتباط دارد. نامه‌نگاری، سفارش و دریافت آثار و ... به همت خود ایشان انجام می‌یابد؛ کاری که نیازمند یک سازمان گسترده است.

## مشکلات کتابخانه

این کتابخانه دارای تشکیلات اداری و کارکنان موظف نیست؛ فقط خانم سامیه اسعد شمس و آقای محمدعلی جواد به طور پاره‌وقت با وی همکاری دارند.

این کتابخانه فهرست‌نویسی و رده‌بندی علمی نشده است. به دلیل کمبود فضا، کتابها از زمین تا سقف روی هم چیده

# کتابخانه قروین

میرمحمود موسوی

## مقدمه

کتابخانه‌های مساجد اولین کتابخانه‌هایی بودند که مسلمانان در کشورهای اسلامی به وجود آوردند و به صورت مراکزی جهت تحقیق و دانش‌اندوزی درآمدند. در این راستا، معرفی برخی از مساجدی که دارای کتابخانه‌های بزرگ بوده‌اند و نقش ویژه‌ای در تعلیم و تربیت مسلمانان داشته‌اند، ما را بیش از پیش با غنای فرهنگی اسلام آشنا می‌کند. از این رو، به معرفی کتابخانه‌ای از مساجد شمال آفریقا می‌پردازیم که طی سالیان متمادی خدمات گوناگونی را به اهل علم ارائه کرده است.

## مسجد قروین

یکی از بزرگترین و مشهورترین مساجد جهان اسلام که خدمات علمی زیادی را ارائه کرده، مسجد قروین است. این مسجد در عهد دولت «ادارسه»<sup>۱</sup> در شهر فاس مغرب (مراکش) به دست بانویی نیکوکار به نام فاطمه فهری، که از مهاجران قیروان بود، بنا شد. او که خود اهل دانش و فضل بود و از مال دنیا بهره زیادی داشت، برای عمل به سفارش اسلام درباره ساختن مسجد، در تاریخ اول رمضان ۲۴۵، این بنای جاودانه را پی افکند. این مسجد با ۱۶۰۰ متر مربع زیر بنا به پایان رسید، و اولین مسجدی بود که به دست یک زن مسلمان احداث شده بود. بعد از یک قرن، به دلیل استقبال فراوان مردم، امیر احمد بن ابی بکر زناتی در سال ۳۳۲ ق آن را توسعه داد و مساحت آن به چهار هزار متر مربع رسید.

در سال ۵۲۸ ق نیز حکومت وقت بناهای اطراف مسجد را خریداری، و به مسجد ضمیمه کرد؛ گنجایش مسجد به گونه‌ای بود که ۲۲۰۰۰ نمازگزار را در خود جای می‌داد.

همه دولتهای مغرب، کم و بیش، از مسجد قروین حمایت کرده‌اند، لذا قروین رفته‌رفته به یک مرکز علمی مهم تبدیل شد. به موازات حرکت علمی در مسجد قروین، دهها مدرسه در شهر فاس و سایر شهرها، تحت اشراف مسجد قروین، احداث شد؛ برخی از این مدارس عبارت‌اند از: حلفاویین (۶۷۰ ق)؛ دارالمخزن (۷۲۱ ق)؛ سبعین (۷۲۱ ق)؛ صهریج (۷۲۱ ق)؛ مصباحیه (۷۴۵ ق)؛ عنایتیه (۷۵۵ ق).

شهر فاس ۱۴۰ کرسی تدریس داشت، چراکه امکانات آموزشی آن چشمگیر بود. اهمیت کرسیهای تدریس به حدی بود که با منصب قضاوت و وزارت برابری می‌کرد و موجب مباحثات هر عالم صاحب کرسی بود. این کرسیها اختصاص به مردان نداشت، بلکه برای زنان نیز در طبقات بالای مسجد مکانهایی را برای تعلیم و تعلم در نظر گرفته بودند.

بنابراین، عده زیادی از شیفتگان دانش از کشورهای دور و نزدیک، برای فراگیری علوم مختلف در شهر فاس رحل اقامت می‌افکندند و از حلقه‌های درسی مسجد قروین بهره‌مند می‌شدند. ابن خلدون، ابن خطیب، البیترومی، ابن حرزیم، ابن میمون و ابن الوزن، از جمله کسانی‌اند که در مسجد قروین و مراکز تحت پوشش آن به تدریس پرداخته‌اند. در مسجد قروین بود که ژیلبرت اوری، که بعدها به نام پاپ سیلستر دوم معروف شد، برای اولین بار با اعداد عربی و استفاده از عدد صفر

۱. در سال ۱۷۲ ق / ۷۸۹ م ادریس بن عبداللّه بن حسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب (ع) دولت «ادارسه» را بنیان نهاد. او که عموی حسین (شهید فح) بود، بعد از شهادت برادرزاده‌اش به آفریقا رفت و از آن جا وارد مغرب شد. چون مسلمانان علاقه وافری به اهل بیت (ع) داشتند، دور ادریس جمع شدند و او نیز دولت «ادارسه» را تأسیس کرد و پس از ایشان پسرش ادریس ثانی در ربیع‌الاول ۱۹۲ (۸۰۸ م) شهر فاس را پایتخت حکومت خود قرار داد. جامع القروین، ۴۳/۱ - ۴۶.

۹۹۶ ق / ۱۵۸۷ م به امر سلطانی دانشمند به نام احمد المنصور الذهبی، از سلسله سعدیون، بنا شد، که حاوی مجموعه‌های فوق‌العاده گرانبهایی از کتابهای مختلف خطی است. برخی از عناوینی که روزی متعلق به کتابخانه ابوعنان بوده، در آن به چشم می‌خورد، ولی عمده این مجموعه از مؤسس آن بوده است. جزئی در کتاب روضة الفاس می‌نویسد: «منصور بسیاری از کتابهای قصر خود را در مراکش به کتابخانه‌ای بخشید که در مسجد قرویین فاس تأسیس کرده بود.»

منصور بعد از برقرار کردن صلح با دون سانکو، پادشاه اسپانیا، از او خواست که کتابهای نفیسی را که در طی جنگ از کشورهای مسلمان گرفته بود، پس دهد؛ او نیز با این تقاضا موافقت کرد و کتابهای زیادی را پس فرستاد، که در کتابخانه شهر فاس قرار گرفت. منصور و پسر و جانشینش زیدان، از کتابخانه منصوریه مراقبت کردند و به کسانی که در رشد و ترقی کتابخانه سهیم بودند، سخاوتمندانه پاداش می‌دادند. این کتابخانه در محلی قرار داشت که به طرز زیبایی تزیین شده بود و دارای دو مدخل بود که یکی به اتاق استراحت خطیب مسجد دیگری به اتاق مطالعه باز می‌شد. مسجد قرویین به غیر از این سه کتابخانه مهم، دارای ۳۳ کتابخانه فرعی دیگر در مدارس و مساجد مغرب بوده است.<sup>۵</sup>

#### ذخایر کتابخانه

کتابخانه قرویین دارای ۲۵۰۰۰ جلد کتاب چاپی و ۵۶۰۰ نسخه خطی و ۳۲۲ نشریه است. برخی از نسخ خطی این مرکز وقف این کتابخانه شده‌اند و برخی از کشورهای دیگر به آن جارسیده است. در بین نسخه‌های خطی این کتابخانه، به مجموعه‌هایی از قرآن کریم با نگارهای مختلف برمی‌خوریم که بر روی پوست و کاغذ نوشته شده‌اند. نیز مجموعه‌های بزرگی از کتابهای علوم قرآنی، تفاسیر تورات، حدیث، فقه، منطق، عرفان، پزشکی، نجوم، ریاضیات و زندگینامه‌های بزرگان اسلام در این کتابخانه وجود دارد. در بین نسخه‌های خطی، قرآنی است که بر روی

۱. نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۹۹؛ جامع القرویین، ج ۱ و ۲؛ انتشار الاسلام، ص ۸۷.
۲. جامع القرویین؛ نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۹۹؛ مجلة معهد المخطوطات العربية، ۱/۵، ص ۳-۱۶؛ المورد، ۲/۱۵، ص ۱۴۹.
۳. همان.
۴. همان.
۵. جامع القرویین ۲/۴۵۰-۴۵۳؛ مجلة معهد المخطوطات العربية، ۱/۵، ص ۳-۱۶؛ نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۶۴، ۲۴۴.

آشنایی پیدا کرد و آنها را به اروپا شناساند. نام ۲۴۹ نفر از دانشمندان بزرگی که صاحب تألیفات متعدد، و دارای کرسی تدریس در فاس بوده‌اند، در منابع گوناگون آمده است.<sup>۱</sup>

#### کتابخانه قرویین

تاریخ دقیقی برای کتابخانه قرویین ذکر نشده است، ولی از قرائن مختلف استفاده می‌شود که مسجد قرویین از همان آغاز دارای کتابخانه بوده است. موقعیت علمی قرویین نیز این نظریه را تأیید می‌کند. تاریخ مدوّن کتابخانه قرویین از حکومت سلاطین بنی مرین به بعد نوشته شده است. در این دوره بود که کتابخانه‌های ابی یوسف یعقوب (۶۷۹ ق)، ابی سعید و ابی الحسن در قرویین شکل گرفتند. سلطان ابویوسف علاوه بر تأسیس کتابخانه، در بازسازی و تأسیس کتابخانه‌های معمولی و مدارس کوشید و همواره از کتابخانه قرویین حمایت کرد.<sup>۲</sup>

#### کتابخانه ابوعنان

پس از کتابخانه ابویوسف، مسجد قرویین دارای دو کتابخانه مستقل دیگر بود، که مشهورترین آنها کتابخانه ابوعنان یا کتابخانه علمیه است. این کتابخانه به دستور سلطان مرینی، متوکل ابوعنان، در مسجد قرویین بنا شد. در سال ۷۵۰ ق / ۱۳۴۹ م به صورت رسمی گشایش یافت و در اختیار شیفتگان دانش و عموم مردم قرار گرفت. بیشتر ساختمان اصلی هنوز پابرجاست و بر سردر این بنا کتیبه زیبایی است که نام بنیانگذار و تاریخ تأسیس کتابخانه را دربردارد.<sup>۳</sup>

ابن القاضی در کتاب الجذوة خود چنین می‌گوید:

«ابوعنان که دانشمندی بزرگ بود و به اهل علم احترام بسیار می‌گذاشت، تصمیم به ساختن این کتابخانه گرفت. از آن جا که خود شیفته کتاب بود، کتابهای زیادی را در موضوعات متعدد، به ویژه موضوعات مذهبی، علمی، تاریخی، ادبی و لغت‌شناسی فراهم کرد و برای رسیدگی به امور کتابخانه، کتابداری را به خدمت گرفت. گفته می‌شود هزاران نسخه خطی آن کتابخانه مربوط به غنایمی است که از پادشاه مسیحی سویل [اشبیلیه] به غنیمت گرفته شده بود.»<sup>۴</sup>

#### کتابخانه منصوریه

کتابخانه دیگری نیز در مسجد قرویین است که اهمیت ویژه‌ای دارد. این کتابخانه که کتابخانه منصوریه نام دارد، در حدود سال

۶. قائمه لنادر المخطوطات العربية المعروضة في مكتبة جامعة القرويين، فاس، ۱۹۶۰ م. در این فهرست ۳۴۹ نسخه خطی معرفی شده، که اغلب آنها از کتابخانه قرویین است.
۷. قائمه باسما المخطوطات الموجودة في خزانة القرويين، ۴ جزوه، فاس، ۱۹۷۳ م. در این جزوه‌ها ۱۵۴۸ نسخه خطی معرفی شده است.
۸. فهرس مخطوطات خزانة القرويين، محمد الفاسی، کازابلانکا، ۴ جلد، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م.

#### منابع

۱. انتشار الاسلام واشهر مساجد المسلمين في العالم، محمد کمال حسین، قاهره، ۱۹۷۶ م، ص ۸۷
۲. انواع المكتبات في العالمين العربي و الاسلامی، سعید احمد حسن، عمان، اردن، ۱۹۸۴ م، ص ۶۷.
۳. جامع القرويين، عبدالهادی التازی، بیروت، ۱۹۷۲ م.
۴. رسالة المسجد في الاسلام، عبدالعزيز لمیلیم، ۱۹۸۷ م، ص ۲۸۴ - ۲۹۰.
۵. کتابخانه‌ها و مجموعه‌های عربی در جهان، فواد سزگین، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۹۳ - ۲۹۴.
۶. الكتب و المكتبات في العصور الوسطی، الشرق المسلم، الشرق الاقصى، شعبان عبدالعزيز خلیفه، قاهره، ۱۹۹۸ م، ص ۳۵۶.
۷. مجلة عالم الكتب، ریاض، مجلد ۱۵، شماره ۳، ص ۲۵۹.
۸. مجلة معهد المخطوطات العربية، قاهره، ۱۹۵۹ م، مجلد ۵، شماره ۱، ص ۱۶ - ۱۶۳، ۱۶۷.
۹. مجلة المورد، بغداد، مجلد ۳، شماره ۴، ص ۳۰۰ - ۳۰۲؛ مجلد ۵، شماره ۱، ص ۹۸؛ مجلد ۱۵، شماره ۱، ص ۱۴۹ - ۱۵۰؛ مجلد ۱۷، شماره ۱، ص ۲۱۷ - ۲۱۸.

10. Les Bibliothèques au Maroc, Latifa Benjelloun - Laroui, Paris, 1990, pp. 129 - 182.

11. World Survey of Islamic Manuscripts, By Al-Furqan (Geoffery Roper), London, 1994, vol. 2, pp. 129 - 182.

پوست آهو نگاشته شده و دارای تذهیب است. این قرآن یادگار قرن سوم هجری است. برخی نسخه‌ها نیز به خط خود مؤلف کتابت شده و دارای وقفنامه‌های مفصلی از سلاطین مغرب، همچون ابو عنان، احمد المنصور و زیدان بن منصور است.<sup>۱</sup>

نسخه‌شناس معروف عرب، صلاح‌الدین المُنَجَّد، درباره نسخه‌های خطی این کتابخانه می‌گوید: «کتابخانه قرویین غنی‌ترین و بزرگترین کتابخانه مغرب است و دارای نسخه‌های خطی نادری است که در هیچ جا یافت نمی‌شود.» برخی از این نسخه‌ها عبارت‌اند از:

۱. سیره ابراهیم الغزالی، متوفی ۱۸۶ ق، به تاریخ ۲۷۰ ق کتابت شده است؛
۲. مختصر العین، زبیدی، در تاریخ ۵۱۸ ق بر روی پوست نوشته شده است؛
۳. المنظومة في الطب، ابن طفیل، متوفی ۵۸۱ ق، این نسخه منحصر به فرد است؛
۴. البیان و التحصیل فی التوحید و التعلیل، ابی الولید محمد بن احمد بن محمد، متوفی ۵۲۰ ق، این نسخه در تاریخ ۷۲۰ ق کتابت شده است؛
۵. حلیة المحاضرة في صناعة الشعر، ابی علی محمد بن الحسن المظفر، متوفی ۳۸۸ ق، این نسخه به تاریخ ۹۹۰ ق بر روی پوست نوشته شده است.<sup>۲</sup>

#### فهارس نسخه‌های خطی

۱. فهرس جامع لمخطوطات القرويين، محمد عابد الفاسی، متوفی ۱۹۷۹ م، ۵ جلد، خطی.
۲. برنامج يشتمل على بيان الكتب العربية الموجودة بخزانة جامع القرويين بعاصمة فاس، تأليف دونفر از علمای مغرب، ۱۹۱۷ م.
۳. خزانة القرويين و نوادرها، محمد عابد الفاسی، مجلة معهد المخطوطات العربية، مجلد ۵، شماره ۱، ص ۳ - ۱۶، ۱۹۵۹ م. در این فهرست ۸۱ نسخه از تراجم، ادبیات، فقه و لغت معرفی شده است.
۴. معرض المخطوطات العربية بمكناس، محمد المنونى، مجلة تطوان، شماره ۳ - ۴، ص ۹۷ - ۱۰۸، ۱۹۵۹ م.
۵. نوادر المخطوطات في المغرب، صلاح‌الدین المُنَجَّد، مجلة معهد المخطوطات العربية، مجلد ۵، ص ۱۶۳ - ۱۶۷، ۱۹۵۹ م. در این فهرست ۹۸ نسخه نفیس معرفی شده است.

۱. جامع القرويين، ۴۵۰/۱؛ مجلة معهد المخطوطات العربية، ۱/۵، ص ۳ - ۱۶، ۱۶۳ - ۱۶۷.

۲. المورد، ۲/۳، ص ۳۰۰ - ۳۰۲.

# رهتوشه از بکستان

سید محمود مرعشی نجفی

و امور دینی کویت، پروفیسور فان اس استاد برجسته کلام در آلمان، که اخیراً یک مجموعه پنج جلدی به نام تاریخ علم کلام به زبان آلمانی چاپ و منتشر ساخته است. همچنین آقای دکتر نصرالله مبشر الطرازی دانشمند و کتابشناس برجسته نسخه‌های خطی فارسی و ترکی در دارالکتب قاهره و استاد دانشگاه‌های مصر و آقای دکتر عابد رضا بیدار از هند.

صبح روز بعد با آقای دکتر عبیدالله اوائف از علمای برجسته آن کشور و دبیر همایش بخاری ملاقات نمودیم و ایشان از سفر هیئت ایرانی فوق‌العاده مسرور گردید و آن‌گاه برنامه همایش را به ما ارائه داد. ایشان قبلاً از این جانب یک دوره کتاب روضات الجنات مرحوم خوانساری درخواست کرده بود، که به ضمیمه یک دوره کتاب المسلسلات فی الاجازات - که دربرگیرنده اجازات کتبی مرحوم والد معظم (ره) از علمای امامیه و اهل سنت و زیدیه است - به ایشان هدیه نمودم. خبر این ملاقات را ایرنا از تاشکند چنین مخابره کرد:

«آیت‌الله واعظزاده خراسانی دبیر کل مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی و حجت‌الاسلام و المسلمین مرعشی نجفی رئیس کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) که در تاشکند به سر می‌برند و نیز عبیدالله اوائف از علمای برجسته این کشور و دبیرکنگروه بزرگداشت امام بخاری در دیدار با هم بر ضرورت تلاش برای دوستی و تفاهم بین مذاهب اسلامی تأکید کردند. آنها همچنین خواستار تلاش مشترک علمای ایران و ازبکستان برای معرفی مفاخر و دانشمندان بزرگ اسلامی به جهان شدند. رئیس کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی در

به همت سازمان علمی - فرهنگی یونسکو و دولت جمهوری ازبکستان و همکاری یک بنیاد خیریه در کویت، همایش بین‌المللی هزار و دویست و بیست و پنجمین سالگرد ولادت محدث بزرگ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری مؤلف یکی از صحاح ششگانه اهل سنت، در روزهای اول و دوم آبان در شهر سمرقند در ازبکستان برگزار گردید. در این همایش بزرگ از برخی شخصیت‌های برجسته علمی، فرهنگی و مذهبی از کشورهای سوریه، مصر، اردن، کویت، یمن، لبنان، ترکیه، بنگلادش، آلمان، رومانی، هلند، روسیه، انگلستان، آمریکا، تاجیکستان، قرقیزستان و ... رسماً دعوت به عمل آمده بود. از ایران نیز از این جانب و آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی دعوت شده بود، که با هماهنگی‌های قبلی در روز چهارشنبه ۲۹ مهر از تهران عازم تاشکند شدیم. پس از دو ساعت و سی دقیقه پرواز، هواپیما در فرودگاه تاشکند به زمین نشست. در فرودگاه، آقای پاک‌آیین سفیر جمهوری اسلامی ایران و نیز حجت‌الاسلام و المسلمین اکبری رایزن فرهنگی سفارت و چند تن دیگر از کارکنان سفارت و نیز نمایندگان همایش از ما استقبال کردند و دقایقی بعد به هتل محل اقامت رهسپار شدیم. بعد از ظهر آن روز با دیگر میهمانان شرکت‌کننده در همایش آشنا شدیم؛ از جمله رئیس دانشگاه الازهر مصر، وزیر اوقاف

این دیدار آمادگی این کتابخانه را برای احیای آثار علمای اسلام اعلام کرد.»

بعد از ظهر آن روز به اتفاق میهمانان با هواپیما از تاشکند عازم سمرقند شدیم و پس از چهل دقیقه پرواز، هواپیما در فرودگاه سمرقند به زمین نشست. در فرودگاه، رهبر روحانی و امام جمعه شهر و نیز استاندار و مقامات رسمی از ما به گرمی استقبال نمودند. پس از طی مسافتی در هتل افراسیاب سمرقند اسکان داده شدیم و در همان هنگام نمایندگان رسانه‌های خبری آن کشور و نیز تعدادی از خبرنگاران خارجی با میهمانان همایش، به ویژه میهمانان ایرانی، مصاحبه کردند؛ از جمله شبکه ۱ و ۲ تلویزیون ازبکستان، که با این جانب مصاحبه کردند و درباره همایش و نیز جایگاه بخاری - که از بزرگان اهل سنت است - در کشور ما - که مرکز تشیع است - سؤالاتی نمودند و این جانب اظهار داشتم که پدر بزرگوارم یکی از بنیانگذاران وحدت بین مذاهب بودند، زیرا ایشان از حدود هشتاد سال قبل تا آخرین روزهای زندگی خود ارتباط مستقیم با دیگر علمای اسلامی اعم از اهل سنت و زیدی و اسماعیلی برقرار ساخته بود و موفق شد چهارصد و پنجاه اجازه روایتی کتبی و شفاهی از آنان کسب نماید که حدود پنجاه اجازه آن مربوط به علمای اهل سنت است که بعضی از آنها مدبّحه، یعنی متقابل است و آن بزرگوار از چندین طریق نقل حدیث در این اجازات را از امام بخاری کتباً داراست و این خود نشانه‌ای از نزدیکی علمای اسلامی است.

خبرنگار دیگری سؤال کرد: برگزاری همایش بخاری را چگونه ارزیابی می‌کنید و آیا اصولاً چنین همایشی نیاز است یا خیر؟ این جانب پاسخ دادم: بسیار به جاست، زیرا ما باید برای بزرگان و دانشمندان احترام خاص قائل شویم و نسل جدید خود را با زندگی پر بار آنان آشنا سازیم و ما در بیشتر کتابخانه‌های بزرگ کشور اسلامی خود آثار امام بخاری و دیگر آثار علمای اهل سنت را در اختیار داریم.

این مصاحبه‌ها در صفحات اول روزنامه‌ها و نیز در رأس اخبار تلویزیون ازبکستان قرار گرفت. روزنامه کثیرالانتشار ازبکستان، خلق سوزی یا سخن خلق، در صفحه اول خود در مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۹۸، برابر با ۷۷/۸/۲ چنین نوشت:

«سید محمود مرعشی نجفی رئیس کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی در ایران گفت: سرزمین ایران و توران از قدیم‌الایام از گهواره‌های علم و دانش و فرهنگ و معرفت و هنر محسوب می‌شود. مجامع بین‌المللی خوب می‌دانند که این دو ملت چه شخصیت‌های بزرگواری را که در ترقی بشر سهم به‌سزایی داشته‌اند، تربیت نموده‌اند. احمد الفرغانی و بیرونی و فارابی و ابن سینا و رازی در ترقی علم و دانش جهانی سهم ویژه‌ای داشته‌اند و نیز نام محمد بن اسماعیل بخاری، سلطان علم حدیث را در ایران با احترام بر زبان می‌آورند و برای آثار آنان ارزش خاصی قائل‌اند. در کتابخانه بزرگ ما در قم نسخه‌های خطی بسیار نفیس و کهن از این دانشمندان بزرگ اسلامی وجود دارد که از ارزش و اعتبار بالایی برخوردارند. این که در کشور شما، ازبکستان، برای بخاری و احمد فرغانی همایش و گرامیداشت برپا می‌شود، کار بسیار شایسته و درخور ستایشی است، زیرا نسل امروز باید با دانشمندان بزرگ خود - که در حقیقت نیاکان آنها هستند - بیشتر آشنا شوند.»

به هر حال، صبح روز بعد در تالار اجتماعات هتل محل اقامت، همایش با تلاوت آیاتی از قرآن کریم آغاز شد، که در آن کشور تا کنون سابقه نداشته است که در آغاز مراسم رسمی قرآن تلاوت شود. پس از افتتاح جلسه به وسیله رئیس کمیته امور دینی کابینه وزرا - که ریاست همایش را برعهده داشت - به ترتیب معاون استانداری سمرقند، رئیس مرکز شرق‌شناسی، رئیس بنیاد الیقین کویت و رئیس دانشگاه الازهر مصر درباره زندگینامه و آثار بخاری مطالب خود را قرائت کردند. آن‌گاه رئیس همایش از این جانب دعوت کرد تا مقاله خود را ایراد نمایم.

این جانب مقاله خود را با عنوان «راویان و شیوخ شیعی بخاری» تدوین کرده بودم و به زبانهای عربی و انگلیسی و روسی و ازبکی قبلاً ترجمه شده و بین شرکت‌کنندگان توزیع گردید. این مقاله فوق‌العاده مورد استقبال قرار گرفت و مورد تشویق حضار قرار گرفتم.

غیر از این مقاله، این جانب فهرست توصیفی ۴۶۰ نسخه خطی از آثار منسوب به علمای سمرقند و بخارا و خوارزم را - که در این کتابخانه موجود است - در اختیار شرکت‌کنندگان در همایش قرار دادم، که این نیز فوق‌العاده مورد توجه مسئولان

همایش قرار گرفت.

پس از سخنان این جانب، آیت‌الله واعظزاده نیز مقاله خود را با عنوان «دراسة مقارنه بين صحيح البخارى و سائر الصحاح السنة» قرائت کردند.

پس از چند دقیقه استراحت مجدداً مراسم آغاز شد و تعدادی دیگر از میهمانان مقالات خود را ارائه نمودند و پس از آن به محل دفن امام بخاری - که در روستای «خَرْتَنگ» در بیست کیلومتری سمرقند قرار دارد - رهسپار شدیم. این محل به تازگی از سوی یونسکو و نیز دولت ازبکستان تعمیر اساسی شده است؛ به گونه‌ای که یک صحن بسیار بزرگ - که اطراف آن حجرات زیادی شبیه مدارس قدیمی در ایران است - و نیز یک مسجد بسیار بزرگ ساخته‌اند و مقبره بخاری - که بسیار مجلل و زیباست - در کنار صحن قرار گرفته است.

میهمانان مسلمان در همان مسجد در نماز جمعه شرکت کردند و امام جمعه شهر در خطبه‌ها از حضور میهمانان مسلمان کنگره در نماز جمعه تشکر کرد. آن‌گاه در مراسم نهار با حضور آقای اسلام کریم‌اف رئیس جمهوری ازبکستان شرکت کردیم و پس از آن رئیس جمهور با یکایک میهمانان صحبت کرد. با این جانب نیز درباره شرکت نمایندگان ایران و نحوه برگزاری همایش سؤال کرد، که پاسخهای لازم داده شد. پس از صرف نهار در مراسمی که در کنار قبر بخاری برگزار شد شرکت کردیم. نخست امام جمعه شهر مطالبی ایراد نمود و سپس رئیس جمهور با بسم‌الله سخنان خود را آغاز کرد و درباره اسلام و مسلمین و دانشمندان اسلام سخنانی ایراد کرد، که به گفته بعضی از حاضران چنین سخنرانی از رئیس جمهور ازبکستان سابقه نداشته است. از سوی دیگر، معمولاً در آغاز به کار این‌گونه مراسم در آن کشور موسیقی، رقص و ... جزء لاینفک است، ولی بحمدالله چنین وضعیتی مشاهده نگردید.

اسلام کریم‌اف در قسمتی از سخنانش چنین اظهار داشت: «امروز روز مبارک و منوری است که در تاریخ کشور ما فراموش نشدنی است. امروز روز شاد نمودن روح جد بزرگوار ما حضرت امام بخاری در سرزمین مقدس و زادگاه اصلی آن دانشمند شریف است.

برادران عزیز! حضرت امام بخاری نه تنها از مفاخر ملت

أزبک، بلکه تمامی جهان اسلام است. زندگینامه آن شخصیت بزرگوار، نماد جسارت ملی و انسانی و اعتقاد ناگسستی است. امام مسلم مؤلف صحیح - که در میان شش محدث دومین بود - به امام بخاری گفته بود: «ای استاد استادان، سلطان محدثان، طیب احادیث، اجازه دهید پای شما را بوسه زنم». این خطاب نشانه احترام بی‌نهایت مسلمانان به یکدیگر است. هم میهن بزرگ ما، امام بخاری، برای بشر میراث معنوی بی‌ظیری باقی گذاشت که تاج گل این میراث کتاب الجامع الصحیح ایشان است که مسلمانان آن را با احترام خاص یاد می‌کنند.

حضار محترم! آشکار است که اندیشه اصلی دین اسلام کلمه «لااله الاالله و محمد رسولالله» است. تکرار این کلمه، در قلب هر مسلمانی ایمان جاری می‌سازد.

به هر حال، مراسم ساعت چهار بعد از ظهر خاتمه یافت و پس از آن میهمانان را به بازدید از آثار تاریخی سمرقند بردند؛ از جمله رصدخانه الغیگ، نوه تیمور که شخصی دانشمند و صاحب تألیف بوده است، مجموعه شاهزنده و مجموعه ریگستان که یکی از زیباترین آثار تاریخی جهان را در خود جا داده است.

در این جا ذکر این نکته لازم است که شهرهای سمرقند و بخارا از همان آغاز از کانونهای بسیار مهم اسلامی به شمار می‌رفتند. کتابخانه‌های معروف سامانیان که تا سده چهارم هجری در بخارا پابرجا بود، از بزرگترین کتابخانه‌های جهان اسلام در آن روزگار به شمار می‌آمد. در عصر ایلخانیان مرکز علمی ماوراءالنهر از بخارا به سمرقند منتقل گردید. مجموعه شاهزنده در شمال شهر سمرقند بر روی تپه افراسیاب واقع شده و در برگیرنده یک مجموعه تاریخی عظیم، شامل مسجد، مدرسه، آرامگاه، خانقاه و ... است. آرامگاه تنی چند از دانشمندان و عارفان و شاهزادگان، از جمله قثم بن عباس، خواجه احمد، ترکا آقا، میر حسین بن تعلق، شیرین بکا آقا، استاد علیم، الغ سلطان بیگم، امیرزاده، تومان آقا، قاضی زاده رومی و ... در آن قرار گرفته است. برخی از آثار تاریخی مجموعه ریگستان عبارت‌اند از: مساجد عبدالداران، غار جاه، خواجه اسماعیل، نادر محمد دیوان بیگ، آرامگاه نه تن از حاکمان شیبانی و همسران آنان، مدرسه و آرامگاه ملک خانم، مسجد



جامع تیمور بی‌بی خانم، مدرسه معروف الغیگک نوه تیمور که حجره نورالدین جامی نیز در آن قرار گرفته و از نظر معماری و پیچیدگی عناصر آن، از بهترین کارهای آن عصر به‌شمار می‌رود، مدرسه شیردار که روبه‌روی مدرسه الغیگک واقع شده است، گور تیمور، خانقاه عبدی درون، مسجد کولتاش، آرامگاه بی‌بی خاتون.

یادآور می‌شوم که با تلاش تنی چند از شیعیان مقیم سمرقند، از سال قبل ساختمان یک مسجد در حال احداث است و مراحل پایانی را می‌گذراند. تنها روحانی شیعه سمرقند آقای ملاعلی است که سالهاست در آن شهر اقامت دارد. شیعیان سمرقند حدود پنج‌هزار نفرند.

روز شنبه رأس ساعت هفت بامداد برای شرکت در همایش هزار و دوستمین سال رحلت احمد فرغانی، دانشمند ستاره‌شناس مشهور مسلمان، با یک هواپیمای اختصاصی عازم فرغانه شدیم. به هنگام ورود، در فرودگاه فرغانه مورد استقبال امام جمعه شهر و نیز استاندار و مقامات محلی قرار گرفتیم.

سپس از فرودگاه به محل اجلاس رهسپار شدیم. مراسم با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید آغاز گردید. رئیس جلسه یکایک میهمانان و ویژه این کنگره را برای سخنرانی فرا خواند؛ از جمله آقای پروفیسور رشدی راشد، دانشمند و ریاضیدان برجسته و مشهور مصری مقیم پاریس، و آقای دکتر عجب شیرزاده استاد نجوم دانشگاه تبریز و یکی از مسئولان رصدخانه مراغه.

به هنگام ظهر جلسه پایان یافت و پس از صرف نهار، از خرابه‌های قدیمی محل کار و اقامت فرغانی - که بر روی تپه‌ای بلند قرار گرفته - بازدید کردیم. این مجموعه را به تازگی از زیر خاک بیرون آورده‌اند، و سازمان یونسکو در نظر دارد که آن محل را مرمت کند. سپس در مراسم پرده‌برداری رئیس جمهور از تندیس احمد فرغانی شرکت کردیم. پس از مراسم و صرف شام مجدداً به فرودگاه فرغانه رفتیم و با هواپیمای ویژه به شهر تاشکند مراجعت نمودیم.

شب در هتل محل اقامت اسکان یافتیم و صبح روز بعد به ملاقات آقای پروفیسور مظفر خیرالله رئیس مرکز شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی و آقای پروفیسور اورن‌بایف عضو هیئت علمی

آن مرکز رفتیم و درباره روند تدوین و چاپ فهرست نسخه‌های خطی انستیتو حمید سلیمان در شهر تاشکند - که دارای ۷۵۵۴ نسخه خطی فارسی و عربی و ترکی و ازبکی است و به تازگی از سوی دولت به مرکز شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی منتقل گردیده است - مذاکره کردیم. طبق قرار رسمی با آن مرکز و این کتابخانه و با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران در نظر است فهرست نسخه‌های خطی چندین کتابخانه در جمهوریهای ازبکستان و تاجیکستان از سوی این کتابخانه تدوین و چاپ و منتشر گردد؛ از جمله فهرست نسخه‌های خطی حمید سلیمان در دو جلد که زیر چاپ است و فهرست نسخه‌های خطی فارسی مرکز شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی که دارای بیش از هیجده هزار مجلد نسخه خطی است که در حال انجام است. همچنین جلد دوم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی تاجیکستان در شهر دوشنبه در حال آماده شدن است و نیز فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه رونقی در شهر سبز در ازبکستان و فهرست نسخه‌های خطی ایالت بدخشان در تاجیکستان که هر دو چاپ شده است. همچنین نسخه زیبای جهانگیر یا تذکره مطربی سمرقندی را - که آقای دکتر اسماعیل جان‌اف در تاشکند تصحیح و تحقیق کرده است - به ضمیمه کتاب سیاست مالی و پولی تیمور و سکه‌های آنان چاپ کردیم و در هنگام همایش در ازبکستان توزیع گردید.

در سه روز پایانی این سفر، بیشتر به بررسی نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه مرکز شرق‌شناسی ابوریحان و کتابخانه حمید سلیمان پرداختم و در ظهر چهارشنبه ششم آبان در معیت آیت‌الله واعظزاده عازم تهران شدیم. نماینده کتابخانه برای پیگیری و تهیه فهرست نسخه‌های خطی در تاشکند ماند تا پس از انجام امور، رهسپار دوشنبه در تاجیکستان شود و کار فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دوشنبه را نیز پیگیری نماید.

انستیتوی حمید سلیمان در سال ۱۹۷۸ م / ۱۳۵۶ ش تأسیس شده و پانزده هزار جلد کتاب در آن نگهداری می‌شود که ۷۵۵۴ مجلد آن خطی است. اولین رئیس این مرکز مرحوم حمید سلیمان متوفی سال ۱۹۷۸ م است که این مجموعه با تلاش پیگیری وی پایه‌گذاری گردید و به نام او نامگذاری شد. به تازگی به دستور دولت ازبکستان مجموعه نسخه‌های خطی آن به مرکز

۱۳. مهر و مشتری، فارسی، محمد عصام تبریزی، کتابت ۹۹۹ ق، به خط محمد بن مظفر، ۱۱۰ برگ، ۱۰×۱۸ سانتیمتر، شماره ۵۵.
۱۴. تذکرة السلطانی، فارسی، ملا واسع مدرّس، کتابت ۱۲۸۸ ق، به خط قاری میرزا محمد زاهد، ۱۵۴ برگ، ۱۵×۲۶ سانتیمتر، شماره ۶۸.
۱۵. تذکرة مقیم خانی، فارسی، منشی بن خواجه بقا یوسفی، کتابت ۱۳۲۴ ق، ۱۱۹ برگ، ۱۵×۲۴ سانتیمتر، شماره ۱۴۴.
۱۶. جوهر العلم، فارسی، مجهول، کتابت سده ۹ ق، ۶ برگ، ۱۶×۲۵ سانتیمتر، شماره ۸۰.
۱۷. دیوان حافظ شیرازی، کتابت ۸۹۰ ق، به خط نستعلیق سلطان علی قاینی، ۱۴۸ برگ،  $12 \times 21 \frac{1}{4}$  سانتیمتر، شماره ۸۵.
۱۸. منتخب دیوان علیشیر نوائی، ازبکی، کتابت سده ۹ ق، به خط فرزند محمد تبریزی، ۱۶۶ برگ، ۱۵×۲۴ سانتیمتر، شماره ۹۸.
۱۹. دیوان جامی، فارسی، کتابت سده ۱۰ ق، ۲۷۰ برگ، ۱۵×۲۳ سانتیمتر، شماره ۱۰۱.
۲۰. کتاب مبین، ازبکی، ظهیرالدین محمد بابر، کتابت ۹۲۸ ق، ۱۴۷ برگ، ۱۳×۱۸ سانتیمتر، شماره ۱۰۳.
۲۱. تذکرة الشعراء، دولتشاه سمرقندی، کتابت اوایل سده ۹ ق، ۲۶۲ برگ، ۱۳×۲۲ سانتیمتر، شماره ۱۰۴.
۲۲. تاریخ جهانگیری، فارسی، مجهول، کتابت ۸۲۲ ق، ۱۲۳ برگ، ۱۸×۲۵ سانتیمتر، شماره ۱۱۹.
۲۳. تاریخ راقم، فارسی، میر سید شریف راقم سمرقندی، کتابت ۱۱۹۱ ق، به خط مؤلف، ۳۱۲ برگ، ۱۵×۲۵ سانتیمتر، شماره ۱۳۵.
۲۴. کشف الاسرار، عربی، مجهول، کتابت ۷۳۰ ق، به خط نسخ ابراهیم بن احمد عمر، ۲۴۴ برگ، ۱۸×۲۹ سانتیمتر، شماره ۱۶۶.
۲۵. تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل، عربی، قاضی بیضاوی، کتابت ۷۷۳ ق، ۳۸۳ برگ، ۲۲×۲۹ سانتیمتر، شماره ۱۶۸.
۲۶. الکشاف، عربی، زمخشری، کتابت سده ۱۰ ق، ۱۷۰ برگ، ۱۷×۲۵ سانتیمتر، شماره ۱۷۳.
۲۷. حاشیه هدایه، عربی، عصام الدین، کتابت ۹۹۹ ق، شرق شناسی ابوریحان بیرونی در تاشکند منتقل گردیده است. کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) آهنگ آن دارد تا به معرفی نسخه های خطی موجود در دیگر کشورها - که در حال حاضر توان تهیه و چاپ فهرست نسخه های خطی خود را ندارند - بپردازد. بحمد الله تا کنون چند جلد فهرست چاپ و منتشر ساخته است و فهرست نسخه های خطی این مرکز نیز در دو جلد تهیه و به زودی چاپ و منتشر خواهد شد.
- اینک به معرفی تعدادی از نسخه های نفیس و کهن این انستیتو می پردازیم:
۱. خمسة المتخیرین، ازبکی، امیر علیشیر نوائی، کتابت سده ۹ ق، ۲۶ برگ، ۱۱×۱۹ سانتیمتر، شماره ۸/۳.
  ۲. رساله وقفیه، ازبکی، امیر علیشیر نوائی، کتابت سده ۹ ق، ۲۶ برگ، ۱۱×۱۹ سانتیمتر، شماره ۸/۴.
  ۳. شرح الرساله الوضیعیه، عربی، کتابت سده ۸ ق، خط نسخ، ۳۴ برگ، ۱۲×۱۹ سانتیمتر، شماره ۱۴/۱.
  ۴. نفحات الانس، عبدالرحمان جامی، فارسی، کتابت اواخر سده ۹ ق، ۳۴۲ برگ، ۱۶×۲۴ سانتیمتر، شماره ۳۱.
  ۵. منتخب دیوان تیرمه، ازبکی، امیر علیشیر نوائی، کتابت سده ۹ ق، ۹۴ برگ،  $16 \times 22 \frac{1}{4}$  سانتیمتر، شماره ۱۸.
  ۶. رساله معما، سید حسین بن محمد حسینی، فارسی، کتابت سده ۱۰ ق، ۵۶ برگ، ۱۲×۱۸ سانتیمتر، شماره ۳۸/۱.
  ۷. رساله معما، عبدالرحمان جامی، فارسی، کتابت سده ۱۰ ق، ۳۶ برگ، ۱۲×۱۸ سانتیمتر، شماره ۳۸/۲.
  ۸. دیوان فغانی، فارسی، کتابت سده ۱۰ ق، ۲۲ برگ، ۱۱×۲۰ سانتیمتر، شماره ۴۱.
  ۹. رساله قانون، در موسیقی، فارسی، زین العابدین حسینی، کتابت سده ۹ ق، ۶۴ برگ، ۱۱×۱۸ سانتیمتر، شماره ۴۲.
  ۱۰. مخزن الاسرار و اسکندرنامه نظامی، فارسی، کتابت ۹۷۴ ق، به خط قطب الدین محمد کاتب، ۱۴۲ برگ، ۱۶×۲۴ سانتیمتر، شماره ۵۲.
  ۱۱. نفحات الانس، جامی، فارسی، کتابت اواخر سده ۹ ق، ۳۳۰ برگ، ۱۴×۲۴ سانتیمتر، شماره ۵۳.
  ۱۲. دیوان امیر خسرو دهلوی، کتابت ۹۶۸ ق، ۱۶۶ برگ، ۱۵×۲۴ سانتیمتر، شماره ۵۴.

- ۱۴۱ برگ، ۱۲×۱۸ سانتیمتر، شماره ۱۷۶.
۲۸. شرح تلخیص المفتاح قرظینی، عربی، کتابت ۹۸۵ ق، ۲۶۲ برگ، ۱۷×۲۵ سانتیمتر، شماره ۱۷۷.
۲۹. وقایہ الروایۃ فی المسائل الہدایۃ، عربی، عبید اللہ بن مسعود، کتابت ۹۶۰ ق، ۱۲۸ برگ، ۱۶×۲۵ سانتیمتر، شماره ۲۱۸.
۳۰. دیوان امیر خسرو دہلوی، فارسی، کتابت سدہ ۹ ق، ۶ برگ، ۱۵×۲۵ سانتیمتر، شماره ۲۳۰.
۳۱. خوارزمخان کتابخانہ سیدگی کتابلروی خطی، ازبکی، کتابت سدہ ۱۴ ق، ۲۵ برگ، ۲۱×۳۵ سانتیمتر، شماره ۲۶۹.
۳۲. تذکرۃ شعرا ازبک، ازبکی، موہنجان تا شفیق، ۱۴۴ برگ، ۱۷×۲۱ سانتیمتر، شماره ۲۷۱.
۳۳. شجرۃ خوارزمشاہ، ازبکی، بیانی این باباجان ابن اللہ بیری تورہ این ایلتوزار، کتابت ۱۳۳۲ ق، بہ خط محمد یوسف بیگ، ۵۱۷ برگ، ۲۲×۳۰ سانتیمتر، شماره ۲۷۴.
۳۴. مجموعہ شامل خراجات دفتری خیوہ مملکتی نینک حادثاتی، مخمسات و غزلیات پراکنده و قرض دفتری، ازبکی، کتابت ۱۳۴۰ ق، ۳۱۲ برگ، ۱۷×۲۱ سانتیمتر، شماره ۲۸۰.
۳۵. مثنوی مولوی، کتابت ۹۰۰ ق، ۱۸۰ برگ، ۱۱×۱۷ سانتیمتر، شماره ۳۱۰.
۳۶. ذکر طائفۃ من اہل بخارا، فارسی، مجهول، ۱۹۸ برگ، ۱۳×۲۰ سانتیمتر، شماره ۳۹۶.
۳۷. نگارستان، فارسی، ابن مؤمن الجوانی، کتابت ۷۳۵ ق، ۲۵۵ برگ، ۱۵×۲۲ سانتیمتر، شماره ۴۲۲.
۳۸. مجالس النفاہس، ازبکی، علیشیر نوائی، کتابت ۹۹۹ ق، بہ خط نستعلیق استاد عنبرین زرین قلم، ۸۵ برگ، ۱۶×۲۳ سانتیمتر، شماره ۴۲۹.
۳۹. سیر النبی، عربی، مجهول، کتابت ۸۶۱ ق، بہ خط شیخ محمد حاجی بن شیخ محمد، ۲۲۶ برگ، ۱۷×۲۴ سانتیمتر، شماره ۵۱۴.
۴۰. منتخب دیوان و تاریخ انبیا و حکما، ازبکی، علیشیر نوائی، کتابت ۹۷۲ ق، ۴۷ برگ، ۲۲×۳۱ سانتیمتر، شماره ۵۳۳.
۴۱. فوائد الوافیۃ، عربی، جامی، کتابت ۹۹۱ ق، بہ خط بابا ایشان، ۱۳۷ برگ، ۱۱×۲۰ سانتیمتر، شماره ۵۹۰.
۴۲. مجموعۃ علی اکبر حضرت عباس؟، فارسی، کتابت سدہ ۹ ق، ۷۹ برگ، ۱۱×۱۶ سانتیمتر، شماره ۵۹۵.
۴۳. مثنوی مولوی، کتابت ۶۷۲ ق، بہ خط محمدی، ۴۲۱ برگ، ۱۲×۲۲ سانتیمتر، شماره ۶۳۳.
۴۴. شرح الہدایۃ، عربی، مجهول، کتابت ۹۷۴ ق، ۳۶۹ برگ، ۱۶×۲۷ سانتیمتر، شماره ۶۸۳.
۴۵. وقایہ الروایۃ فی المسائل الہدایۃ، عربی، عبید اللہ بن مسعود، کتابت ۹۷۲ ق، بہ خط محمد رضا بن ملا محمد کوفی، ۲۲۰ برگ، ۱۸×۲۴ سانتیمتر، شماره ۶۸۴.
۴۶. دیوان حافظ، کتابت سدہ ۱۰ ق، ۱۲۴ برگ، ۱۳×۱۹ سانتیمتر، شماره ۶۹۲.
۴۷. دیوان بنایی، فارسی، کتابت سدہ ۱۰ ق، ۶۳ برگ، ۱۴×۲۲ سانتیمتر، شماره ۶۹۳.
۴۸. شرح فوائد الضیائیۃ، عربی، پیر محمد بن عاشق التجار نسفی، کتابت ۹۹۰ ق، ۱۰ برگ، ۱۲×۱۹ سانتیمتر، شماره ۷۵۴/۲.
۴۹. الحسن و الحسنین، عربی، شمس الدین محمد بن محمد بن محمد بن الجزاری، کتابت ۸۲۱ ق، ۱۰۶ برگ، ۱۲×۲۰ سانتیمتر، شماره ۸۲۸.
۵۰. تحفۃ الاحرار، جامی، فارسی، کتابت ۹۹۸ ق، ۶۳ برگ، ۱۶×۲۶ سانتیمتر، شماره ۸۵۵.
۵۱. تذکرۃ بغراخان، ازبکی، احمد بن سعد الدین الازکانی، النمنگانی، کتابت ۱۱۹۲ ق، ۲۵۰ برگ، ۲۰×۳۲ سانتیمتر، شماره ۸۶۲.
۵۲. مجموعہ، شامل انوار حکمت یوسفی و لویح و مونس الفقرا جامی و اشعار پراکنده، فارسی، کتابت ۹۱۹ ق، بہ خط محمد فاضل محمد، ۱۱۲ برگ، ۹×۱۷ سانتیمتر، شماره ۸۷۷.
۵۳. نحو اللغۃ العربیۃ، عربی، علی بن شبلی، کتابت ۹۷۲ ق، ۴۳ برگ، ۱۳×۲۳ سانتیمتر، شماره ۸۷۹.
۵۴. کاشف المشکلات، فارسی، جلال الدین یوسف خافی، بہ خط ملا خال محمد، ۱۲۴ برگ، ۱۵×۲۵ سانتیمتر، شماره ۸۸۲.
۵۵. تاریخ کثیرہ، فارسی، مجهول، کتابت ۱۱۳۲ ق، ۲۹۱ برگ، ۱۳×۲۰ سانتیمتر، شماره ۸۹۹.
۵۶. عتیقۃ، عربی، محی الدین یحییٰ بن شرف النووی، کتابت

- ۶۸۴ ق، ۲۲۴ برگ، ۱۷×۲۵ سانتیمتر، شماره ۹۴۶.
۵۷. جامع الروایات، عربی، مجهول، کتاب ۹۳۰ ق، ۳۳۵ برگ، ۱۷×۲۵ سانتیمتر، شماره ۹۴۷.
۵۸. طواع، فارسی، شیخ عبدالله سیطاوی، کتاب ۷۳۵ ق، ۱۹۳ برگ، ۱۳×۱۸ سانتیمتر، شماره ۹۴۹.
۵۹. دیوان عزیزالله حضوری قمی، فارسی، کتاب سده ۱۳ ق، ۵۹ برگ، ۱۴×۲۳ سانتیمتر، شماره ۹۵۴.
۶۰. کلیلہ و دمنہ، فارسی، کتاب ۸۶۶ ق، ۳۹۶ برگ، ۱۲×۲۳ سانتیمتر، شماره ۹۵۷.
۶۱. جامع الصغیر، عربی، حسام‌الدین عمر بخاری، کتاب ۹۸۹ ق، به خط میکائیل بن اسرائیل بن سعد، ۱۶۲ برگ، ۱۹×۲۳ سانتیمتر، شماره ۱۰۲۷.
۶۲. تذکره الشهداء، فارسی، محمد حسین بن باقی بخاری، کتاب ۱۳۱۱ ق، ۲۵۸ برگ، ۲۵×۳۰ سانتیمتر، شماره ۱۰۵۹.
۶۳. شرف السادات، فارسی، قاضی شهاب‌الدین دولت‌آبادی، ۹۶ برگ، ۱۵×۲۵ سانتیمتر، شماره ۱۰۸۴.
۶۴. تفسیر زاهدی، فارسی، ابونصر احمد بن حسین سلیمانی نجاری، ۲۵۰ برگ، ۳۱×۴۶ سانتیمتر، شماره ۱۲۲۵.
۶۵. تفسیر زاهدی، مجلد دیگر، ۲۵۹ برگ، ۳۱×۴۶ سانتیمتر، شماره ۱۲۲۶.
۶۶. جواهر التفسیر، فارسی، کتاب ۹۹۹ ق، به خط سلطان محمد پاینده بخاری، ۳۹۱ برگ، ۱۸×۲۴ سانتیمتر، شماره ۱۲۶۸.
۶۷. تفسیر عنایت‌الله شیخ بخاری، عربی، ۱۷۷ برگ، ۱۵×۲۵ سانتیمتر، شماره ۱۳۰۸.
۶۸. غزلیات صنوبر، ازبکی، کتاب سده ۱۳ ق، ۱۲۶ برگ، ۱۵×۲۶ سانتیمتر، شماره ۱۳۶۱.
۶۹. مثنوی مولوی، کتاب ۸۵۹ ق، ۱۹۷ برگ، ۱۶×۲۳ سانتیمتر، شماره ۱۳۶۲.
۷۰. تحریر اقلیدس، عربی، ۱۲۰ برگ، ۱۲×۱۸ سانتیمتر، شماره ۱۴۰۳.
۷۱. جواهرنامه سمرقندی، فارسی، ۱۰۱ برگ، ۱۳×۲۳ سانتیمتر، شماره ۱۴۰۶.
۷۲. شاهنامه فردوسی، کتاب ۱۰۰۶ ق، ۳۶۴ برگ، ۱۸×۲۷ سانتیمتر، شماره ۱۴۰۸.
۷۳. النحو العربیة، عربی، مجهول، کتاب ۷۳۶ ق، ۱۰۴ برگ، ۱۳×۱۷ سانتیمتر، شماره ۱۴۲۰.
۷۴. فردوس الاقبال، ازبکی، مونس شیر محمد خوارزمی، کتاب سده ۱۳ ق، ۱۵۷ برگ، ۲۲×۳۴ سانتیمتر، شماره ۱۴۹۵.
۷۵. خوارزم تاریخی، ازبکی، مجهول، کتاب سال ۱۹۰۵ م، ۱۰۲ برگ، ۱۹×۲۸ سانتیمتر، شماره ۱۴۹۶.
۷۶. نقل من کتاب الشیوخ، فارسی، مجهول، ۴۳۸ برگ، ۱۳×۲۰ سانتیمتر، شماره ۱۵۰۴.
۷۷. ذخیره خوارزمشاهی، فارسی، سید اسماعیل جرجانی، ۳۴۸ برگ، ۱۶×۲۵ سانتیمتر، شماره ۱۵۶۰.
۷۸. مکتوبات یحیی میرزا، فارسی، ۴۷۸ برگ، ۱۲<sup>۱</sup>/<sub>۴</sub>×۲۱ سانتیمتر، شماره ۱۶۵۴.
۷۹. تفسیر شاهی، فارسی، شاه محمد بن عبد محمد بن سلطان علی، ۲۴۹ برگ، ۱۹×۳۱ سانتیمتر، شماره ۱۶۸۵.
۸۰. اخلاق محسنی، فارسی، کتاب اواخر سده ۹ یا اوایل سده ۱۰ ق، ۱۴۸ برگ، ۱۶×۲۲ سانتیمتر، شماره ۱۶۹۸.
۸۱. شجره، فارسی، مجهول، ۱۳ برگ، ۱۳×۲۱ سانتیمتر، شماره ۱۷۶۷.
۸۲. الکشاف، زمخشری، عربی، کتاب ۷۳۱ ق، ۳۳۱ برگ، ۱۷×۲۵ سانتیمتر، شماره ۱۷۸۸.
۸۳. شرح معارج النبوة، فارسی، مجهول، کتاب ۱۰۴۸ ق، ۱۲۵۴ برگ، ۱۷×۲۸ سانتیمتر، شماره ۱۷۹۴.
۸۴. ملکه دانشمند، فارسی و ازبکی، مجهول، ۱۳۱ برگ، ۱۳×۱۹ سانتیمتر، شماره ۱۸۱۳.
۸۵. جامع الرموز، فارسی، ۵۲۸ برگ، ۲۰×۳۱ سانتیمتر، شماره ۱۸۱۸.
۸۶. فحات الانس، جامی، فارسی، کتاب ۸۹۲ ق، این تاریخ از کاتب نسخه نیست و احتمالاً بعد از کتابت نوشته شده است، ۴۰۲ برگ، ۱۳×۲۳ سانتیمتر، شماره ۱۸۲۸.
۸۷. لغتنامه، فارسی، جمال‌الدین حسن بن فخرالدین حسین انجو، کتاب ۱۲۶۷ ق، ۴۴۱ ص، ۱۵×۲۷ سانتیمتر، شماره ۱۸۳۰.
۸۸. خمسة نظامی، فارسی، کتاب ۸۸۸ ق، ۲۱۰ برگ، ۱۷×۲۳ سانتیمتر، شماره ۱۸۵۰.

۱۰۶. مختار الاختيار، عربى، اختيار الدين بن غياث الدين الحسينى، كتابت ۱۰۱۹ ق، ۱۴۲ ص، ۱۶×۲۵ سانتيمتر، شماره ۲۴۱۹.
۱۰۷. منتخب من تفسير الكاشفى، عربى و فارسى، يعقوب بن عثمان بن محمود بن محمد الغزنوى، ۱۷۱ ص، ۱۴×۳۱ سانتيمتر، شماره ۲۴۳۸.
۱۰۸. الهداية فى شرح البداية، عربى، ابوالكشاف شيخ محمد العلوى، كتابت ۷۷۰ ق، ۳۴۳ ص، ۱۶×۲۷ سانتيمتر، شماره ۲۴۹۵.
۱۰۹. فتيده، فارسى، مجهول، ۱۱۰ ص، ۱۴×۲۴ سانتيمتر، شماره ۲۵۷۰.
۱۱۰. منتخب ديوان نوائى، ازبكى، كتابت ۸۹۰ ق، ۱۵۲ ص، ۱۵×۲۶ سانتيمتر، شماره ۲۷۱۲.
۱۱۱. مشكوة المصابيح، عربى، كتابت ۷۳۷ ق، ۳۸۶ ص، ۱۶×۳۰ سانتيمتر، شماره ۲۷۹۳.
۱۱۲. خزانه المتقين، عربى، قاضى شال، كتابت اواخر سده ۸ يا اوائل سده ۹ ق، ۱۱۰ ص، ۲۰×۳۲ سانتيمتر، شماره ۲۹۱۷.
۱۱۳. زينة الارواح ورسالة شبستان، فارسى، مجهول، كتابت ۷۹۰ ق، ۱۷۸ ص، ۱۱×۱۷ سانتيمتر، شماره ۲۹۸۶.
۱۱۴. مجمع الاحاديث، عربى، محمد بن محمد بن الجزرى، كتابت ۸۲۱ ق، ۱۵۷ ص، ۱۲×۲۰ سانتيمتر، شماره ۳۳۷۷.
۱۱۵. التلويح إلى كشف حقائق التنقيح، عربى، كتابت ۷۵۸ ق، ۳۸۶ ص، ۱۰×۲۱ سانتيمتر، شماره ۳۹۳۷.
۱۱۶. جواهر التفسير، فارسى، كتابت ۹۹۴ ق، ۴۳۱ ص، ۱۳×۲۳ سانتيمتر، شماره ۴۱۳۱.
۱۱۷. قواعد تفسير الكشاف، عربى، مجهول، ۲۳۸ ص، ۱۲×۲۰ سانتيمتر، شماره ۴۳۰۳.
۱۱۸. اصول التفسير، عربى، مجهول، ۶۸ ص، ۱۹×۲۵ سانتيمتر، شماره ۴۴۹۲.
۱۱۹. مختار الاختيار، فارسى، اختيار بن غياث الدين حسيني، كتابت ۹۵۰ ق، ۹۵ ص، ۱۸×۲۴ سانتيمتر، شماره ۴۶۷۴.
۱۲۰. اخلاق علايى، فارسى، محمد علايى، ۳۲۰ ص، ۱۳×۲۰ سانتيمتر، شماره ۴۷۹۷.
۱۲۱. مفرد القرآن، عربى، مجهول، ۱۶۶ ص، ۱۵×۲۵ سانتيمتر، شماره ۴۸۰۰.
۸۹. اشعار شعراى خوقند و تاشكند، فارسى، مجهول، ۱۹ برگ، ۲۵×۳۴ سانتيمتر، شماره ۱۸۷۵.
۹۰. محفل آراء، فارسى، برخوردار بن تركمان فراهى، كتابت ۱۲۴۷ ق، ۲۳۶ ص، ۱۵×۲۵ سانتيمتر، شماره ۱۸۷۹.
۹۱. شرح مثنوى معنوى، ازبكى، مجهول، ۱۷۶ ص، ۱۵×۲۶ سانتيمتر، شماره ۱۸۸۲.
۹۲. ديوان املاى بخارى، فارسى، كتابت ۱۱۷۹ ق، ۲۳۹ ص، ۱۲×۱۸ سانتيمتر، شماره ۱۹۳۱.
۹۳. قصص الانبياء، فارسى، مجهول، ۶۲۸ ص، ۳۱×۴۲ سانتيمتر، شماره ۱۹۳۳.
۹۴. تاريخ كثيره، فارسى، مجهول، ۱۸۷ ص، ۱۵×۲۵ سانتيمتر، شماره ۱۹۳۵.
۹۵. معرفة المذاهب، عربى، مجهول، ۲۱۹ ص، ۱۲×۱۹ سانتيمتر، شماره ۲۱۱۰.
۹۶. جواهر التفسير، فارسى، كتابت ۸۹۷ ق، ۳۶۷ ص، ۱۸×۲۸ سانتيمتر، شماره ۲۱۱۳.
۹۷. مجمع الروايات، ازبكى، مجهول، ۱۵۷ ص، ۱۴×۲۶ سانتيمتر، شماره ۲۱۱۱.
۹۸. حقائق العلوم ورسالة علم التفسير، عربى، مجهول، ۳۱ ص، ۱۷×۳۱ سانتيمتر، شماره ۲۲۹۸.
۹۹. مجمع البحرين، عربى، كتابت ۷۶۱ ق، ۱۸۸ ص، ۱۵×۲۰ سانتيمتر، شماره ۲۳۰۲.
۱۰۰. مناقب محمد (ص)، ازبكى، مجهول، كتابت سده ۱۳ ق، ۱۱۹ ص، ۱۵×۲۶ سانتيمتر، شماره ۲۳۲۵.
۱۰۱. مجموعه انام، فارسى، مجهول، كتابت ۹۵۹ ق، ۷۲ ص، ۱۶×۲۴ سانتيمتر، شماره ۲۳۲۸.
۱۰۲. حيرت الابرار، ازبكى، امير عليشير نوائى، كتابت ۱۲۸۴ ق، ۱۴۱ ص، ۱۲×۲۰ سانتيمتر، شماره ۲۳۳۱.
۱۰۳. جامع المعلومات، عربى، عبدالله بن خواجه عارف بخارى، ۲۳۹ ص، ۱۹×۲۳ سانتيمتر، شماره ۲۳۳۵.
۱۰۴. روضة الاحباب، فارسى، عطاء الله بن فضل الله حسيني، كتابت ۹۷۸ ق، ۳۲۴ ص، ۱۷×۲۴ سانتيمتر، شماره ۲۴۰۱.
۱۰۵. الهداية، عربى، عبدالقدس سلطان، كتابت ۹۹۷ ق، ۴۰۱ ص، ۱۶×۲۴ سانتيمتر، شماره ۲۴۰۸.

۱۲۲. تاریخ وجیز، فارسی، کتابت ۱۲۷۶ ق، ۱۴۴ ص، ۱۵×۲۵ سانتیتر، شماره ۴۸۰۱.
۱۲۳. عقائد عضدیة، عربی، کتابت ۹۴۴ ق، ۴۰۷ ص، ۱۷×۲۷ سانتیتر، شماره ۴۸۰۲.
۱۲۴. مکتوبات فارسی، مجهول، ۱۲۶ ص، ۱۵×۲۶ سانتیتر، شماره ۴۹۹۲.
۱۲۵. انوار التنزیل بیضاوضی، عربی، جلد اول، کتابت ۹۸۶ ق، ۳۲۴ ص، ۱۲×۲۲ سانتیتر، شماره ۴۹۹۵.
۱۲۶. انوار التنزیل، جلد دوم، کتابت ۹۷۳ ق، ۲۹۳ ص، ۱۲×۲۲ سانتیتر، شماره ۴۹۹۶.
۱۲۷. مجموعه چند رساله از جمله: رساله الشریعة، کتابت ۹۷۱ ق، ۱۳۹ ص، ۱۱×۱۷ سانتیتر، شماره ۵۱۵۲.
۱۲۸. لویح جامی، فارسی و عربی، کتابت ۹۷۸ ق، ۳۰۰ ص، ۱۵×۲۵ سانتیتر، شماره ۵۴۹۱.
۱۲۹. الکتاب فی النحو، عربی، کتابت ۷۳۴ ق، ۱۳×۱۷ سانتیتر، شماره ۵۸۰۹. این نسخه متأسفانه در این گنجینه موجود نیست و نام آن را از دفتر دستنویس این کتابخانه یافتیم.
۱۳۰. رساله ملاجان، عربی، کتابت ۸۵۷ ق، ۱۲۸ ص، ۲۰×۳۰ سانتیتر، شماره ۶۵۱۶.
۱۳۱. تصنیفات شاعران جاووزبان، فارسی، قاری فتح‌الله، کتابت ۱۳۲۸ ق، ۳۶ ص، ۱۲×۲۰ سانتیتر، شماره ۲۹۵۹.
۱۳۲. الخلاصة، عربی، مجهول، کتابت ۹۷۷ ق، ۳۱۶ ص، ۱۹×۲۵ سانتیتر، شماره ۳۰۱۷.
۱۳۳. اخبار الفقهاء، عربی، مجهول، کتابت ۷۷۷ ق، ۱۹۸ ص، ۱۶×۲۶ سانتیتر، شماره ۳۱۰۶.
۱۳۴. تذکرة بغراخان، فارسی و عربی، احمد بن سعدالدین ارگانی نمگانی، کتابت ۱۱۱۸ ق، ۳۵۸ ص، ۱۸×۲۴ سانتیتر، شماره ۳۴۰۴.
۱۳۵. احادیث صحیحة، فارسی، مجهول، کتابت ۱۲۹۵ ق، ۱۴۲ ص، ۱۴×۲۶ سانتیتر، شماره ۳۴۵۱.
۱۳۶. مجمع الاحادیث، به عربی و فارسی، مجهول، ۱۱×۱۸ سانتیتر، شماره ۳۵۳۳.
۱۳۷. تعریف البلاد، فارسی، مجهول، کتابت ۱۲۸۴ ق، ۱۵۳ ص، ۱۳×۲۰ سانتیتر، شماره ۳۶۸۵.
۱۳۸. جامع الرموز، عربی، شمس‌الدین محمد قهستانی، کتابت ۱۲۲۹ ق، ۶۵۵ ص، ۱۴×۲۴ سانتیتر، شماره ۳۸۵۶.
۱۳۹. صلوات الاسلام، عربی و فارسی، مجهول، کتابت ۱۲۵۹ ق، ۷۰ ص، ۱۷×۲۰ سانتیتر، شماره ۳۹۰۸.
۱۴۰. ستر الکشاف، عربی، مجهول، کتابت سال ۱۲۵۰ ق، ۲۵۰ ص، ۱۲×۲۰ سانتیتر، شماره ۳۹۰۹.
۱۴۱. مجموع سلطانی، فارسی، مجهول، کتابت ۱۲۹۴ ق، ۱۱۶ ص، ۱۵×۲۶ سانتیتر، شماره ۴۰۱۳.

# دیدار از نمایشگاه بین‌المللی کتاب

علی رفیعی علامرودشتی

## چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب سوریه

چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب سوریه از روز چهارشنبه ۱۶ ایلول (سپتامبر) ۱۹۹۸ برابر با ۲۵ شهریور ۱۳۷۷، در دمشق و در کنار کتابخانه حافظ اسد، واقع در میدان امویین، با سخنرانی وزیر فرهنگ سوریه آغاز به کار کرد و تا ۲۵ ایلول برابر با سوم مهرماه به مدت ده روز ادامه یافت. در این بخش نگرشی به چگونگی این نمایشگاه، شرکت‌کنندگان، منابع ارائه شده و امکانات آن خواهیم داشت:

۱. در این نمایشگاه پانزده کشور شرکت کرده بودند که عبارت‌اند از: اردن، امارات متحده عربی، تونس، سوریه، عربستان سعودی، قطر، کویت، لبنان، لیبی، مصر، مغرب، انگلیس، ایران، روسیه، فرانسه.

۲. در این نمایشگاه ۳۵۷ ناشر شرکت کرده بودند، که ۲۲۸ ناشر به صورت مستقیم، و ۱۲۹ ناشر وکالتاً شرکت داشتند. از این میان، سوریه و لبنان بیشترین شرکت‌کننده را داشتند.

۳. آمار عناوین کتابها و نشریات ارائه شده در این نمایشگاه، براساس دو جلد راهنمایی که برای این نمایشگاه تهیه شده بود، ۱۹۴۱۳ عنوان بود، ولی شمار عناوین ارائه شده در نمایشگاه، براساس آمار مسئولان و گردانندگان نمایشگاه، به ۳۵۰۰۰ عنوان می‌رسید.

کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) با پانصد هزار جلد کتاب و بیش از هفتاد هزار عنوان نسخه خطی، یکی از معتبرترین، بزرگترین و پویاترین کتابخانه‌های ایران و جهان است. این کتابخانه در کنار فراهم‌سازی این مجموعه بزرگ و نفیس، به کارهای پژوهشی، تحقیقاتی و علمی نیز می‌پردازد، که یکی از آنها تدوین و تهیه دایرةالمعارفی درباره کتابخانه‌های دارای نسخ خطی در جهان است.

در راستای همین کارهای علمی و پژوهشی است که با جدیت هرچه تمامتر، کارشناسی و تهیه منابع موردنیاز کتابخانه و بخشهای تحقیقاتی - پژوهشی خویش را دنبال می‌کند و در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب شرکت می‌نماید، تا در این زمینه بیش از پیش گامهای بلندی بردارد.

آنچه در پی می‌آید، گزارشی از مأموریت علمی - فرهنگی این جانب به کشورهای سوریه و لبنان است، که برای تهیه منابع تخصصی کتابداری، کتابشناسی، اطلاع‌رسانی، فهرست‌نگاری و ... انجام گرفته است.

- فرهنگی با کتابخانه آیت‌الله مرعشی به بحث و گفت‌وگو پرداختم. این معهد از آغاز تأسیس تا کنون، علاوه بر تأسیس کتابخانه‌ای مهم و نفیس، کتابهای فراوانی را منتشر کرده است. پس از اتمام نمایشگاه، برخی منابع را باید از کتابفروشیهای معتبر سوریه تهیه می‌کردم. کار شناسایی این منابع آغاز شد و براساس فهرستهایی که در اختیار داشتم، بسیاری از آنها را تهیه کردم و از برخی نیز زیرا کس گرفتم.

دیدار با شخصیت‌های علمی نیز جزو برنامه‌ام بود که با برخی از آنها ملاقات کردم؛ از جمله آقای دکتر سهیل زکار، رئیس کتابخانه حافظ اسد، معاون کتابخانه حافظ اسد، آقای ابویاسر فرزند بزرگ مفتی عام سوریه، ابوهشام یکی از نویسندگان سوری، استاد عبود قره از نویسندگان مسیحی، که کتابهای فراوانی درباره تاریخ سوریه نوشته است. در این ملاقاتها غیر از مباحثی درباره کتاب و کتابخانه‌ها در سوریه و جهان اسلام، مطالبی درباره همفکری بیشتر میان نویسندگان و دانشمندان و متفکران سوریه و ایران مطرح گردید.

از برخی آثار تاریخی و اماکن اسلامی در دمشق، مانند مقبره محی‌الدین عربی نیز دیدارهایی داشتم؛ این آثار نشان از تاریخ کهن این سرزمین اسلامی دارد، و به گفته تاریخ یکی از کهنترین شهرهای جهان است. در حد فاصل میان مقبره محی‌الدین عربی و مسجد شیخ احمد کفتارو، مفتی عام سوریه، مدارس فراوانی وجود دارد. بیشتر این مدارس، که گویا در دوره ممالیک ساخته شده‌اند، اکنون یا خراب شده‌اند و یا اگر باقی هستند، طلبه‌ای در آنها نیست. بنابه گفته دوستان آگاهی که همراه من بودند، این مدارس بیشتر برای بیتوته عالمان، دانشمندان و اهل زهد و تصوف بوده است، و چون دمشق از دیرباز محل عبور و مرور عالمان اسلامی بوده است، برای آنان خانه‌ها و مدارسی می‌ساختند که در مدت اقامتشان سرگردان نباشند. تاریخ این عالمان و مهاجران را رجالی و مورخ نامدار دمشق، ابن عساکر، در تاریخ دمشق گرد آورده است. از مقبره این عالم برجسته نیز دیدار کردیم.

با یکی از دانشمندان سوریه، درباره خرابه شام گفت‌وگویی

۴. مجموعه منابع ارائه شده در این نمایشگاه، شامل موضوعات مختلفی بود که می‌توان آنها را در ده موضوع کلی دسته‌بندی کرد: الف) مراجع عمومی؛ ب) فلسفه؛ ج) ادیان و مذاهب؛ د) علوم؛ ه) واژه‌شناسی و زبان؛ و) فنون و هنر؛ ز) ادبیات؛ ح) تاریخ؛ ط) جغرافیا؛ ی) تراجم.

۵. گویا اوضاع بد اقتصادی در آسیا، تأثیرات شگرفی بر علم و فرهنگ نیز به جا گذاشته، زیرا کتاب در این نمایشگاه، نسبت به نمایشگاههای گذشته، به مراتب گرانتر شده بود؛ به صورتی که کتابی کمتر از ۵ دلار یا ۲۵۰ لیر سوری یافت نمی‌شد. اگر قیمت کتاب به همین صورت افزایش یابد، وضعیت فرهنگی و علمی بسیار بغرنج و ناامیدکننده‌ای در آسیا و جهان اسلام پدید خواهد آمد.

۶. جز چند نفر از دوستان ایرانی و چند تن از ترکیه و دوسه کشور دیگر که برای مؤسسات کتاب تهیه می‌کردند، سایر بازدیدکنندگان، به ویژه نسل جوان، به فکر خرید کتاب نبودند و بیشتر برای دیدن و تفریح به نمایشگاه می‌آمدند. وقتی با ناشران نیز صحبت می‌کردیم، از وضعیت فروش کتاب ناراضی بودند. البته این وضعیت ناشی از بهای گزاف کتابها بود.

۷. یکی از موارد ضعف این نمایشگاه را شاید بتوان مکان برگزاری آن دانست، زیرا در حیاط و فضای باز جلو کتابخانه حافظ اسد، چادرهای موقتی برپا شده بود که هیچ‌گونه امکانات و تسهیلات رفاهی نداشتند. از اینها گذشته، برای حمل کتاب از داخل نمایشگاه به بیرون هیچ وسیله‌ای وجود نداشت؛ حتی کارگری هم یافت نمی‌شد که این کار را انجام دهد، و این بر زحمت و سختی کار تهیه و خریداری کتاب می‌افزود.

۸. در این نمایشگاه کتابهای تازه انتشار یافته کم نبودند. دیدن این کتابها، ضعفها و نقصهای نمایشگاه و بهای گزاف کتابها را از خاطره‌ها می‌بُرد.

دیدار از مراکز و مؤسسات نشر در سوریه و لبنان

الف) سوریه: در دمشق از برخی مؤسسات، مانند معهد فرانسی دیداری داشتم و با رئیس معهد درباره مبادلات علمی



داشتم. ایشان اطلاعات دقیق و کافی در این باره نداشت، اما با هم قرار گذاشتیم از محله‌ای که در قدیم به نام «خریة الشام» وجود داشته دیدار کنیم. یک روز جمعه با هم و به اتفاق دو نفر از دوستان دیگر به دیدار محله خریة الشام رفتیم. بنابه اظهارات آنان، وقتی از گنبد و بارگاه منسوب به حضرت رقیه - که در شرق مسجد جامع اموی قرار گرفته - رو به طرف مسجد می‌آیم، سمت چپ مسجد، یعنی پشت دیوارهای مقام رأس الحسین (ع)، کوچه‌ای است که گویا ابتدای محله خریة الشام است، و تا نزدیکیهای باب توما از یک سو، و از طرف دیگر تا خیابان سید محسن امین را محله خریة الشام می‌نامیده‌اند، که به احتمال قوی، محله شیعه‌نشین دمشق قدیم بوده و اسیران اهل بیت (ع) را در همین محله فرود آورده‌اند. البته طبق اظهارات بعضی از دوستان، محلی که اکنون به مقام رأس الحسین (ع) شهرت دارد و پشت دیوار آن تا موزه آثار قدیمی که در مسجد اموی واقع شده، در قدیم اسلحه‌خانه امویان بوده است. بنابه اظهار برخی از مورخان جدید دمشق، پشت مسجد جامع فعلی و نزدیک به این اسلحه‌خانه، مسجد خرابه‌ای قرار داشته که اهل بیت را در آن سکنی داده بودند. و جای جای این محله قدیمی را مقامها، مسجدهای کوچک، زوایا، آرامگاهها و زیارتگاههای عالمان و بزرگان پر کرده است.

(ب) لبنان: بیروت به منزله پایگاه علم و فرهنگ در خاورمیانه، همیشه جاذبه‌های فراوانی برای علاقه‌مندان کتاب دارد. این

پایگاه فرهنگی با همه درگیریها و جنگ و ستیزهای طایفه‌ای و حملات پیاپی اسرائیل، و زیر شدیدترین بمبارانهای دشمن، لحظه‌ای از حرکت علمی - فرهنگی باز نایستاد و به کار چاپ و نشر کتاب ادامه داد. در بیروت، خصوصاً در قسمت غربی و به ویژه خیابان الحمراء، کتابفروشیها و ناشران بزرگ کتاب، برای هر بیننده‌ای تازه‌هایی دارد که شیفتگان کتاب را به سوی خود فرا می‌خواند. در این کتابفروشیها و اطراف خیابان الحمراء، تازه‌ترین کتابهایی که در جهان به زبانهای مختلف چاپ شده و یا در خود بیروت انتشار یافته، مشاهده می‌شود. کتابهایی را که چاپشان در کشورهای دیگر به دلایل مختلفی ممنوع است، در این جا به راحتی می‌توان یافت و آنها را به قیمتی نسبتاً ارزانتر از کشورهای دیگر تهیه کرد.

با این حال، تنگناهای اقتصادی بر بازار کتاب نیز تأثیر گذاشته بود و بسیاری از کتابفروشیهای جزء و حتی نمایشگاه دائمی کتاب بیروت تعطیل شده بود؛ در این نمایشگاه کلیه ناشران لبنان کتابهایشان را عرضه می‌کردند.

دیگر کتابفروشیهای معروف لبنان، مانند آنطوان، بیسان، مکتبه لبنان و نوفل نیز بازار را کدی داشتند. از این کتابفروشیها نیز برخی منابع مورد نیاز دائرةالمعارف کتابخانه‌ها و کتابخانه حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی تهیه شد.

در بیروت نیز با عده‌ای از نویسندگان دیدار کردم و از نظریات آنها درباره کتابخانه‌ها و کتابهای کتابداری و کتابشناسی استفاده کردم. همچنین از برخی مؤسسات علمی، پژوهشی و فرهنگی بازدید نمودم.

## بازتاب دیدار

هیچ ماهی سپری نمی‌شود، مگر این‌که خیل عظیمی از شخصیت‌های علمی از گوشه و کنار ایران و جهان، آهنگ دیدار از کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) می‌کنند، که حاصل عمر بزرگ مردی است که هستی خویش را در پاسداری از حریم فرهنگ و معرفت تقدیم کرد و گنجینه‌ای گرانسنگ از خود به یادگار گذاشت.

آنچه در پی می‌آید، اظهارات برخی از بازدیدکنندگان است که بر دفتر یادبود نقش بسته است؛ دفتری که آینه‌سان، عشق و شیفتگی به این گنجینه ماندگار را می‌نمایاند.

دکتر فرج‌الله فرزانه‌فر: از بازدید این مجموعه بی‌نظیر فرهنگی بسیار لذت بردم. کوشش و پشتکار مسئولین آن در نگهداری و توسعه این مجموعه عظیم موجب اعجاب و تحسین است.

\* \* \*

عبدالرحمن عیدروس، معاون مرکز دارالکتب الاسلامیه، از اندونزی: خداوند سبحان را شاکرم که به من توفیق دیدار از کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی (ره) را عطا فرمود. این کتابخانه به دلیل برخورداری از نسخه‌های نفیس، جزء نادرترین کتابخانه‌های معاصر است. پس از بازدید از کتابخانه، شگفتی من از عظمت میراث اسلامی دوچندان شده است. امیدوارم در آتیۀ نزدیک شاهد برقراری روابط فرهنگی میان این کتابخانه و کتابخانه خود باشیم.

پروفسور لئونارد هرتسنبرگ، استاد زبان فارسی در دانشگاه سن پترزبورگ روسیه: این کتابخانه باعث تعجب فراوان من شد. از شما تشکر می‌کنم. امیدوارم که هرچه زودتر مجدداً به این جا بیایم. دستخطها و کتابهای خطی نفیس فراوان آن بسیار پراهمیت است، اما آنچه اهمیت بیشتری دارد، کار سترگ آن عالم ربانی و مهربان، حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) است.

\* \* \*

خانم کریستین برد، نویسنده و خبرنگار آمریکایی: از حضرت عالی به خاطر زحماتتان در این کتابخانه عظیم تشکر می‌کنم. نسخ خطی این گنجینه بسیار مؤثر و مفید و شگفت‌انگیز است. من از دیدار آنها بسیار لذت بردم.

\* \* \*

استثنایی چون مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و فرزند برومند ایشان برمی‌آید.

\* \* \*

راشمی پاتاگ از لکهنو هندوستان: کتابخانه بسیار باعظمی است. این کتابخانه یکی از زیباترین کتابخانه‌های جهان است و از حیث مرمت کتب خطی و قسمتهای دیگر بسیار عالی است.

\* \* \*

علی احمد الاکوع، از علمای برجسته زیدیه در یمن: بسیار مایه خوشبختی است که توفیق بازدید از کتابخانه علامه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) را داشتم. درباره این کتابخانه بسیار شنیده بودیم، ولی آنچه را که دیدیم بسی برتر از گفته‌ها بود. ما شاهد هزاران نسخه خطی نفیس و صدها هزار کتاب چاپی در زمینه‌های مختلف بودیم، که مورد اهتمام و توجه علمی پژوهشگران است.

\* \* \*

نبیل حمود الاشول، از علمای برجسته زیدیه در یمن: آنچه مسلمانان را شاد می‌کند و به آنها احساس افتخار و غرور می‌بخشد، داشتن چنین کتابخانه‌های بزرگی در جمهوری اسلامی ایران است. آنچه را که در این کتابخانه دیدیم مایه تعجب بود.

\* \* \*

بابا طاهر امینی، رهبر علویان در مقدونیه: امروز همراه درویش مطلب با کبری از مهمترین کتابخانه جمهوری اسلامی ایران بازدید کردیم. آنچه را که در این کتابخانه دیدیم، حاکی از شخصیت

والای آن مؤسس بزرگ و زحمات طاقت‌فرسای اوست.

\* \* \*

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد آصف محسنی، رهبر یکی از گروههای جهادی افغانستان: امروز که من و دوستان همراه موفق به دیدار و زیارت این کتابخانه باعظمت شدیم، نه تنها درباره کتب خطی و چاپی مطالب جالبی شنیدیم، که با

دکتر عبدالرزاق عبدالرحمن سعدی، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی مردمی در بغداد: همراه هیئتی از علمای جهان اسلام بازدید از کتابخانه آیت‌الله مرعشی داشتیم. فرزند ارشد ایشان، جناب آقای دکتر مرعشی، توضیحات بسیار خوبی درباره کتابخانه و قسمتهای مختلف آن ارائه کردند. اهتمام در نگهداری و مرمت کتابها قابل تحسین است. امیدواریم که این کتابخانه، مرکزی برای اشاعه فرهنگ غنی اسلام باشد، و طلاب و عالمان بتوانند از دریای وسیع و گسترده آن بنوشند.

\* \* \*

آقای شفیع احمد محمد، سفیر سودان در تهران: خدا را شاکرم که منت فرمود تا از این گنجینه بی نظیر بازدید نمایم. کتابهای نفیس در آن همچون جواهر و نگین می‌درخشند. اراده عظیم بنیانگذار کتابخانه انسان را به تحیر وامی‌دارد. امیدوارم که جوانان ما از بزرگان امت اسلامی استفاده فراوان ببرند.



شفیع احمد محمد، سفیر سودان در تهران

\* \* \*

آقای رسول وطن دوست، دبیر چهارمین همایش بین‌المللی فرسودگی زیست‌محیطی آثار تاریخی: بازدید از کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجب کمال افتخار است. کار عظیمی که در جمع‌آوری و نگهداری این مجموعه بزرگ انجام شده، فقط از شخصیتی

خاطره فرهنگ انسانی می ماند و روزه روز ارزشش بیشتر می شود.

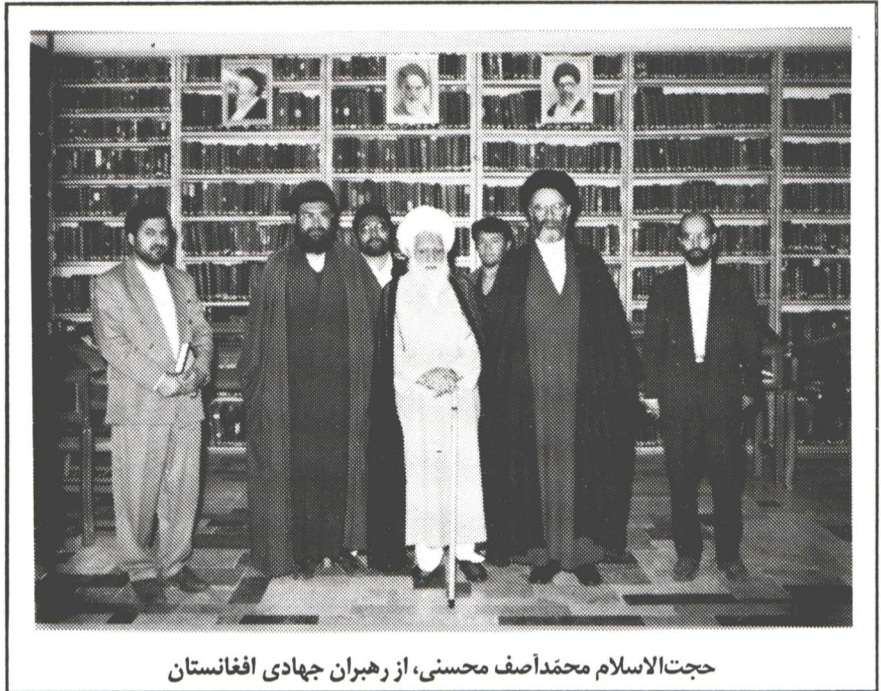
مسائل فنی جدیدی نیز آشنا شدیم. آنچه برای این جانب بسیار جالب و جذاب بود، روح قوی و اراده آهنین مؤسس این کتابخانه است.

\* \* \*

آقای بشیر ورسی، نویسنده و محقق کنیایی: عمیقاً تحت تأثیر این کتابخانه بزرگ و منحصر به فرد در جهان قرار گرفتم. جای بسی امیدواری است که این کتابخانه عظیم نقش وسیعی در ارتقا و گسترش فرهنگ اسلامی دارد.

\* \* \*

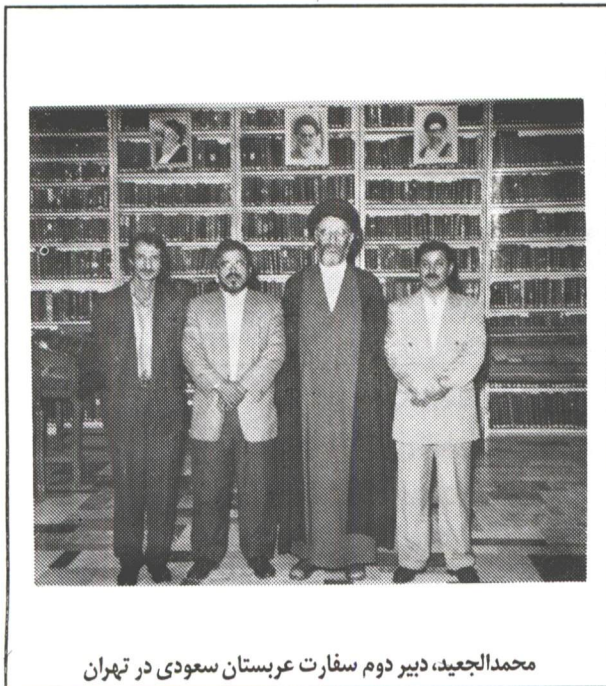
آقای محمد الجعید، دبیر دوم سفارت عربستان سعودی در تهران: مایلم از دکتر سید محمود مرعشی برای استقبال و توضیح نکاتی درباره این کتابخانه عظیم - که قبلاً از آنها بی خبر بودم - تشکر و سپاسگزاری کنم. امیدوارم بتوانم به سهم خود اقداماتی را در امر واردات کتاب به این کتابخانه از طریق هماهنگی و ارتباط با سایر کتابخانه های عربستان سعودی انجام بدهم.



حجت الاسلام محمد آصف محسنی، از رهبران جهادی افغانستان

\* \* \*

علی ناصر محمد، رئیس جمهور سابق یمن جنوبی و مدیر مرکز عربی بررسیهای استراتژیک دمشق: این کتابخانه نمایانگر پارسایی و تلاش آن بزرگوار برای خدمت به علم و عالمان است. این مکان گنجینه ای است که همواره در



محمد الجعید، دبیر دوم سفارت عربستان سعودی در تهران



علی ناصر محمد، رئیس جمهور سابق یمن جنوبی و مدیر مرکز عربی بررسیهای استراتژیک دمشق

## اخبار کتابخانه

تاریخی - فرهنگی (4 - ICBCP) از سی‌ام آبان تا چهارم آذر ۱۳۷۷ در تهران برگزار شد.

این همایش با همکاری تعدادی از سازمانهای معتبر داخلی و بین‌المللی، از جمله کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، سازمان اسناد ملی ایران، سازمان میراث فرهنگی، مرکز بین‌المللی حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی (ایکروم)، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، شورای بین‌المللی فرسودگی زیست‌محیطی آثار تاریخی - فرهنگی و ... برگزار گردید. در این همایش جمع بسیاری از متخصصان و کارشناسان جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای جهان حضور داشتند که تعدادی از آنها مقالات خود را در زمینه‌های

### اهدای یک دستگاه ترمیم‌نسخ خطی به کتابخانه

آقای شیخ جمعة الماجد مؤسس و بنیانگذار مرکز فرهنگی جمعة الماجد در امارات عربی، طی مراسمی یک دستگاه ترمیم‌نسخ خطی به این کتابخانه اهدا کرد. آن مرکز با کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) از چند سال قبل تفاهم‌نامه‌ای مبنی بر تهیه ریزفیلیم از نسخه‌های خطی اسلامی موجود در کتابخانه‌های جهان منعقد ساخته است و تا کنون ریزفیلیم بیش از هزار عنوان از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های بزرگ، از جمله کتابخانه سن پترزبورگ روسیه، را

به این کتابخانه ارائه داده است. آقای شیخ جمعة الماجد را آقای دکتر عبدالرحمان فرفور معاون ایشان همراهی می‌کرد. ایشان در ضیافت نهار متولی کتابخانه، که به افتخار وی ترتیب یافته بود، گفت: از این‌که در هر یک از بازدیدهایم از این کتابخانه می‌بینم که تحولات اساسی صورت گرفته و آقای مرعشی با شتابی بیش از پیش به تکمیل و توسعه کتابخانه اهتمام دارند، مسرور می‌شوم. در پایان این دیدار، آقای شیخ جمعة الماجد از متولی کتابخانه دعوت کرد تا یک دیدار رسمی از آن مرکز در دوی داشته باشد.



آقای شیخ جمعة الماجد، مؤسس و بنیانگذار مرکز فرهنگی جمعة الماجد در دبی

فرسودگی آثار فرهنگی، به‌ویژه آثار مکتوب، ارائه کردند. در روز افتتاحیه، پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید، دکتر رسول وطن‌دوست، دبیر همایش و رئیس پژوهشکده حفاظت

همایش بین‌المللی فرسودگی زیست‌محیطی آثار تاریخی چهارمین همایش بین‌المللی فرسودگی زیست‌محیطی آثار

## سخنان متولی کتابخانه در همایش بین‌المللی

فرسودگی زیست‌محیطی آثار تاریخی - فرهنگی در تهران کتابخانه فرهنگبان بزرگ اسلام آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) که به فرموده حضرت امام - قدس سره - از کتابخانه‌های کم‌نظیر و شاید بتوان گفت بی‌نظیر ایران است، در حال حاضر از لحاظ حجم گسترده نسخه‌های خطی نفیس اسلامی - که سابقه کتابت بسیاری از آنها به بیش از ۱۲۰۰ سال قبل برمی‌گردد - از دیگر کتابخانه‌های کشور متمایز است.

در گنجینه نسخه‌های خطی این کتابخانه تا به امروز حدود سی هزار مجلد نسخه خطی نفیس شامل ۵۵۰۰۰ عنوان کتاب و رساله است که بسیاری از آنها منحصر به فرد و به خطوط دانشمندان بزرگ اسلامی مزین است. این مجموعه را آن مرحوم در طول حیات پر بار خویش با عدم امکانات مالی، به تنهایی فراهم آورد و در نهایت آن را در طبق اخلاص نهاد و تقدیم جامعه اسلامی کرد تا همگان از آن بهره‌گیرند.

از آن‌جا که کشور ما از کشورهای گرمسیر و خشک است و ذخایر خطی و دستنویس بیش از کشورهای مرطوب و خنک مورد هجوم آفتها قرار می‌گیرند، در مجموعه کتابهای خطی این کتابخانه نسخه‌های آسیب‌دیده بسیاری وجود دارد که سریعاً باید از فرسایش بیشتر آنها پیشگیری شود.

ضرورت توجه به مسائل زیست‌محیطی و عوارض کاربرد مواد اولیه شیمیایی در مرمت این ذخایر، موجب شده است که استفاده از مواد طبیعی و غیرشیمیایی مورد توجه قرار گیرد. پیشگیری از گسترش آفتها، بر درمان آنها مقدم است، لذا در این کتابخانه از مواد طبیعی و شیوه‌های سنتی مرمت استفاده می‌شود و بسیاری از اقدامات ایمنی برای عدم آلودگی مواد این کتابخانه به آفتهای طبیعی و مصنوعی انجام می‌گیرد. شیوه ترمیم کاغذ در واحد مرمت این

کتابخانه شامل دو بخش است: ساخت کاغذهای سنتی و رنگ آمیزی کاغذها.

و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی ضمن خوشامدگویی، از سابقه این همایش سخن گفت. آن‌گاه آقای پروفیسور هیدئو آرای، رئیس شورای بین‌المللی فرسودگی زیست‌محیطی آثار تاریخی - فرهنگی، هدف از این نشستها را ارائه کرد. سپس متولی و رئیس کتابخانه درباره روند مرمت و آفت‌زدایی ذخایر مکتوب در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) سخنانی ایراد کرد.

لازم به یادآوری است که حدود صد نفر از میهمانان همایش در روز پایانی به دعوت رئیس کتابخانه به قم آمده و از گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه و نیز واحد مرمت و آفت‌زدایی بازدید و در ضیافت نهار مسئول کتابخانه شرکت کردند. در این مراسم پس از خوشامدگویی متولی کتابخانه، آقای دکتر آرای و آقای دکتر وطن‌دوست طی سخنانی از نحوه کار مرمت آثار مکتوب در این کتابخانه ابراز رضایت کردند. ضمناً آقای جا کوپس، یکی از برجسته‌ترین متخصصان مرمت آثار مکتوب در کتابخانه لندن نیز از نحوه کار کارکنان مرمت کتابخانه اظهار خشنودی کرد و گفت: ما هم در کتابخانه لندن کتب خطی و اسناد مکتوب را همین‌گونه مرمت می‌کنیم.



میهمانان چهارمین همایش بین‌المللی فرسودگی زیست‌محیطی آثار تاریخی - فرهنگی

در بسیاری از موارد از کاغذهای ماشینی قدیمی استفاده گردیده، اما با توجه به مطالعات انجام شده در این مرکز و بهره‌گیری از تجربیات کارشناسان خارجی و داخلی، ساخت کاغذ، به‌ویژه کاغذهای سمرقندی، در برنامه کار این مرکز قرار دارد. برای رنگ آمیزی کاغذها نیز از رنگهای گیاهی استفاده می‌شود. مواد مورد استفاده عبارت‌اند از: حنا، زعفران، چای، قهوه، روناس، عناب و ... شیوه رنگ آمیزی بدین صورت است که کاغذ ساخته شده در محلولی از رنگ و آب گذاشته می‌شود، سپس در معرض هوا قرار می‌گیرد تا خشک شود. برای بهره‌گیری بهینه از کارکنان برای مرمت کتب و اسناد خطی، شیوه‌های سنتی ترمیم با استفاده از نظریات و تجربیات اهل فن آموزش داده شده است.

برای انجام مرمت مراحل زیر انجام می‌گیرد:

۱. ضدعفونی نسخه‌های خطی، که با استفاده از اتاقکهای بخور صورت می‌گیرد. در این مرحله مواد شیمیایی به صورت بخار به درون بافتهای کاغذ نفوذ می‌کند و مانع رشد میکروارگانیسمها می‌گردد. استفاده از سیستم خلأ و گاز اتیلن اکسید در حال حاضر در بسیاری از نقاط جهان یک شیوه معمول ضدعفونی است، اما نظر به خطر انفجار و عوارض جانبی دیگر، سیاست این کتابخانه همچنان بر استفاده از شیوه‌های ایمنتر استوار است. بدین منظور، استفاده از اتاقکهای سنتی بخور خطرات کمتری دارد. هنگام تخلیه پسمانده مواد شیمیایی و تهویه اتاقک برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست، از فیلترهای ویژه استفاده می‌شود.

۲. حذف آلودگیهای ظاهری و گرد و غبار که با استفاده از قلم‌موی بسیار نرم و هوای فشرده با فشار پایین صورت می‌پذیرد. اگر آلودگی زیاد باشد، از محلول شیمیایی و آب استفاده می‌شود.

۳. حذف چین و چروکهای کاغذ با استفاده از پرس و با حرارت ملایم صورت می‌پذیرد.

۴. در صورت نیاز، با استفاده از تیشوی مناسب و چسب تکسی کریل تکیه‌گاهی برای اثر مرمت شده فراهم می‌شود که موجب مقاومت بیشتر آن می‌گردد. این تیشو با حرارت به سطح کار می‌چسبد و به آسانی قابل جدا کردن است.

۵. قسمتهای افتاده و آفت‌دیده اثر با استفاده از کاغذ مناسب و همرنگ پر می‌شود. این نوع ترمیم، مرمت موضعی نامیده می‌شود.

۶. پس از تکمیل مرمت، روکشی از تیشوی نازک شش گرمی، بر روی کار کشیده می‌شود. سپس بخشهای زاید تیشو بریده می‌شود.

۷. در برخی موارد از نایلون محلول استفاده می‌شود. در اکثر موارد قسمتهای آسیب‌دیده اثر - که دارای نوشته یا نقاشی باشد - بازسازی نمی‌شود، اما در صورت ضرورت، موارد ذیل همواره مدنظر است:

۱. به هیچ عنوان نباید اصالت اثر خدشه‌دار گردد؛
۲. در بازسازی اثر از مشابه‌سازی رنگها خودداری می‌شود؛
۳. حتی الامکان از مواد طبیعی و معدنی و شیوه‌های سنتی استفاده می‌شود؛

۴. فقط نقاطی مرمت می‌شود که دخالت در سبک پدیدآورنده اثر تلقی نگردد؛

۵. از شیوه‌هاشورزنی برای قسمتهای رنگی و نقاشی استفاده می‌گردد.

استفاده از چسبهای شیمیایی موسوم به چسب سرد برای صحافی مرسوم گردیده، اما استفاده از چسب گیاهی که دارای خصوصیات زیر باشد در این کتابخانه مورد توجه است:

۱. ماهیت خنثی داشته باشد و این ویژگی را حفظ کند؛
۲. بیش از خود کاغذ استعداد آلودگی به آسیب و آفت را نداشته باشد؛

۳. با مواد ضدعفونی‌کننده ترکیب پذیر باشد؛

۴. مستعد رشد قارچ و کپک نباشد؛

۵. بعد از خشک شدن، مجدداً در حلالهای اولیه خود قابل حل باشد؛

۶. حداقل ترکیبات در آن به کار رفته باشد؛

۷. به سرعت برگشت پذیر باشد.

با توجه به موارد یاد شده، نشاسته هنوز هم بهترین چسب است. ترکیب سی گرم نشاسته به ازای دو است میلی لیتر آب مقطر مناسبترین ترکیب است.

ترمیم قسمتهای تذهیب و تشعیر نیز با استفاده از شیوه‌های

کتابخوار آگاه سازند تا از فرسایش بیشتر این سرمایه‌های عظیم بشری پیشگیری شود.

### خریداری نسخه‌های کهن

در پاییز سال جاری ۱۸۳ نسخه خطی نفیس برای کتابخانه خریداری شده و ۴۹ نسخه خطی دیگر به کتابخانه اهدا گردیده است. در میان نسخه‌های خطی خریداری شده تعدادی نسخه‌های نفیس وجود دارد که بخشی از آنها را در گزارش کتابخانه مرحوم آیت‌الله بهاری (ره) در همین شماره معرفی نمودیم. تعدادی دیگر از نفایس خریداری شده بدین شرح است:

۱. المفصل، زمخشری، مورخ سده ۸ ق.

۲. المصادر، در لغت، به فارسی، از ابی‌عبدالله حسین بن علی بن احمد زوزنی، مورخ سده ۶ ق. این نسخه در کتابخانه شخصی مرحوم سعید نفیسی بوده است.

۳. المفصل، زمخشری، نسخه دیگر، مورخ سده ۷ ق، خط نسخ درشت.

۴. العزیز فی شرح الوجیز، از رافعی، به عربی، کتابت شعبان سال ۶۹۵ در شهر تبریز، به خط ابو حامد محمد بن علی بن عبدالله موصلی نساخ، قطع رحلی قطور.

۵. قواعد الاحکام، علامه حلی، عربی، کتابت ۱۱ شعبان سال ۸۸۱، به خط محمد بن محمد ساعد. این نسخه به دست یکی از علمای شهر جله مقابله و تصحیح شده است.

۶. الفائق فی غرائب لغات الحدیث، از زمخشری، کتابت روز پنجشنبه ۱۳ صفر ۶۸۷، به خط عبدالجلیل بن محمد بن عبدالجلیل بن ابی بکر مرغانی، ملقب به عصام، قطع رقی قطور.

۷. الالسن المخترعة فی الحروف المبتدعة، یا: الاعلام بفنک الرموز من سایر الاقلام، به عربی، مؤلف ناشناخته، کتابت سده ۸ ق، که از روی نسخه بسیار کهن کتابت شده است.

۸. دبستان المذاهب، به فارسی، منسوب به محسن کشمیری فانی، نسخه هنری مذهب و مرصع ممتاز، صفحات مجدول به زر و لاجورد، سرلوح بسیار زیبای مرصع، جلد ساغری، خط نستعلیق.

سنتی انجام می‌گیرد. شیوه‌های مکاتب مختلف هرات و سمرقند با استفاده از رنگهای معدنی نظیر لاجورد و سنگرف و با استفاده از الگوهای مانند سرلوح و شمس و خاتمه صورت می‌پذیرد. از نوآوری در مرمت آثار خودداری می‌شود.

تذهیب نیز با استفاده از ورقه‌های نازک طلای حل شده در صمغ عربی صورت می‌گیرد. این کار به روش سنتی انجام می‌گیرد؛ یعنی بعد از آهار مهره زدن درست همانند تذهیبهای کهن دارای جلا می‌گردد و همواره کیفیت خود را حفظ می‌کند و برخلاف رنگهای مصنوعی و شیمیایی هیچ‌گاه سیاه نمی‌شود. ساختن کاغذهای ابر و باد نیز با استفاده از مواد اولیه طبیعی و با شیوه‌های گوناگون انجام می‌گیرد و از لعابهای مختلفی استفاده می‌شود؛ مانند کتیرا و نشاسته، که برای همگونی بیشتر با اصل سند به کار می‌روند.

جلدسازی نیز به تمام روشهای چرمی با طرحهای اسلیمی و ترنج و لچک و یا اشکال هندسی اسلامی و یا جلدهای لاک و روغنی انجام می‌شود.

ساختن کاغذ برای تعمیر قسمتهای آفت‌دیده کتابها و اسناد، دو پوست کردن کاغذ، رنگ آمیزی، جدول‌کشی با طلا و لاجورد و سنگرف و مرکب، ترمیم کاغذ، نقاشی، تذهیب، تشعیر و ترصیع از موارد دیگر کار مرمت در این کتابخانه است. تکیه بر مصالح طبیعی و استفاده از شیوه‌های سنتی هنوز هم از بهترین و قابل اعتمادترین روشها در مرمت اسناد و کتابهای خطی به شمار می‌رود و کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - از مشوقان و مجریان آن است.

در پایان یادآور می‌شود که این جانب - که بیش از سی سال است مسئولیت این کتابخانه را از سوی مؤسس بزرگوار آن برعهده دارم - براین نکته آگاهی یافته‌ام که متأسفانه هنوز هم در بسیاری از کتابخانه‌هایی که دارای ذخایر مکتوب‌اند، به جنبه‌های پیشگیری از آنها توجه نمی‌شود و بیشترین توجه به اطفای حریق است؛ در صورتی که خطر این‌گونه آنها به مراتب بیشتر است. انتظار می‌رود در این همایش شرکت‌کنندگان نسبت به این مهم عنایت داشته باشند و در قطعنامه پایانی اجلاس، صاحبان و متولیان و مسئولان این ذخایر را از خطر آفتهای جدی، مانند موربانه، ویروس، باکتری، قارچ، کرم و سوسک

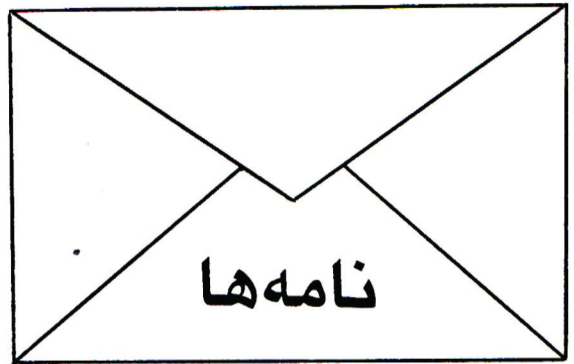
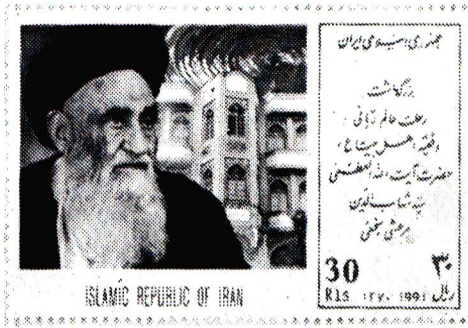


۹. مرقع زیبا، به خط میرعلی اصفهانی، کتاب ۹۹۰ ق، قطع رقی.
۱۰. مطالع الاسرار، در شرح مشارق الانوار، شیخ رجب برسی، به فارسی، از ملاحسن خطیب قاری سبزواری، خطیب مسجد جامع گوهرشاد در عصر صفویه، کتاب ۸ ذی حجه ۱۰۹۰، قطع رحلی قطور.
۱۱. مرصادالعباد، به فارسی، از نجم‌الدین رازی، کتابت سده ۹ ق.
۱۲. جامع‌الصغیر، در فقه عامه، به عربی، از حسام‌الدین عمرین عبدالعزیز بخاری، کتابت چهارم شعبان ۷۹۷، به خط محمدبن سیف‌الدین میدانی.
۱۳. مجموعه دو رساله از شهید: ۱. رساله فی فرض الصلاة؛ ۲. رساله در واجبات صلاة. به عربی، کتابت نسخه اول در اواخر سده ۹ ق، و نسخه دوم در سال ۸۷۹ ق، خط نسخ.
۱۴. فصول النشأتین، به فارسی، در اخلاق، ناشناخته.
۱۵. مجموعه دو کتاب، به عربی، از میرحسینا قزوینی ابن محمد ابراهیم بن محمد معصوم: ۱. شرح ارشاد؛ ۲. کتاب الرجال. کتابت ۲۷ جمادی‌الاول سال ۱۲۹۶، به خط عبدالرحیم بن شیخ محمد تقی، قطع رحلی.
۱۶. فروع کافی، از کلینی، قطع سلطانی. نسخه خوانده شده بر علامه محمد تقی مجلسی، دستخط مبارک ایشان نیز در این نسخه (مورخ ۱۰۶۴ ق) مشهود است.
۱۷. خلاصة السيرة النبوية، لابن هشام، به عربی، از یحیی بن حمزة بن علی بن ابراهیم بن یوسف بن علی بن ابراهیم بن محمد بن

- ادریس بن جعفر بن علی بن محمد بن علی الرضی ابن الامام موسی الکاظم (ع). از علمای زیدیه، کتابت سده ۹ ق، قطع وزیر.
۱۸. تعلیقه بر کتاب المیراث شرح لمعه، به عربی، از محمد شریف بن محمد یوسف تنکابنی، نسخه اصل به خط مولف در سال ۱۲۹۳ ق.
۱۹. دیوان امیر خسرو دهلوی، نسخه مذهب و مرصع ممتاز، مورخ سده ۱۰ ق.
۲۰. مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، به عربی، از شهید ثانی، نسخه نفیسی به خط نوه مؤلف، شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین‌الدین، که از روی نسخه اصل به خط مؤلف در تاریخ سوم جمادی‌الاول سال ۱۰۶۳ کتابت کرده و سپس آنرا مقابله و تصحیح نموده است.

#### فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های عربستان

در تاریخ ۷۷/۹/۲۶ دبیر دوم سفارت عربستان سعودی در تهران تعداد ۴۴ جلد کتاب چاپی - که اکثر آنها فهرس نسخه‌های خطی کتابخانه‌های بزرگ آن کشور است - از سوی مدیریت کتابخانه ملی ملک فهد در ریاض، به این کتابخانه اهدا کرد. وی در دیدار با متولی کتابخانه درخواست نمود تا برای همکاری بیشتر کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) با کتابخانه‌های بزرگ عربستان سعودی اقدام شود. همچنین این کتابخانه نیز تعدادی از انتشارات خود را برای کتابخانه ملی ملک فهد ارسال کرد.



جناب حجت الاسلام دکتر سید محمود مرعشی نجفی  
- دامت تأییداته -

متولی و رئیس محترم کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله  
العظمی مرعشی نجفی (ره)  
با سلام و آرزوی توفیق  
احتراماً به اطلاع می‌رساند مجله گرانهای شهاب - که به حق  
خود گنجینه‌ای از فواید کریمه است - به این مرکز واصل  
و موجب تشکر و امتنان گردید. پیشنهاد می‌شود در این مجله  
وزین بخشی به احیای فرهنگ قرآن و معارف بلند آن  
اختصاص یابد و فرازهایی از زندگی حضرت آیت الله مرعشی  
نجفی (ره) - که قرآن کریم به نحوی در آن نقش داشته است -  
تهیه گردد تا به نحو شایسته‌ای نقش نقل اکبر در کنار فرهنگ ناب  
اهل بیت عصمت و طهارت در زندگی آن فقید سعید به تصویر  
کشیده شود و با نشر آن موجبات تمسک هر چه بیشتر عموم به  
قرآن کریم فراهم آید.

مصطفی محامی

مسئول مرکز فرهنگ و معارف قرآن

\* \* \*

حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمود  
مرعشی نجفی - دامت افاضاته -

ضمن اعلام وصول شماره ۱۲ نشریه شهاب و تقدیر  
و سپاس از زحمات جناب عالی، پیشنهاد می‌شود که بابی در  
نشریه - تحت عنوان طبقات مؤلفین در اسلام - باز گردد که به  
صورت مشروح، هم مؤلفین در طول تاریخ و طبقات آنان،  
و هم محتوای تألیفات آنان در زمینه‌های مختلف شناسانده

سرور مکرّم و دانشمند گرامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین  
جناب آقای سید محمود مرعشی نجفی - دام اقباله العالی -  
ضمن عرض سلام و تشکر از مراحم و عنایات  
حضرت عالی، وصول شماره ۱۲ نشریه برومند شهاب را اعلام  
می‌دارد.

مطالب سودمند و اطلاعاتی گرانها در این شماره جلب نظر  
می‌کند و امید پیشرفت این نشریه ارزشمند را به علاقه‌مندان  
نوید می‌دهد، چرا که طی مدتی نسبتاً کوتاه، گامهای بلندی در  
سوی اهداف دلخواه و مورد نظر برداشته است. مزید توفیقات  
و کامیابی آن جناب در منویات بلند و والایان منتهای آرزوی  
این بنده است. کوششهای بی دریغتان در پربار ساختن این  
کتابخانه سترگ همواره مستدام باد.

سید محمد باقر حجّتی

\* \* \*

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای دکتر سید محمود  
مرعشی - دامت افاضاته -

بدین وسیله از زحمات طاقت فرسای حضرت عالی  
و همکارانتان در کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی  
مرعشی - قدس سره - تشکر نموده و از ارسال مجله وزین  
و ارزشمند شهاب به غایت متشکریم و از مطالب سودمند آن  
همواره بهره برداری می‌شود.

دفتر حضرت آیت الله شبیری زنجانی

\* \* \*

افتخار است که با حضرت عالی دیدار کردم. امیدوارم این دیدارها تداوم یابد. از خداوند مسئلت دارم که بنیانگذار این کتابخانه را با صدیقین و شهدا محشور گرداند و مرقد او را منور سازد.

الشفیع احمد محمد  
سفیر سودان در تهران

\* \* \*

حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی - دام عزّه العالی -  
با اهدای سلام

بدین وسیله بر خود لازم می‌دانم از دست‌اندرکاران محترم نشریه شهاب تشکر و قدردانی نمایم. ضمن آرزوی علو درجات برای بنیانگذار این گنجینه گرانبها و معنوی و درخواست توفیق برای آن جناب، امیدواریم بتوانیم در رسانه صدا و سیما بخشی از رسالت خطیر خود را در قبال این مجموعه مهم ایفا نموده و قدمی در راه تحقق اهداف متعالی آن عزیزان برداریم. امید است در پناه عنایات حق تعالی و تحت لوای حضرت مهدی (عج) و مقام شامخ ولایت مؤید و منصور باشید.

مرتضی تمدن  
مدیر کل صدا و سیما مرکز قم

\* \* \*

شود. این امر نسل جوان را از فرهنگ اصیل اسلامی مطلع می‌سازد و آنان را با افکار بلند دانشمندان اسلام آشنا می‌کند. در نتیجه، فرهنگ بیگانه هیچ تأثیری در آنان نخواهد گذارد.

طالبی  
رئیس کل دادگستری استان قم

\* \* \*

حضور محترم مدیر مسئول نشریه شهاب، حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی نجفی - دام عزه -

با سلام، وصول شماره ۱۲ نشریه آن کتابخانه بابرکت اعلام می‌گردد. در صورت امکان و فراهم بودن زمینه‌ها پیشنهاد می‌شود:

۱. جدای از مباحث و مقالاتی که درباره کتاب و کتابخانه است، از مقالات اخلاقی و عرفانی اساتید این فنون نیز استفاده گردد؛

۲. در یکی از شماره‌های آینده، وصیت‌نامه عبادی - اخلاقی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی - رضوان‌الله تعالی علیه - چاپ شود، چراکه علاقه‌مندان زیادی برای بررسی و استفاده دارد.

قدرت‌الله فیاض  
مسئول دفتر نمایندگی شورای سیاستگذاری ائمه جمعه استان یزد

\* \* \*

محضرگرامی حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی نجفی

ریاست محترم کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)

سلام علیکم

با تشکر و امتنان فراوان از حسن استقبال و گرمی دیدار به هنگام بازدید این جانب از کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره). با بنای عظیم علم و دانش روبه‌رو شدم. خداوند آن را گنجینه‌ای برای همه مسلمانان و مشعلی فراراه هدایت دانش پژوهان قرار بدهد. برای این جانب مایه بسی

رئیس محترم کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) با سلام و احترام، بدین وسیله وصول دوازدهمین شماره مجله شهاب را اعلام می‌نماید. ضمن تشکر از زحمات همکاران محترمی که در تنظیم و نشر این مجله و زین تلاش می‌نمایند، بر خود لازم می‌دانم از تلاش ارباب معرفت در حوزه گسترش و نشر معارف اسلامی - به‌ویژه اساسی‌ترین ابزار فعالیت علمی، یعنی کتاب - تقدیر نمایم. بی‌گمان شالوده‌استوار عقلانیت اسلامی مرهون تلاشهای محققانه و متفکرانه چهره‌های ارزشمندی است که متأسفانه بعضاً خود و آثارشان در غم غربت به سر می‌برند. از این رو، زحمات همه انسانهایی که

و پر محتوای شهاب می‌دانید، کمال سپاس و تشکر را داریم. امیدواریم آن مشعل مقدّسی که به دست توانای حضرت آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (ره) برافروخته شد و ذخایر ناب اسلامی و شیعی را از آفات به دور داشت و به تنهایی در برابر هجوم غارتگران ذخایر اسلامی ایستاد، همیشه تاریخ افروخته ماند و نور افشاند.

مجتبی عقیقی

مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان قم

\* \* \*

حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر مرعشی نجفی ریاست محترم کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی سلامّ علیکم

به استحضار می‌رساند آقای علی ناصر محمّد، رئیس جمهوری پیشین یمن و هیئت همراه، روز پنجشنبه ۱۳۷۷/۹/۱۲ برای بازدید از کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) و زیارت حرم مطهر حضرت معصومه (ع) عازم شهر مقدّس قم‌اند. خواهشمند است دستور فرمایید برای انجام تشریفات لازم و بازدید از کتابخانه هماهنگی به عمل آید.

سید عباس عراقچی

سرپرست دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه

برای احیای آثار علمی در تلاش‌اند برجسته و هویدا می‌شود. در راستای این تلاش ارزشمند، به نظر می‌رسد یکی از مهمترین حوزه‌های عقلانیت اسلامی، یعنی حوزه تفکر و اندیشه درباره سیاست، در قالب فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی، شریعتنامه سیاسی، اندرزنامه‌های دینی - حکومتی و ... کمتر مورد عنایت بوده است. بر این باورم که چنانچه بخشی از فعالیت آن کتابخانه محترم به چنین امری معطوف شود، پسندیده و مرضی حق خواهد بود؛ منابع ارزشمندی که تلاش فکری در حوزه اسلامی و ایرانی درباره سیاست و اداره جامعه را به قرن‌ها پیش برمی‌گرداند و انسان امروزی را از رجوع تک‌بعدی به مفاهیم وارداتی باز می‌دارد. بر این اساس تأسیس کمیته علمی اندیشه سیاسی در آن حوزه می‌تواند بسیاری از منابع محجور و دورافتاده را احیا کند و در اختیار ارباب معرفت و پژوهندگان سیاسی قرار دهد. در پایان موقّیت جناب عالی و همه دست‌اندرکاران آن کتابخانه بزرگ را از خداوند متعال خواستارم و تلاش همه آنها را بار دیگر ارج می‌نهم.

شجاع احمدوند

مدیر کل بازرسی و نظارت استان قم

\* \* \*

جناب حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی - دام عزه العالی -

سلامّ علیکم

از این که ما را شایسته بهره‌وری از نشریه وزین، متین

# SHAHAB

## Journal of The Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi

Address: Ayat Allah Marashi Najafi st.

Qom - 37157. I.R. IRAN

Tel: + 0251 - 743638/41

Fax: + 0251 - 743637

**Grantee:** The Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi

**Managing Director:** Dr. Seyed Mahmoud Marashi Najafi  
under the supervision of the Editorial Board Reza

**Editor :** Reza Moazzen Zadeh

**Typesetting and Layout:** Faranashr

- **Shahab**, covers the news of the Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi, as well as the following issues:
- To introduce Manuscripts of the Library.
- To introduce the incunabuals kept in the Library.
- To introduce the Publications of the Library.
- Reports from tours by Library's researchers.
- Articles on Criticism and Authorship.
- Articles on Librarianship and Bibliography.
- Articles on introducing various Libraries.

- The use of the articles from this journal is permitted only if reference is made.
- The views presented in this journal are those of the authors.
- No article received will be sent back to the sender.
- The received articles will be edited technically by the editorial board.
- **Shahab** is published quarterly at the end of each season.

# SHAHAB

Journal of  
The Grand Library of Ayat Allah Marashii Najafi

۱۳۰۱ هجری قمری

جانب دروس حضرت دزیر غم امیر به تالی

کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی در تبریز از آنجا که این کتابخانه از نظر سابقه و عمق  
گفت به نظیر ایران است. کتب نفیس عالم نسیه و کتب با ارزش علمیه و عقلیه آن از  
ذخائر و کتب غنی اسلام و ایران می باشد. از قرار اطلاع مرکز حفاظت آنجا که از  
مبیت که آنجا به عنوان از حفظ باشد و محیط مطالعه بارش تا آن کتابخانه که  
است جنبه علمی داشته باشد آنچه را که آن کتابخانه احتیاج دارد به بهترین وجه  
فراهم آوردید. جنبه علمی اسلام و حجاج سید محمد مرعشی نجفی که خود از مجربان  
دانش سلطنت در امر کتابت نسیه و کتب و دست خط خطی است و کتب با ارزش  
کتاب است بهترین فرد است که می تواند شمارا در این امر یاری دهد پس  
برهم زودتر با سفته سه تن بنام در عرض اسلام و انصاف و عجزه علیه السلام قدسی  
سفید در راه رسیده تقسیم اسلام برداشته شود. و زمین است آنچه در این زمین است

میباشد اختیار کرد با حضرت آیت الله مرعشی نجفی در تبریز است که این زمین سفید

نامیده و زمین جنبه علمی را از حد و کفایت فراتر برد و در اسلام سکون است

۱۳۰۱/۱۲/۲۴

دستخط حضرت امام خمینی (ره) در باره

کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)